

نمره - ۲۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
 طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف ۱۳ دسامبر من:

دیروز وزیرمختار روس در موضوع دو فقره عبارات آخری بیاننامه کفیل وزارت
 امور خارجه روس شرحی به دولت ایران نوشته.
 عبارات مذکور راجع به بیاننامه‌ای است که در تلگراف ۱۰ دسامبر سر بچنین
 [بیوکانون] مسطور است.

نمره - ۲۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
 طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
 قنصل انگلیس از شیراز خبر می‌دهد که مجتهد اعظم شیراز حکمی صادر و منتشر
 نموده که مسلمانان از معامله و معاشرت با قشون انگلیسی ممنوعند و مجتهدین
 مجدانه کسبه را از فروش به قشون انگلیس ممانعت نموده و بناها و سایر کارگران
 ایرانی را از اشتغال به کارهای مرجوعه از طرف قشون جلوگیری نموده‌اند.
 مسئله آذوقه کم‌کم جالب اهمیت شده.
 من مراتب را به دولت ایران اطلاع داده و در مرتفع داشتن این تحریم (بایکات)
 تاکید نموده‌ام.

نمره - ۲۸۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
 طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف ۲۹ اکتبر من:
 بموجب اطلاعات واصله: در دامغان، واقعه در راه مشهد، ترکمانهای تابع شاه
 مخلوع اردوی دولتی را مغلوب نموده‌اند.

نمره - ۲۸۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
 طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
 بواسطه انقلابی که ملاها در شیراز جاری نموده‌اند در عرض چند روزه گذشته
 کار بر بانک شاهنشاهی شیراز سخت شده و قنصل انگلیس خبر می‌دهد که همه‌روزه

نوت‌های بانک را برای مبادله به پول ابراز می‌دارند و بانک روزی ۱۵۰۰۰ تومان پول در مقابل نوت‌های ابراز شده می‌پردازد و این بیشتر اهمیت دارد که بواسطه نبودن مستحفظ يك قافله حامل پول نقد برای بانک شیراز در کازرون معطل است.

نمره - ۲۸۲

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر) سن پترزبورغ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰] (شرح مکتوب ذیل مورخه ۱۹ دسامبر)

در ۱۴ دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] مخایره شده)

آقا

با کمال افتخار خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم که مسیو سازانوف در ۱۳ شهر حال وارد سن پترزبورغ شده و مقام وزارت خارجه خود را مجدداً اختیار نمود. غروب روز بعد از ورود او من بدیدن آن جناب رفتم و پس از تبریک ورود و اظهار امیدواری در اعاده صحت مزاج او شروع به مذاکره در باب اوضاع حاضره ایران نمودم و از گرفتاری که شما در این خصوص حاصل نموده‌اید خاطر جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] را مستحضر نموده و مخصوصاً تکیه کلام را به سوءنتیجه‌ای که از ورود قشون روس به طهران ظاهر خواهد شد قرار دادم.

مسیو سازانوف اظهار داشت هنگامی که در پاریس بوده کنت بنکندر ف هم در این موضوع خیلی با او مذاکره نمود ولی امیدوار است سوءظن و انحراف عقایدی که به واسطه اقدامات جدید دولت روس در ایران در بعضی نقاط انگلستان اشاعه یافته بود تا حال برطرف شده باشد.

بهر حال آن جناب از من خواهش نمود به شما اطمینان بدهم که او هیچ میل ندارد امر به پیش رفتن قشون به طرف طهران بنماید و امیدوار است بمحض تمکین سریع دولت ایران به التیماتوم روس لازمه اقدام در دفع این امر به عمل بیاید. پس از آن شروع به مذاکره در باب يك بیک مواد التیماتوم نمودیم.

در باب ماده اول مسیو سازانوف توضیح نمود که فقط تعهد نمودن در باب اخراج مستر شوستر کافی نیست. تا کنترات استخدام شوستر با دولت ایران رسماً فسخ نشود قشون روس عودت داده نخواهد شد.

من سؤال نمودم که آیا مقصود معظم‌الیه [=معظم‌له] از این بیان این است که مستر شوستر بکلی از طهران خارج شده باشد و آن جناب جواب داد اگر هم حتماً لازم باشد که او يك مدت خیلی در آنجا توقف بنماید باید صراحتاً تعهد بشود که در عرض آن مدت او بهیچ وجه مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امورات دولت ایران نخواهد نمود.

ماده دوم در موضوع به استخدام پذیرفتن مستشارهای خارجه مسیو سازانوف اظهار

داشت علی‌الظاهر دولت ایران برای قبول این ماده با مشکلات بسیار مصادف است. حالا دولت مزبور حاضر شده است که این تقاضا را در تحت عبارت ذیل قبول بنماید: «در باب کنترات مستشارها و صاحب‌منصبان خارجه که دولت ایران برای اصلاح کلیه امورات لازم داشته باشد چون دولت ایران مایل است در هر موردی روابط مستحسنة با دولتین انگلیس و روس را منظور بدارد مراقبت خواهد نمود که انتخاب این نوع مستخدمین به قسمی بشود که برای منافع مشروعۀ دولتین در ایران مضر نباشد. بنابراین دولت ایران حاضر خواهد بود که در باب این قسم مستشارها و صاحب‌منصبان با سفارتین تبادل نظریات بنماید...»

آن جناب بالشخصه حاضر است با این مرام دولت ایران موافقت بنماید در صورتی که بجای کلمات «تبادل نظریات بنماید» این کلمات نصب بشود «ترتیب قراردادی بشود» چونکه کلمات مذکوره دولت ایران خیلی مبهم است و هیچ شرط و تعهدی از آن مشهود نیست.

من اظهار نمودم اصلاح عبارتی را که آن جناب در نظر دارد به عقیده من اصل نقطه نظری را که دولت ایران در عنوان آن عبارت دارد معدوم می‌نماید چون عبارت «تبادل نظریات» باب مذاکره را برای دولت ایران باز می‌گذارد و آنها را ملتزم به تعهدی نمی‌دارد ولی «ترتیب قراری بدهند» صورت معاهده را پیدا می‌نماید.

پس از قدری مذاکره دیگر من عبارت ذیل را پیشنهاد نمودم که دولت ایران در قبول آن یا در قبول عبارت مسیو سزانوف مخیر باشد «داخل در تبادل نظریات بشوند بقصد اینکه ترتیب قراردادی با سفارتین بدهند» خوشبختانه مسیو سزانوف این پیشنهاد را پسندید ولی گفت بدون اینکه این عبارتها را برای تجویز به امپراطور عرضه بدارد نمی‌تواند رأی قطعی در قبول آنها بدهد.

در باب مسئله خسارت مسیو سزانوف به من اطمینان داد که بهیچوجه قصد ندارد به دولت ایران سخت‌گیری بنماید. یا بخواهد يك مبلغ گزافی به آنها تحمیل بنماید.
امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره - ۲۸۳

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۴ دسامبر)
من پترزبورغ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۱ آذر ۱۲۹۰]
تعیین استخدام مستر لکفر

امروز در موضوع تلگراف ۱۲ دسامبر با مسیو سزانوف مذاکره نمودم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] هیچ میل ندارد که مستر لکفر در وزارت مالیه طهران باقی بماند هر قدر هم که مدت دوام او قلیل باشد.

منتهی مدتی که او راضی بشود مستر لکفر در آنجا متوقف باشد دو هفته الی سه هفته است. آن جناب اظهار داشت که تحصیل يك مشغله برای مستر لکفر در منطقه

انگلیس نباید مشکل باشد.

نمره - ۲۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

الان رئیس بانک شاهنشاهی نزد من آمده و اظهار داشت که بواسطه کمی پول شعبه بانک شیراز دیگر نمی‌تواند پول به قشون انگلیس بپردازد. يك قافله حامل پول نقد بواسطه فقدان مستحفظ در برازجان معطل است ولی من امیدی به تهیه شدن مستحفظ ایرانی ندارم و تا قافله مزبور به شیراز نرسد هیچ امیدی به رهایی بانک از مشکلات نمی‌توان داشت. این عقیده در نظر من جلوه‌گر شده که اجازه بدهم قافله حامل پول به مستحفظین همراه مستر اسمارت ملحق بشود.

مستر اسمارت بهمین زودی از بوشهر حرکت خواهد نمود ولی تا شما ملحق شدن قافله حامل پول را به مستحفظین تصویب ننمایید من شخصاً نمی‌توانم همچو اجازه‌ای بدهم.

نمره - ۲۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

مستحفظ برای قافله پول از حکومت ملی تحصیل شده و الحال قافله مزبور حرکت نموده.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۵ دسامبر)

طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۲ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر من در باب تحریم (بایکات) در شیراز:

امروز قنصل انگلیس شرح ذیل را از شیراز تلگراف نموده:

مسئله ارزاق خیلی اهمیت حاصل نموده. خرید آذوقه بکلی غیرممکن است و اغلب چیزهای لازمه را فقط بقدر کفایت يك روز دیگر موجود داریم.

اگر حکومت مرکزی متقاعد نشود که اقدامات مجدانه سریع در جلوگیری از این وضع ناهنجار بنماید ما مجبور به بعضی اقدامات محلی خواهیم شد.

سبک اعمال و حرکات مأمورین محلی بکلی مخرب اوضاع است. کارگزار

صراحتاً پسندیدن این اقدام ملاحا را مشهود می‌دارد چون رسماً به من نوشته است که حکومت محلی نمی‌تواند با ملاحا طرف بشود.

امروز عصر کارگذار [= کارگزار] را ملاقات نموده و به او اخطار خواهم نمود که مأمورین محلی بواسطه اقدام ننمودن در جلوگیری از این هیجان معاند تولید مسئولیت بسیار مهمی برای خود خواهند نمود. هنوز بر من مشهود نگردیده که چنانچه وزیر امور خارجه اظهار داشته تعلیماتی از طرف او به اینجا رسیده باشد.

امروز عصر سعی خواهم نمود از کارگذار [= کارگزار] کشف بنمایم که همچو دستوری رسیده است یا خیر.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی
وزارت خارجه ۱۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۲ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر سر بچنن [بیوکانان]:
لازم است شغلی در خارج از منطقه روس برای مستر لکفر تحصیل بشود. ممکن است همچو شغلی پیدا بشود یا خیر؟ اگر ممکن نیست آیا او می‌تواند برای يك مدت قلیلی مرخصی گرفته برود تا يك شغلی برای او پیدا بشود؟

نمره - ۲۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر)
طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۴ دسامبر من:
وزیرمختار روس دیروز مجدداً به وزیر امور خارجه ایران اطلاع داد که بمحض تمکین دولت ایران به سه فقره مواد التیماتم دولت روس شروع به عودت دادن قشون از قزوین خواهد نمود. این اطمینان البته تابع شرایطی است که در آخر یادداشت مسیو نراتوف به سر بچنن [بیوکانان] سفیرکبیر انگلیس مقیم سن پترزبورغ ذکر شده و محتمل است دولت روس این هیجانی را که حالیه مجتهدین ایران به دستگیری علماء نجف به ضد روس در ایران اشاعه داده‌اند، به اعمال تغییرآمیز تعبیر بنماید.

وزیرمختار روس نیز به وزیر امور خارجه اطلاع داده عبارتی را که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] برای ماده دوم التیماتم توجیه نموده با جزئی اصلاحی قبول خواهند نمود (به تلگراف سیزدهم دسامبر من مراجعه شود). از این قرار اسباب تسهیل تمکین دولت ایران فراهم شده ولی با اینکه از قرار معلوم عده کافی از وکلاء از مقام خود استعفاء نموده‌اند که اکثریت آراء در مجلس غیرممکن بشود مع‌هذا بهیچوجه نمی‌توان یقین داشت با خوفی که کابینه از خشم و غضب عمومی دارند به قبول تقاضاهای روس

مبادرت بنمایند.

بی‌شبهه کابینه پیش‌بینی می‌نمایند که اگر در عودت قشون روس تأخیری بشود خشم عمومی زیادتر خواهد شد.

نمره - ۲۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر) طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰] رجوع به تلگراف ۲ دسامبر من:
 قنصل انگلیس به تاریخ پانزدهم شهر حال از قرار ذیل تلگراف نموده:
 دو یست نفر سرباز و چهارصد نفر قزاق وارد انزلی شدند.

نمره - ۲۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۶ دسامبر) طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۹] رجوع به تلگراف دیشب من در باب تحریم (بایکات) شیراز:
 دیشب وزیر امور خارجه حکم سختی به کارگذار [= کارگزار] مخابره نمود.
 من به قنصل انگلیس مقیم شیراز تعلیمات داده‌ام که هیچ اقدامی بدون مشورت با من ننماید. باضافه به او دستورالعمل داده‌ام به کارگذار [= کارگزار] بگوید که اگر او جدیت در جلوگیری از تحریم (بایکات) ننماید من عزل او را خواستار خواهم شد.

نمره - ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۳ آذر ۱۲۹۰] رجوع به تلگراف دیروز شما در باب آذوقه برای قشون انگلیس مقیم شیراز:
 شما مجازید به قشون مقیم شیراز اختیار بدهید که هر اقدامی را حتماً برای تهیه آذوقه به جهت خودشان لازم می‌دانند معمول بدارند. قنصل انگلیس باید با فرمانده قشون مشورت بنماید که به قوه قشونی که حاضر دارند چه نوع اقدامی را برای تحصیل آذوقه ممکن است تعقیب بنمایند. در صورتی که تمام وسایل آنها برای تحصیل آذوقه بی‌ثمر بشود می‌توانند متوسل به قوه قهریه بشوند. هرچه بگیرند قبض رسیدی در مقابل آن باید بدهند که در پرداختن قیمت آن بالاخره اشکالی پیش نیاید.
 آیا تصور می‌کنید که بواسطه فرستادن کشتیهای جنگی به بندر بهبودی در وضع شیراز حاصل بشود؟

نمره - ۲۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۳ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۴ ذی حجه ۱۳۲۹]

وزیر مختار ایران مجدداً از من خواهش نموده که اطمینانهای در باب ماده دوم التیماتوم روس مخفی بماند. من به او خاطر نشان نمودم که موادی را که دولت روس آشکاراً پیشنهاد نموده نمی‌توان انتظار داشت که به اطمینانهای مخفیانه اقناع بشود و همچو در انظار عامه جلوه‌گر شود که ماده مزبور نسخ شده. من اظهار نمودم از قراری که بر من مفهوم شده دولت ایران عبارتی برای ماده دوم التیماتوم طرح نموده بودند که دولت روس هم مساعدانه آن را موجه قرار داده بود در صورتی که آن عبارت تشیید لازم دارد.

پس از آنکه معظم‌الیه [= معظم‌له] در باب اطمینان برای بازگشت قشون و سایر مطالب اصرار نمود من اظهار داشتم که من نمی‌توانم به اطمینانهایی که وزیر مختار روس در باب قشون مستقیماً به دولت ایران داده هیچ چیزی اضافه بنمایم و کلیتاً من نمی‌توانم در این موضوع مقام وساطت را اختیار بنمایم. پس از آنچه تا حال واقع شده دولت روس طبیعتاً در باب سه فقره مواد التیماتوم توسط قبول نخواهد نمود. تا با این مواد موجوده موافقت نشود من هیچ کاری نمی‌توانم بکنم. پس از خاتمه پذیرفتن این مواد چنانچه در نطق پنجشنبه من در پارلمان مذکور است من نفوذ خودم را در باب اقدامات آتیه که برای دولت ایران هم مساعد خواهد بود به کار خواهم برد. وزیر مختار ایران اظهار داشت احساسات عمومی بحدی متشدد است که مافوق قوه دولت ایران است. بجز اینکه عبارت مواد التیماتوم تسهیل بشود و در باب بازگشت فوری قشون تازه‌وارد روس اطمینانی داده بشود بنحو دیگری از قوه دولت ایران خارج است که بتواند کاری بکند. مراتب فوق را به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)

طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۲ شهر حال من در باب اوضاع کرمانشاه:

الساعة تلگرافی از قنصل انگلیس مقیم کرمانشاه به من رسیده که به تاریخ ۹ دسامبر مخایره شده. تلگراف مزبور توسط قاصد به همدان ارسال و دیروز از آنجا مخایره شده. در نهم دسامبر جنگ مابین متابعین سالارالدوله و قشون دولتی شروع شده. تلگراف مزبور مشعر بر این است که مشاغل عمومی تعطیل است و کوچه‌ها ناامن است. بانک شاهنشاهی و قنصلخانه در خط شلیک واقع است و خطر جانی و مالی مسلم است.

نمره - ۲۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
 طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف ۱۵ دسامبر من:

رئیس بانک شاهنشاهی به من اطلاع می‌دهد که استخلاص از مشکلات موجوده در شیراز از يك بابت فقط منحصر به ورود قافله حامل پول است که حالا در راه بوشهر به طرف شیراز در حرکت است. رئیس بانک جداً از من خواهش می‌نماید قافله دیگری که حامل پول است و عجلتاً در بوشهر منتظر موقع حرکت است در تحت حراست مستحفظینی که با اسمارت عازمند حرکت بنماید.

من به رئیس بانک اظهار نموده‌ام که قبل از اجازه دادن به همچو حرکتی من باید اجازه مخصوص از سر ادوارد گری تحصیل بنمایم ولی در ضمن من در صدد هستم که مستر اسمارت را در بوشهر معطل بنمایم چون باید حالا او تازه از بوشهر حرکت کرده باشد یا در صدد حرکت به طرف شیراز باشد.

نمره - ۲۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
 طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۴ آذر ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف دیروز شما در باب شیراز:

چندین تلگراف دیگر از قنصل انگلیس رسیده که از آنها مستفاد می‌شود کارگذار [= کارگزار] پاره‌ای اقدامات در مرتفع داشتن تحریم معاملات با انگلیسان نموده. قنصل انگلیس مجبوراً مساعدت نایب‌الحکومه را برای تهیه آذوقه يك هفته قبول نموده ولی مسلماً این ترتیب مرضی خاطر نیست.

من گمان می‌کنم اعزام کشتیه‌های جنگی به بندر بیشتر باعث هیجان در باب تحریم بشود لهذا من این نوع اقدامات را تصویب نمی‌نمایم.

نمره - ۲۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۷ دسامبر)
 طهران ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۴ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۹]
 رجوع به تلگراف دیروز من:

سردار اسعد به وزیرمختار روس اطلاع می‌دهد که يك نوبت دیگر در باب گذراندن مواد التیماتم از مجلس مجاهدت خواهد شد. تا نتیجه جد و جهد در این نوبت مشهود نگردد استعفای وکلای اعتدالی صورت وقوع حاصل نخواهد نمود.

مجلس روز سه‌شنبه منعقد خواهد شد و اگر مجدداً در قبول التیماتم روس امتناع

بنمایند استعفای مذکور صورت فعلیت حاصل خواهد نمود و آن وقت اعلان خواهد شد که مجلس حاضره را نمی‌توان باقی گذارد و باید منفصل بشود. بعقیده من عین واقع این است که هیجان عمومی بساعت تخویف نمایندگان که به استعفاء تشویق شده بودند شده و از استعفاء دادن احتراز نموده‌اند. اگرچه آن‌طور نمایشهای وطن‌پرستانه‌ای که در اوایل ابراز التیماتم بظهور می‌رسید تخفیف یافته ولی بواسطه نفوذ دیرینه‌ای که کلام مجتهدین در اذهان عامه دارد احساسات برخلاف قبول التیماتم در تزايد است. مقدمه تحریم امتعه روس که مدتی بود بظهور رسیده بود علی‌الظاهر بعوض تقلیل نسبتاً در تزايد است.

نمره - ۲۹۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیقعدة ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]
آقا

قانون انتخابات که در ۲۲ اکتبر (۲۸ شوال) [۲۹ مهر ۱۲۹۰] از مجلس گذشته بود در ۴ شهر حال به امضای نایب‌السلطنه موشح گردید. از عبارت دستخط نایب‌السلطنه همچو مستفاد می‌شود که او می‌خواهد کاملاً تصریح بنماید که در مبنای قانون مزبور بهیچ‌وجه دخالتی نداشته چون می‌نویسد حتی بدون فرصت قرائت فوراً این قانون را به وزارت داخله فرستادم. قانون انتخابات ۱۹۰۹، ۱۲۰ نفر وکیل برای پارلمان مشخص نموده و انتخابات بتوسط حوزه‌های انتخابیه صورت می‌گرفته ولی قانون انتخابات حالیه که ترجمه آن را لفاً ارسال می‌دارم، ۱۳۶ نفر نماینده تعیین می‌نماید و انتخابات هم باید مستقیم باشد. تعداد نمایندگان در صفحات علیحده مشخص و به قانون مزبور ملحق شده. تعداد نمایندگان ولایات عمده از قرار ذیل معین شده:

آذربایجان	۱۹ نفر
عربستان	۴ نفر
کرمان و بلوچستان	۷ نفر
اصفهان	۵ نفر
فارس	۱۳ نفر
گیلان	۶ نفر
خراسان	۱۵ نفر
کرمانشاه	۴ نفر
مازندران	۵ نفر
طهران	۱۵ نفر
یزد	۴ نفر

تعداد وکلای آذربایجان و طهران تغییر ننموده و همان عده است که در قانون انتخابات سابق تعیین شده ولی برای فارس بجای ۸ نفر سابق ۱۳ نفر مشخص شده و در تعداد باقی ولایات هم تغییری داده نشده.

خالی از تعجب نیست که در صورتی که قانون انتخابات سابق انتخاب ۱۲۰ نفر نماینده را تجویز نموده بود ولی هیچوقت بیش از ۸۰ نفر در طهران حاضر نبوده و بموجب شماره‌ای که شده معمولاً ۶۰ الی ۷۰ نفر نماینده در جلسات مجلس حضور بهم رسانیده‌اند.

قانون انتخابات کنونی رأی عمومی را تجویز نموده فقط یکی از اختصاصات مهم، ۶ ماه سکونت در محل انتخاب است. مقصرین پلٹیکی که در مخالفت با دولت سهیم شده‌اند در جزو اشخاصی که از انتخاب نمودن و انتخاب شدن محرومند محسوب شده‌اند.

مسئلاً تغییر عمده‌ای که در قانون انتخابات داده شده تبدیل انتخاب غیرمستقیم به انتخاب مستقیم است ولی باید دید در مملکتی که تا حال احصائیه‌ای در کار نبوده چگونه بترتیب انتخاب مستقیم می‌توانند عمل بنمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوق در نمره ۲۹۷

ترجمه قانون انتخابات مورخه ۴ نوامبر ۱۹۱۱

مطابق ۱۲ ذیقعدہ ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰]

فصل اول

تعداد نمایندگان ملت و تقسیم آنها به ایالات و ولایات

ماده اول) عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است.

ماده دوم) تقسیم نمایندگان ملت به جمعیت تخمینی هر ولایت است بموجب صورت تشخیصی که ضمیمه این قانون است.

فصل دوم

اوصاف انتخاب‌کنندگان

ماده ۳) انتخاب‌کنندگان باید متصف به اوصاف ذیل باشند:

۱) انتخاب‌کنندگان باید تبعه ایران باشند.

۲) باید اقل ۲۰ سال داشته باشند.

۳) باید اهل همان محلی باشند که در آنجا انتخاب می‌کنند یا اقل ۶ ماه قبل از انتخاب در آن محل متوطن باشند.

ماده ۴) اشخاصی که از حق انتخاب کردن محرومند:

- (۱) انائیه.
 - (۲) اشخاصی که به سن بلوغ نرسیده‌اند و کسانی که محتاج به قیم شرعی هستند.
 - (۳) اتباع خارجه.
 - (۴) اشخاصی که خروج آنها از مذهب ثابتۀ اسلام در حضور یکی از پیشوایان دین مبین مسلم و مسجل شده باشد.
 - (۵) اشخاصی که سن آنها کمتر از ۲۰ سال باشد.
 - (۶) ورشکستگان به تقصیر.
 - (۷) سائلین و اشخاصی که بوسایل بی‌شرفانه تحصیل معیشت می‌نمایند.
 - (۸) متهمین به قتل و سرقت و سایر تقصیرات که بموجب قانون شریعت اسلام مستوجب مجازات باشند.
 - (۹) مقصرین پلتیکی که به مخالفت دولت مشروطه و استقلال مملکت قیام نموده‌اند.
- ماده پنجم - اشخاصی که بواسطه شغل و مقام خود از حق انتخاب کردن محرومند:
- (۱) اشخاصی که در خدمات نظامی بری و بحری هستند بجز آنهایی که دارای مشاغل افتخاری هستند.
 - (۲) صاحب‌منصبان و مستخدمین نظمیه و ژاندارمری در حوزه مأموریت خودشان.

فصل سوم

اوصاف منتخبین

ماده ششم - منتخبین باید متصف به اوصاف ذیل باشند:

- (۱) باید قائل به دین حضرت محمد بن عبدالله (ص) باشند سوای آنهایی که نمایندۀ ملل عیسویه و زردشتیه و یهود باشند.
 - (۲) باید تبعۀ ایران باشند.
 - (۳) خط و سواد ایرانی بحد وافی داشته باشند.
 - (۴) معروفیت محلی داشته باشند.
 - (۵) سن آنها کمتر از ۳۰ و متجاوز از ۷۰ نباشد.
 - (۶) دارای اعتبار صحت عمل باشند.
- ماده هفتم - اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند:
- (۱) شاهزادگان طبقه اول (پسرها و برادران و عموهای سلطان)
 - (۲) انائیه.
 - (۳) اتباع خارجه.
 - (۴) مستخدمین در اعداد [= عداد] ژاندارم و پلیس و اعضای نظامی بری و بحری بجز صاحب‌منصبانی که دارای مشاغل افتخاری هستند.
 - (۵) حکام و قایم‌مقام و معاونین حکام در حوزه مأموریت خودشان.
- ملاحظه: سایر مستخدمین دولت قابل انتخاب هستند در صورتی که برای مدت وکالت از خدمت خود مستعفی شوند.

- (۶) ورشکستگان به تقصیر.
- (۷) متهمین به قتل و سرقت و سایر جنایات که بموجب قوانین اسلام مستوجب مجازات باشند.
- (۸) معروفین به شرك یا اشخاصی که خروج آنها از مذهب ثابتۀ اسلام در محضر یکی از پیشوایان دین مبین به ثبوت رسیده باشد.
- (۹) مقصرین پلتیکی که به مخالفت دولت مشروطه و استقلال مملکت قیام نموده اند.

فصل چهارم

تشکیل انجمن نظارت

ماده ۸ الی ۱۲) مبنی به تشکیل هیئت موقتی برای نظارت در انتخابات است در تحت حکومت محلی و چند نفر از اعضای انجمن محلی.

فصل پنجم

وضع انتخاب

ماده ۱۳) انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در تمام ایران مستقیم و به يك درجه باید باشد.

ماده ۱۴) در محل‌هایی که بموجب قانون انتخابات حق انتخاب يك نفر نماینده را دارند انتخاب باید واحد باشد و در محل‌هایی که بیش از يك نماینده باید انتخاب بنمایند انتخاب باید متعدد باشد.

توضیح: غرض از انتخاب متعدد این است که هر يك نفر انتخاب‌کننده‌ای در ورقه رأی خود اسم چندین نفر از اشخاصی را که باید در آن محل انتخاب بشوند می‌نویسد. غرض از انتخاب فردی این است که هر يك نفر انتخاب‌کننده‌ای در ورقه رأی اسم يك نفر منتخب را می‌نویسد.

ماده ۱۵) انتخاب نمایندگان باید به اکثریت نسبی باشد.

ماده ۱۶) در موارد تساوی آراء مابین دو نفر یا بیشتر اگر انتخاب يك نفر از آنها لازم باشد آن يك نفر از بین آنها به حکم قرعه معین خواهد شد.

ماده ۱۷) ایلات عمده باید بر طبق تشخیص قانون انتخابات هر ایلی يك نفر نماینده مستقیماً به مجلس شورای ملی بفرستند. سایر ایلاتی که ذکر نشده باید در حوزه خودشان رأی بدهند.

ماده ۱۸) در حوزه انتخابی که چندین محل دیگر هم باید در انتخاب شرکت داشته باشند هرگاه بعضی از آن محل‌ها در انتخاب نمودن در عرض مدتی که هیئت ناظره مرکزی معین نموده (بموجب این قانون) قصور نمودند حق انتخاب از آنها سلب است و انتخاباتی که در سایر نقاط آن حوزه صورت گرفته صحیح و پذیرفته خواهد بود.

ماده ۱۹) هیچیک از انتخاب‌کنندگان حق بیش از يك مرتبه رأی‌دادن را ندارد مگر در مواقعی که تجدید انتخابی لازم بشود.

ماده ۲۰) انتخاب‌کنندگان حتماً مجبور نیستند که از بین متوطنین در شهر خودشان انتخاب کنند.

فصل ششم

در باب اوراق رأی برای انتخاب کردن از ماده ۲۱ الی ۲۴

فصل هفتم

در باب اخذ اوراق رأی و حساب عدۀ منتخبه است از ماده ۲۵ الی ۴۳

فصل هشتم

در باب شکایات راجعه به انتخابات است از ماده ۴۴ الی ۴۸

فصل نهم

متفرقه

ماده ۴۹) همینکه نصف عدۀ نمایندگان به اضافه يك نفر وارد طهران بشوند مجلس شورای ملی مفتوح خواهد شد و رأی آنها به اکثریت نسبی مکفی و موجه خواهد بود.

ماده ۵۰) مدت انعقاد مجلس دو سال شمسی است که از روز افتتاح مجلس شورای ملی شروع می‌شود.

ماده ۵۱) مخارج ایاب و ذهاب نمایندگان از محل انتخاب الی طهران را باید دولت از قرار هر فرسنگی ۵ قران پردازد. مخارج لازمه راجع به انتخابات را باید دولت با اطلاع حکومت محلی پردازد.

ماده ۵۲) هرگاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی استعفاء بنماید یا فوت شود و بیش از سه ماه به مدت انعقاد مجلس باقی مانده باشد اهل آن محلی که او را انتخاب نموده بودند باید يك نفر نماینده دیگر بجای او انتخاب نمایند و لی اگر انتخاب‌کنندگان او تا انقضاء سه ماه از تاریخ اعلان همچو انتخابی يك نفر نماینده دیگر بجای او انتخاب ننمایند مجلس شورای ملی يك نفر نماینده بجای آن منتخب مستعفی یا متوفی انتخاب خواهد نمود.

ماده ۵۳) سه ماه قبل از انقضاء مدت انعقاد مجلس دولت باید اعلان انتخاب‌عمومی بنماید و انتخاب‌کنندگان اگر مایل باشند می‌توانند هر يك از نمایندگان سابق خود را که بخواهند انتخاب نمایند.

قانون انتخابات که مشتمل به ۵۳ ماده است به اکثریت ۵۲ رأی از مجلس گذشت

بتاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ [۲۹ مهر ۱۲۹۰؛ ۲۲ اکتبر ۱۹۱۱ میلادی]

حسین مؤتمن‌الملک رئیس مجلس شورای ملی

این قانون انتخابات مجلس شورای ملی موافق مواد ۱۷ و ۳۳ قانون اساسی به اینجانب پیشنهاد شده. در تاریخ ۱۲ ذیقعدة غروب، این قانون بتوسط وزارت داخله نزد اینجانب فرستاده شده و چون وقت برای قرائت آن نبود فوراً به وزارت داخله فرستاده شد که تأخیری در آن واقع نشده باشد.

به تاریخ ۱۲ ذیقعدة ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی].

ناصرالملك نایب السلطنه

برحسب امر والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه بموقع اجراء گذارده شد.

بتاریخ ۱۲ ذیقعدة ۱۳۲۹ [۱۱ آبان ۱۲۹۰؛ ۴ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی]

قوام السلطنه وزیر داخله

صورت ولایات انتخابیه

مرکز حوزه انتخاب	عدده نمایندگان	ایالات و ولایات توابع و مضافات	ایالات و ولایات
تبریز	۹	تبریز و مضافات	آذربایجان ۱۹ نفر
اردبیل	۲	اردبیل و مضافات	
ایبهر	۱	قرجه داغ و مضافات	
سراب	۱	سراب و مضافات	
مراغه	۲	مراغه و مضافات	
ساوجبلاغ	۱	ساوجبلاغ و مضافات	
ارومیه	۱	ارومیه و مضافات	
خوی	۲	خوی و مضافات	
استرآباد	۱	استرآباد و مضافات	استرآباد ۱ نفر
اصفهان	۳	اصفهان و مضافات	اصفهان ۵ نفر
قمشه	۱	قمشه و مضافات	
نجف آباد	۱	فریدن و مضافات	
بروجرد	۲	بروجرد و مضافات	لرستان ۴ نفر
خرم آباد	۲	خرم آباد و مضافات	
مشهد	۴	مشهد و مضافات	خراسان ۱۵ نفر
دره جز [= درگز]	۱	کلات و مضافات	
سلطان آباد	۱	ترشیز و مضافات	
سبزوار	۲	سبزوار و مضافات	
تربت	۲	تربت و مضافات	
نیشابور	۱	نیشابور و مضافات	
قوچان	۱	قوچان و مضافات	

ایالات و ولایات	ایالات و ولایات و توابع و مضافات	عدده نمایندگان	مرکز حوزه انتخاب
	بجنورد و مضافات	۱	بجنورد
	طبیس و مضافات	۱	طون
	قاینات و مضافات	۱	بیرجند
	سیستان و مضافات	۱	سیستان
خمسه	زنجان و مضافات	۳	زنجان
سمنان و دامغان	سمنان و مضافات	۱	سمنان
ساوه و زرنند	ساوه و مضافات	۱	ساوه
شاهرود	شاهرود و مضافات	۱	شاهرود
طهران	طهران و مضافات	۱۲	طهران
	غار و مضافات	۱	شاه عبدالعظیم
	خار و مضافات	۱	ایوانکیف [= ایوان کی]
	شهریار و مضافات	۱	کردان
دماوند	دماوند و مضافات	۱	دماوند
عراق	سلطان آباد و مضافات	۲	سلطان آباد
عربستان	دزفول و مضافات	۱	دزفول
	شوشتر و مضافات	۱	شوشتر
	محمیره و مضافات	۱	محمیره
	بنی طرف و مضافات	۱	بنی طرف ^۱
فارس	شیراز و مضافات	۵	شیراز
	فسا و مضافات	۱	فسا
	آباده و مضافات	۱	آباده
	بهبهان و مضافات	۱	بهبهان
	بوشهر و مضافات	۲	بوشهر
	لار و مضافات	۱	لار
	عباسی و مضافات	۱	عباسی
	چهرم و مضافات	۱	چهرم
قزوین	قزوین و مضافات	۲	قزوین
کاشان	کاشان و مضافات	۲	کاشان
کردستان	سنه و مضافات	۳	سنه ^۲
	سقز و مضافات	۱	سقز

(۱) در اصل: مبنی طرف. - م.

(۲) مقصود سنندج است که در اصطلاح محلی به آن سنه گفته می شود. - م.

مرکز حوزه انتخاب	عدده نمایندگان	ایالات و ولایات توابع و مضافات	نفر	ایالات و ولایات
کرمانشاه	۴	کرمانشاه و مضافات	۴	کرمانشاه
بیجار	۱	بیجار و مضافات	۱	گروس
کرمان	۲	کرمان و مضافات	۸	کرمان و بلوچستان
رفسنجان	۱	رفسنجان و مضافات		
سیرجان	۱	سیرجان و مضافات		
بم	۱	رائین و مضافات		
جیرفت	۱	جیرفت و مضافات		
فهرج	۱	بلوچستان و مضافات		
گلپایگان	۱	گلپایگان و مضافات	۲	گلپایگان
محلات	۱	کمره و مضافات		
رشت	۲	رشت و مضافات	۶	گیلان
انزلی	۱	انزلی و مضافات		
گرگان رود	۱	خمسه و مضافات		
فومن	۱	فومن و مضافات		
لاهیجان	۱	لاهیجان و مضافات		
ساری	۲	ساری و مضافات	۵	مازندران
بارفروش	۳	بارفروش و مضافات		
دولت آباد	۲	ملایر و مضافات	۲	ملایر
همدان	۲	همدان و مضافات	۲	همدان
یزد	۳	یزد و مضافات	۴	یزد
نائین	۱	نائین و مضافات		
	۱	بختیاری و مضافات	۵	ایلات
	۱	شاهسون و مضافات		
	۱	ترکمان و مضافات		
	۱	قشقائی و مضافات		
	۱	خمسه و مضافات		
		ارمنی‌های آذربایجان	۴	ملل متنوعه
	۱	و کلدانیان		
	۱	ارمنیان جنوب		
	۱	زردشتیان		
	۱	یهود		

بتعمین
وزارت داخله

بتعمین
وزارت داخله

نمره - ۲۹۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
 طهران به تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]
 آقا

در تعقیب شرح معروضه در ۱۲ شهر حال با کمال افتخار خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم که قبل از انقضای مدتی که دولت روس برای تمکین دولت ایران به تقاضاهای خودشان در باب ضبط اموال شعاع‌السلطنه قرار گذارده بود (یعنی ۴۸ ساعت اگرچه این مدت صراحتاً به دولت ایران نوشته نشده بود) بقیه اعضا کابینه‌ای که مرکب از رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه بود استعفاء نمودند.

لهمذا مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] مشکوک بود که در باب تعلیماتی که دولت متبوعه او در ۱۴ شهر حال به او داده بودند که روابط با کابینه را قطع بنماید چه نوع باید عمل بنماید. مشارالیه به دولت متبوعه خودش تلگراف نمود که هرگاه کابینه جدید پس از تشکیل یافتن به دو فقره تقاضاهای روس تمکین ننمودند (یعنی تقدیم ترضیه رسمی و نصب نمودن قزاق ایرانی بجای ژاندارم‌خزانه به حفاظت اموال شعاع‌السلطنه) او روابط با آن کابینه را قطع خواهد نمود. در جواب آن تلگراف به وزیرمختار مزبور دستور داده شد که روابط را فوراً قطع بنماید.

دولت روس به وزیرمختار مزبور اطلاع داده بودند که در صورت امتناع دولت ایران از قبول دو فقره تقاضاها چه اقداماتی در نظر دارند. اقدامات منظوره اعزام قشون روس به قزوین بود که يك دسته از آن را وزیرمختار مزبور به طهران احضار بنماید که ژاندارم خزانه را از منزل شعاع‌السلطنه خارج بنماید و مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] تصویب نموده بود که برای حصول این مقصود ۴۰۰۰ نفر قشون فرستاده میشود.

در این موقع به مسیو پکلوسکی اطلاع داده بودند که به حکومت قفقاز امر شده این عده قشون را اعزام بدارد. در ۱۸ نوامبر وزیرمختار روس تعلیمات دولت متبوعه خود را بموقع اجراء گذارده و مترجم اول خود را به وزارت امور خارجه فرستاد که اظهار بدارد روابط او با دولت ایران مقطوع است و برای مذاکرات در باب امور جاریه با اجزاء او مکاتبه بنمایند. باضافه اظهار بدارد که قشون روس هم اعزام شده.

وثوق‌الدوله که با وجود مستعفی بودن هنوز امور وزارتخانه خود را اداره می‌نمود فوراً رئیس کابینه خود معین‌الوزاره را نزد من فرستاده و از من خواهش نمود که درخواست دولت ایران را به جنابعالی تبلیغ بنمایم که در سن پترزبورغ وساطت بنمایید که اعزام قشون روس معوق بشود.

معین‌الوزاره اظهار داشت که کابینه در شرف تشکیل یافتن است و بسه من اطمینان داد که هیئت وزرای جدید استرضای دولت روس را در خصوص دو فقره تقاضا بعمل خواهند آورد.

در ۲۰ مجدداً معین‌الوزاره من را ملاقات نموده و اظهار داشت اگر به دولت ایران اطمینان داده بشود که پس از قبول دو فقره تقاضاها قشون روس عودت داده خواهد شد و قشون مزبور اسباب پیشنهاد مواد دیگری نخواهد شد بمحض تشکیل کابینه وزیر امور خارجه تقدیم ترضیه رسمی به سفارت روس خواهد نمود و ژاندارم خزانه هم از اموال شعاع‌السلطنه برداشته و قزاق ایرانی بجای آنها منصوب خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌شود در همان روز يك همچو مذاکره‌ای هم بتوسط وزیرمختار ایران مقیم لندن با شما شده بوده که از جانب دولت ایران درخواست نصیحت دولت انگلیس را نموده.

به وصول تعلیمات مندرجه در تلگراف ۲۰ نوامبر شما من، هم شفاهاً و هم بوسیله یادداشت به دولت ایران اطلاع دادم که عقیده دولت انگلیس بر این است که اگر دولت ایران دو فقره تقاضاهای روس را قبول بنمایند قشون روس عودت داده خواهد شد و نیز اظهار داشتیم صلاح دولت ایران بر این است که بدون دفع وقت به تقاضاهای روس تمکین بنمایند. این اطلاع را من در صبح ۲۱ دادم و غروب همان روز وثوق‌الدوله به من خبر داد که بالاخره صمصام‌السلطنه کابینه خود را تشکیل داده و فردا معرفی خواهند شد. به معین‌الوزاره که راوی این پیغام بود دستورالعمل داده شده بود که از من خواهش بنماید تشکرات وزیر امور خارجه را در ایضای [ازاء؟] حسن مساعدت و نصیحت شما تبلیغ بنمایم. و نیز به او امر شده بود به من اطلاع بدهد که اعضای کابینه جدید و بعضی از وکلای نامی در موضوع یادداشت من مشاوره نموده و نتیجه این شده که رأی قطعی داده‌اند فردا پس از معرفی شدن کابینه به مجلس به دو فقره تقاضاهای روس تمکین بشود.

در ۲۲ نوامبر کابینه به يك نحو ناقصی به مجلس معرفی شد و در همان روز غروب معین‌الوزاره نزد من آمده اظهار داشت وثوق‌الدوله که مقام خود را مجدداً قبول نموده بواسطه کسالت مزاج نتوانسته در مجلس حاضر بشود ولی امیدوار است تا روز بعد بحدی اعاده صحت مزاج او بشود که بتواند تقدیم ترضیه رسمی بنماید و به هر زودی که ممکن بشود ژاندارم خزانه برداشته شده و قزاق ایرانی به جای آنها منصوب خواهد شد.

در ۲۴ معین‌الوزاره شرحی به من نوشته و استفسار نموده بود چه وقت وزیرمختار روس حاضر خواهد بود که وثوق‌الدوله او را ملاقات نموده و تقدیم ترضیه بنماید و اشعار داشته بود که قزاق ایرانی به محافظت اموال شعاع‌السلطنه بجای ژاندارم خزانه برقرار شده.

بعد از ظهر وقت برای وثوق‌الدوله معین شد و در ساعت دو و نیم او با لباس رسمی نزد وزیرمختار روس رفته و تقدیم ترضیه مطلوبه را نمود. در همین ساعت قزاق ایرانی در منزل شهری شعاع‌السلطنه بجای ژاندارم خزانه نصب شده بود و عده قزاقی هم معین و اعزام شده بود که املاک خارج شهر را تصرف بنمایند.

وزیرمختار روس پس از استماع ترضیه از وزیر امور خارجه اظهار داشته بود که به او اجازه داده شده که روابط با کابینه را مجدداً برقرار بنماید ولی نظر به تأخیری که در تمکین نمودن دولت ایران به دو فقره تقاضاهای دولت متبوعه او ظاهر شده و بلحاظ ورود مقداری از قشون روس به خاک ایران او گمان نمی‌کند که دولت متبوعه او کاملاً از این موافقت دولت ایران اقناع بشود.

محتمل است دولت روس تقاضاهای دیگری پیشنهاد بنماید و نظر به اینکه از زمان پیشنهاد تقاضاهای اصلی از مستر شوستر اعمال مفرضانه بیشتر ناشی شده که از آن جمله در ایران منتشر نمودن ترجمه شرحی است که او در این اواخر به روزنامه نوشته است در پیشنهاد تقاضاهای مضاعف احتمال کلی می‌رود.

سواد مراسله‌ای را که در ۲۳ شهر حال من به وزیر امور خارجه نوشته‌ام و سواد جوابی را که آنجناب نگاشته لفاً ارسال می‌دارم بانضمام سواد شرح الحاقی که نوشته‌ام.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفه در نمرة ۲۹۸

سواد مراسله سر جارج بارکلی به معین‌الوزاره

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرة ذیحجه ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

دوست عزیزم معین‌الوزاره

هر يك دقيقه تأخير باعث کمتر شدن احتمال عودت قشون روس است. بنابراین من کمال تعجب را دارم که تا حال قزاق ایرانی بجای ژاندارم منصوب نشده. نقات و ثوق‌الدوله باعث تأسف بسیار است. من میل داشتم او توانسته باشد دیروز تقدیم ترضیه نموده باشد.

جارج بارکلی

ملفوفه در نمرة ۲۹۸

مراسله معین‌الوزاره به سر جارج بارکلی

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غرة ذیحجه ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

وزیرمختار عزیزم

من در جواب مرقومه امروز صبح جنابعالی عجله نموده و خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که از طرف ما هیچ نوع دفع‌وقتی در قبول نمودن تقاضاهای روس بر طبق نصایح دولت انگلیس نشده و این تمکین مشروط به اطمینان کلی در باب عودت قشون روس است. اصل اموال و مسکن شخصی شعاع‌السلطنه امروز غروب از تصرف ژاندارم خارج و تحویل قزاق ایرانی خواهد شد.

و ثوق‌الدوله هنوز منتظر خبر از طرف جنابعالی است که چه وقت او باید برای اجرای ماده دوم تقاضا حاضر بشود. با کمال شغف اطلاع می‌دهم که امروز حالت

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بهتر است.

حسین‌خان

ملفوفی در نمره ۲۹۸

مراسله سر جارج بارکلی به معین‌الوزاره

طهران ۲۳ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق غره ذیحجه ۱۳۲۹ [۳۰ آبان ۱۲۹۰]

دوست عزیزم معین‌الوزاره

در جواب مراسله شما که الان رسیده باید خاطر شما را مستحضر بدارم که هیچ وعده صریحی در باب عودت قشون روس پس از قبول تقاضاها نشده.

البته بخاطر دارید عبارتی که من در این باب نوشته بودم این بود: «عقیده دولت انگلیس بر این است» که در واقع ظهر روز سه‌شنبه وضع همین‌طور هم بود و این عبارت من بیان واقع آن روز بود.

همین‌قدر که کرنل وادبلسکی [= کلنل وادبولسکی] به وزیرمختار روس خبر بدهد قزاق‌ایرانی بجای ژاندارم نصب شده وزیرمختار معظم در پذیرفتن وزیر امور خارجه برای تقدیم ترضیه حاضر خواهد بود.

جارج بارکلی

نمره - ۲۹۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)

طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲ آذر ۱۲۹۰]

آقا

در تعقیب مشروحه مورخه ۲۸ شهر ماضی خودم با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم جنگی که در حوالی بندرجز [گز] واقع شده و در همان مکتوب ۲۸ اطلاع داده بودم ظاهراً بیش از آنچه بدایتاً معروف بود اهمیت داشته و قشون دولتی را که مرکب از ۶۰۰ نفر بوده‌اند شعاع‌السلطنه برادر شاه مخلوع با ۷۰۰ نفر ترکمانی که داشته یکی شکست داده‌اند. من خبر جدید دیگری که محل وثوق باشد ندارم ولی ظاهراً تمام ناحیه استرآباد مجدداً به تصرف شاه مخلوع درآمده.

وضع تبریز تقریباً رو به بهبودی است. از قرار معلوم شجاع‌الدوله برای اینکه رعایا بتوانند محصول خود را بفروشند و به این وسیله بر ممر عایدات او افزوده بشود اغلب طرق ورود آذوقه به شهر را مفتوح داشته یک عده از اهل شهر در یکی دو هفته قبل به سمت نمایندگی در باسمنج او را ملاقات نموده و عنوان صلح نمودند ولی نتیجه‌ای از این عمل حاصل نشده و او هنوز با یک استعدادی که قریب ۱۵۰۰ نفر می‌شوند شهر را تهدید می‌نماید. یک دفعه مذاکره این شد که از طهران قشونی برای دفع او اعزام بشود ولی این نقشه تا حال صورت وقوع حاصل ننموده.

سالارالدوله را بختیاریها در تحت فرماندهی سردار بهادر تا لرستان تعاقب نمودند و بموجب اطلاعاتی که از دولت کسب شده تقریباً در ۱۶ نوامبر يك نوبت دیگر قشون بختیاری در تحت فرماندهی سردار بهادر در حوالی بروجرد سالارالدوله را مغلوب نموده‌اند. در این جنگ سالارالدوله تقریباً دو هزار سوار داشته و از قرار مذکور ۵۰۰ نفر از آنها مقتول و مجروح شده‌اند. حالیه معلوم نیست سالارالدوله در کجا هست.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۰۰

مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
طهران ۲۷ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۵ ذیحجه ۱۳۲۹ [۴ آذر ۱۲۹۰]
آقا

در مشروحه مورخه ۳۱ اکتبر خودم اظهار داشته بودم که محتمل است اضافه شدن عده مستحفظین قنسولگریهای ما اثر معنوی بنماید و تخفیفی در اغتشاش طرق جنوب حاصل بشود.

تا حال در جاده شیراز به بوشهر ظاهراً همین اثر را نموده چون بجز يك فقره سرقتی که به تاریخ ۴ نوامبر در حوالی کسارون بتوسط قشقاییمها از يك قافله مختصری که حامل محصولات محلی و آلات تلگرافی بوده شده و يك فقره تهاجم به قافله حامل دو نفر ژاپونی دیگر از زمان حرکت دو دسته قشون انگلیس در دوم شهر جاری از بوشهر، هیچ راپرت سرقتی به من نرسیده و تلگرافی که امروز از قنسول انگلیس مقیم شیراز رسیده مبنی بر این است که قوافل معمولی آزادانه در حرکتند اگرچه در صورتی که بانک شاهنشاهی شیراز نهایت احتیاج را به پول نقد دارد حکومت محلی اذعان دارد که نمی‌تواند مستحفظ برای همراهی قوافل حامل پول تهیه بنماید.

نظر به راپورت ویس قنسول چیک که قشون انگلیس را تا کازرون مشایعت نموده بود لازم دانسته شده که سپاهیان مأمور سابق اصفهان در مراجعت از اصفهان به هندوستان از کازرون به بوشهر به تنهایی مسافرت ننمایند. قنسول چیک در مراجعت از کازرون به بوشهر در باب اثراتی که عبور قشون انگلیس در اذهان رؤسای ایلات آن نواحی نموده نظریات عمیقه کرده است. قنسول مزبور اظهار می‌دارد که رؤسای ایلات خیلی اظهار کراهت می‌کردند که راهداری یا باج راه نامشروعی در جاده دایر شده چون یکی از مستحفظین بی‌احتیاط در عرض راه برای تهدید يك مکاری که متعلق به قشون انگلیس بوده يك تیر خالی نموده بود و برای این عمل تفنگ او و اسلحه سایر تفنگچیان را گرفته و ضبط نموده‌اند.

این واقعه و اخبارات بی‌اساسی که در جراید محلی طبع می‌شود مشعر بر اینکه

دولت انگلیس خیال دارد در آتیه قشون خود را برای همراهی با قوافل به کار ببرد
 ظاهراً رؤسای ایلات مزبور را خیلی متغیر و نگران نموده.
 در باب راه شیراز به اصفهان هیچ آثار بهبودی ظاهر نبوده که بتوان راپورت
 آن را داد. جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان در ۱۱ نوامبر خبر می دهد که در راه
 اصفهان به شیراز بهیچ وجه قوافل تردد ننموده اند و در ۱۸ نوامبر هم همین قسم خبر
 می دهد. يك قافله ای که عازم قمشه بوده در حوالی گردنه ارچینی با حملات سارقین
 کمپلوئی [= کمپیلویه ای] مصادف شده. در ۸ نوامبر تجار اصفهان تلگرافی به
 وزیر داخله مبنی بر شکایت از ناامنی کلیه راهها مخابره نموده اند. راه بختیاری
 هنوز به ترتیب غیرمرضی سابق باقی است ولی برودت فوق العاده هوا و تکسیر سارقین
 ظاهر گردیده. مقدار کثیر مال التجاره که سابقاً اطلاع داده شده بود در راه مانده حالا
 وارد شده. قافله ای مرکب از ۱۵۰ شتر که متعلق به کمپانی لینچ بوده در مالامیر
 در عرض این ماه با حملات سارقین مصادف شده و در ۸ شهر جاری در حوالی گردنه
 (گاوپیشه) دو لنگه لوازمات شخصی دو نفر سوار هندی که به عزم قنسولگری اصفهان
 می آمدند بسرقت رفته که قیمت آن را به محض وصول صورت جزئیات آن از دولت
 ایران مطالبه خواهم نمود.

جارج بارکلی

نمره - ۳۰۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ دسامبر)
 طهران ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۶ ذیحجه ۱۳۲۹ [۵ آذر ۱۲۹۰]
 آقا

در چند هفته ماضی بحران کابینه ممتد بوده و صمصام السلطنه هنوز از نیل به
 مرام خود در موضوع مسئله ای که همیشه نایب السلطنه مبالغه کثیره در آن داشته
 محروم است - به این معنی که نایب السلطنه جدیدی داشته که کابینه مقتدر باید
 متکی به اکثریت مستدام مجلس باشد و هنوز همچو مقصودی را صمصام السلطنه
 نتوانسته حاصل بنماید.

چنانچه در تلگراف ۱۴ شهر جاری خودم اطلاع داده ام باقی ماندن اعضای کابینه
 که فقط مرکب بود از رئیس الوزراء و وزیر امور خارجه، در ۱۳ شهر جاری مستعفی
 شدند. در عرض هفته های ماضی صمصام السلطنه برای پر نمودن مقامهای خالی در
 کابینه مجاهدات بیموده نمود ولی نتوانست مجلس را متقاعد بنماید که داوطلبان
 او را به وزارت قبول بنمایند. مقامی که بیشتر از همه حاوی مشکلات بوده وزارت
 داخله است که مجلس اصرار داشت مقام مزبور باید مجدداً به قوام السلطنه تفویض
 شود در صورتی که معزیه الیه بواسطه مناقشه با رئیس الوزراء مستعفی شده بود.
 قوام السلطنه یکی از پیشقدمان دموکرات است و بدین جهت در این موقع که انتخابات

جدید در نظر است صمصام السلطنه در تفویض نمودن وزارت داخله به او بیشتر از هر وقت مخالفت دارد.

بعقیده من اشکالات تشکیل دادن کابینه پیش از التیماتوم روس صمصام السلطنه را دلالت به استعفاء نموده.

تقریباً ۱۰ روز ابدأ کابینه‌ای وجود نداشت تا بالاخره هیئت وزرایی را که صمصام السلطنه در ۲۲ شهر حال به مجلس معرفی نمود مرکب از ۴ وزیر بود. به این ترتیب ناقص برای این معرفی شدند که در قبول دو فقره مواد التیماتوم روس در موضوع اموال شعاع السلطنه پیش از این تأخیر نشود.

تا حال مقامهای خالی کابینه پر نشده و مجلس هنوز به خودرایی در رد نمودن نامزدگان صمصام السلطنه باقی است.

اکثریت حزب اعتدالیون مصنوعی مجلس معدوم شده و حزب دمکرات بنا فرقه بی طرفه که تا حال مابین دو حزب معوق الحال بوده متفق شده‌اند و ظاهراً اکثریت مجلس را حالا دارا هستند.

نمره - ۳۰۲

مراسله سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۸ ذی‌حجه ۱۳۲۹ [۷ آذر ۱۲۹۰]

آقا

با کمال افتخار لفاً صورت وقایع ماهیانه معمولی را که راجع به حوادث ۴ ماهه ماضی ایران است ارسال می‌دارم.

امضاء چارج بارکلی

ملقوفه در نمره ۳۰۲

صورت وقایع ایران در عرض ماه نوامبر

طهران

کابینه - پس از بحرانهای متواتره و مخالفت‌های کثیره از طرف يك حزب مجلس برای داخل شدن محتشم السلطنه در جزو کابینه، عاقبت در ۲۹ نوامبر کابینه از قرار ذیل تکمیل گردید:

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله	صمصام السلطنه
وزیر امور خارجه	وثوق الدوله
وزیر جنگ	سردار محتشم
وزیر مالیه	ذکاء الملك
وزیر معارف	مشیرالدوله
وزیر پست و تلگراف	معاضد السلطنه

محتشم السلطنه

وزیر عدلیه

مجلس - در ۳۱ اکتبر حکم قطع وظایف و مستمری اشخاصی که بعد از عفو عمومی منته ۱۹۰۹ به مخالفت دولت قیام نموده‌اند از مجلس گذشت و در ۹ نوامبر حکم دیگری برای قطع مستمری مرتجعین معروف که معادل مبلغ ۱۸۷۸۵ تومان بود و تکسیر مبلغ بعضی از مستمریات دیگر از مجلس گذشت. در ۲ نوامبر اجازه کنترات ده نفر مستخدمین امریکی دیگر برای وزارت مالیه و اعتبار ۲۴۹۰۰ دلار به جهت مواجب آنها تصویب شد.

در يك جلسه مکتوب مهمی که نایب‌السلطنه به مجلس نوشته بود قرائت شد و در آن مکتوب والا حضرت اقدس مجلس را تخویف نموده بود که اگر بعضی شرایط منظوره را بموقع اجراء نگذارند استعفاء خواهد داد. لفاً ترجمه این دستخط را ارسال می‌دارم. در همان جلسه تلگرافات از تبریز و رشت و مشهد و بعضی ولایات دیگر مبنی به امتداد دوره مجلس قرائت شد و پس از مذاکرات بسیار در ۱۲ و ۱۳ نوامبر در جلسه ۱۳ به اکثریت ۴۶ رأی در مقابل ۶۹ رأی تصویب شد که دوره انعقاد مجلس ممتد بشود تا پیش از نصف نمایندگان جدید در طهران حاضر بشوند. دوره انعقاد دوساله مجلس در ۱۴ نوامبر منقضی شد.

هیئتی از مجلس انتخاب شد که با نایب‌السلطنه در باب خیال استعفای ایشان مذاکره بنمایند و پس از مذاکرات راپورتی به مجلس پیشنهاد نمودند که علناً قرائت نشد. هیئت مزبور اظهار داشتند که بواسطه کسالت مزاج نایب‌السلطنه بعد از تشکیل کابینه باید در تحت مرخصی برای مدت قلیلی به اروپا بروند.

در ۲۲ نوامبر صمصام‌السلطنه بوسیله مراسله‌ای سه نفر وزیر دیگر برای کابینه که یکی از آنها وثوق‌الدوله به وزارت امور خارجه بوده معرفی نمود و در ۲۹ نوامبر پس از مشاجره و مذاکره متشددی عده کابینه مطابق تفصیل سابق‌الذکر تکمیل شد که ۴۱ نفر از وکلاء در قبول آن رأی دادند و ۱۸ نفر در رد آن رأی دادند.

التیماتوم روس - التیماتوم روس در باب اموال شعاع‌السلطنه بدایتاً در ۱۱ نوامبر به دولت ایران پیشنهاد شد. در ۲۳ نوامبر ژاندارم خزانه از مایملک مزبور مطرود شد و روز بعد وزیر امور خارجه تقدیم ترضیه رسمی به وزیرمختار روس نمود. در ۲۹ نوامبر وزیرمختار روس التیماتوم ثانوی در باب انفصال مستر شوستر در عرض ۴۸ ساعت را پیشنهاد نمود.

متفرقه - در ۲۸ اکتبر سردار جنگ از همدان و امیر مفخم از سلطان‌آباد وارد طهران شدند.

در ۳ نوامبر مستر شوستر ژاندارم خزانه به منزل علاءالدوله فرستاد که مالیات دریافت نمایند و علاءالدوله فوراً به رئیس‌الوزراء شکایت شود. امیر مجاهد و سردار جنگ به اتفاق علاءالدوله به منزل او آمده و ژاندارم خزانه را خلع‌سلاح نمودند. عاقبت رئیس‌الوزراء از مستر شوستر ترضیه خواست و مسئله خاتمه پذیرفت.

در ۴ نوامبر فرمانفرما به سمت حکمرانی تبریز از طهران حرکت نمود. چند روز

بعد از توزیع لایحه مستر شوستر به جریده قایمز در لندن به تاریخ ۱۲ نوامبر ترجمه همان لایحه بعد وفور در طهران منتشر شد.
نرخ ارزاق در ترقی است و نان خیلی گران است.

دستخط والاحضرت اقدس نایب السلطنه به رئیس مجلس

۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۲۹ [۱۸ آبان ۱۲۹۰]

یادداشتی در جوف ارسال داشته و خواهشمندم آن را به مجلس پیشنهاد نموده که با توجه کامل نمایندگان قرائت شود.

چون شما بخوبی از اوضاع حاضره مستحضرید یقین دارم به حقانیت من در پیشنهاد همچو یادداشتی تصدیق خواهید نمود و خواهش من را در باب تصریح این مسئله به آقایان نمایندگان قبول خواهید نمود. من امیدوارم که این یادداشت منتج به اثرات مطلوبه بگردد.

مقام مقدس مجلس شورای ملی

چون نمایندگان کاملاً از ترتیب اوضاع حاضره مستحضرتند تصریحات در این موضوع زیادی است. چیزی را که لازم است فقط اظهار بنمایم و همه آقایان کاملاً مسبوق هستند در عرض يك مدتی کابینه ناقص بلکه مشرف به منحل شدن بوده. اگرچه خدماتی را که حضرت اشرف آقای صمصام السلطنه رئیس الوزراء بمنصه ظهور و بروز رسانیده اند بر دولت و ملت بخوبی مشهود است که از بحرانیهای متواتره کابینه و لزوم مساعدت بعدی دچار زحمات شدند که بالاخره رأی ایشان به مستعفی شدن تعلق گرفت و من جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] را از این عمل ممانعت نمودم، ولی واضح است که بدون تکمیل و تشکیل کابینه و بدون وجود مساعدت لازمه جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] هم نمی‌تواند مقاصد عالیه خود را بموقع اجراء بگذارد.

چون انتخابات جدید در کار است و در سنه آتیه زحماتی در پیش است مسلم است که اگر فوراً يك کابینه‌ای که متکی به تقویت لازمه مجلس باشد تشکیل نشود و پروگرام صحیحی برای نظم مملکت بموقع اجراء گذارده نشود و جلوگیری از سختیهای محتمله در این بهار نشود (که خود مدخلیت تامه در پیشرفت انتخابات دارد) و اگر مجلس اقداماتی را که برای استقرار نظم در نظر است تصویب ننماید با این بحران حاضره بکلی مشکل است بتوان تصور نمود که هیچ‌نوع اقدامی برای جلوگیری از انقلابات آتیه بشود نمود.

نظر به این مراتب من باید فقط اهمیت موقع را خاطر نشان نموده و امیدوار باشم که مجلس تقویت کامل با رئیس‌الوزراء خواهند نمود که کابینه خود را تشکیل داده و پروگرام خودشان را ترتیب بدهند.

بعلاوه لازم است اظهار بدارم که چنانچه در تلگراف خودم از اروپ شرح داده‌ام تقویت همه به يك نایب‌السلطنه مملکت مشروطه لازم است و اختلافات فرق باعث تخریب و بحران خواهد شد و با اینکه ملاحظه می‌شود با وضع حاضره نظم و سکون نهایت لزوم را دارد اینطور مناقشات یکلی با منافع مملکت متضاد است.

زمانی که من در مجلس در باب بعضی تشکیلات قانونی مذاکره نمودم اظهار داشتم که اگر بدبختانه اختلافات باعث شدت انقلاب اوضاع بشود مناظره و تحمل این طور اوضاع نامساعد بر من ناگوار است.

ولی چون از سه ماه قبل به این طرف علائم اختلاف و حتی سوء نسبت به مقام نیابت سلطنت که مقام مقدسی است بمنصه ظهور رسید (چنانچه بر همه نمایندگان معلوم است) من در همان اوقات خیال استعفاء از نیابت سلطنت را داشتم. لیکن چون زحمات خیلی مهم پیش آمد من تأمل نموده و در اجرای مقصود خود اقدام ننمودم که مبدا همچو تصور شود که من در مسئولیت خودم بی‌قیدم. ولی برای اینکه این امر واقع نشود بدون اینکه تهیه مقدماتی شده باشد در عرض چندروزه ماضی من اقدام به این امر نمودم و از نمایندگان خواهش نمودم با هیئت دولت مشاوره نموده و هر اقدامی را لازم می‌دانند بنمایند.

لہذا خاطر نمایندگان محترم را مستحضر می‌دارم که اگر در این مسئله اقدامات مجدانه بعمل نیاید من مجبور خواهم بود خیال خود را بدون هیچ نوع اخطار دیگری بموقع اجراء بگذارم و مطلب را علنی بکنم. زمانی که در مجلس در بساب تشکیلات قانونی مذاکره نمودم اظهار داشتم که هیچ شخص باوجدانی نمی‌تواند من را برای این مسئله مسئول قرار بدهد و برای برطرف کردن این اختلاف من پیش از آنچه در قوه بشر است مجاهده نمودم ولی متأسفانه تمام مجاهدات من بی‌نتیجه شد. به عقیده من نمایندگان مسئول ملت هستند و بر عهده آنها فرض است که هموم عالیہ خود را مصروف اجرای این امور مهمه بدارند و تا برای مرتفع داشتن این اشکالات نتیجه مطلوبه حاصل نشود نباید مسئولیت را از عهده خود ساقط بدانند.

در خاتمه مجدداً در باریکی موقع تأکید می‌نمایم و لزوم بموقع اجراء گذاردن مقاصد فوق را و سوء نتیجه‌ای را که از قصور در این باب حاصل خواهد شد تکرار می‌نمایم و از ساقط بودن مسئولیت از عهده خودم خاطر آقایان را مستحضر می‌دارم و چون من به تکلیف خود عمل نموده و جلب توجه شما را بمراتب فوق نموده‌ام به وظایف وجدانی خود رفتار نموده و من بعد ببری‌الذمه هستم.

تبریز

در اوضاع تبریز بهبودی حاصل نشده. شجاع‌الدوله با دو هزار جمعیت هنوز به محاصره شهر مداومت دارد. مجاری امور در شهر خیلی سخت است و بسیاری از سکنه قراء حوالی در مسکن بیلاقی قنسول‌جنرال روس متحصن شده و از تعدیات و صدماتی که به آنها وارد می‌شود شکایت دارند. اهل شهر هم با شجاع‌الدوله اصلاح

نمودند و بدون مداخله و مساعدت دولت ایران قدرت استخلاص از این زحمت را هم که دچار هستند ندارند. ظاهراً یگانه وسیله اطمینان داشتن به استقرار نظم، حضور قشون روس است. در تعداد قزاق روس بواسطه منقضی شدن مدت خدمت اغلبي از افراد آنها نقصان حاصل شده و فوج جدیدی بجای این دسته که حالیه در آنجا هستند اعزام خواهد شد.

گیلان و مازندران

وکیل قنسولگری انگلیس (آژانس) از استرآباد خبر می‌دهد که محمدعلی هنوز در خواجه نفس است؛ و نیز اطلاع می‌دهد که ترکمانها در ۱۱ نوامبر به شهر هجوم آورده ۴۷ نفر را مقتول و ۳۵ نفر را اسیر نمودند و بواسطه حضور آنها در حوالی استرآباد عده کثیری از اهالی در قنسولگری روس تحصن اختیار می‌نمایند. ۲۰۰ نفر قزاق و دو عراده توپ مسلسل به استعداد قنسولگری روس در استرآباد اضافه خواهد شد که حفظ جان و مال اتباع روس را بنمایند. عده قشون روس که تا ۲۷ نوامبر وارد رشت شده‌اند از قرار ذیل است: ۳۰۰ نفر قزاق، ۱۷۲۰ نفر سرباز و توپچی جملتان ۲۰۲۰ نفر بانضمام ۸ عراده توپ و ۶ دستگاه توپ مسلسل.

مشهد

رکن‌الدوله فرمانفرمای جدید خراسان هنوز وارد نشده. نیرالدوله هنوز مشغول جد و جهد است که هیئت دولت را متقاعد بنماید که مجدداً نیشابور را از ایالت خراسان مجزی بنمایند. وضع خود مشهد مغشوش نیست ولی طرق حوالی آن پر از سارقین است.

اصفهان

نگرانی اهل شهر بواسطه گرانی ارزاق در تزايد است. اطراف اصفهان بواسطه حضور غارتگران بختیاری و کمپلوتی [= کمپلویه‌ای] به اعلی درجه ناامنی باقی است. این وضع ناهنجار بشدت مناسب نبودن سردار اشجع برای حکومت اصفهان می‌افزاید. تجار عمده‌ای که برای ناامنی طرق به طهران شکایت نموده‌اند شاید مداخله قشون خارجه را برای قراسورانی طرق استقبال بنمایند. تعیین مستر هیكاك تبعه انگلیس به پیشکاری خزانه‌داری کل در اصفهان باعث استرضای اعیان آنجا شده. مجاهدات حکومت و پیشکار مالی سابق و علماء در برانگیختن مخالفین بر علیه مستر هیكاك ثمری نبخشیده. در آنجا شروع به تشکیل ژاندارم خزانه شده و تا ۱۱ نوامبر ۲۹ نفر ژاندارم گرفته شده بوده. يك دسته سوار هندی در ۲۷ نوامبر از آپاده به طرف اصفهان حرکت کردند.

یزد

امیر اعظم والی کرمان برای اعاده نظم و سیاست کافیه مشترکین در اغتشاش جدید آن ولایت قاصر است.

اهالی تفت و سایر غارتگران در آنجا اغتشاش نموده و سلب امنیت از طرق می نمایند. چندین دفعه سیم تلگراف را مقطوع و مخروب نموده اند. زردشتیان که با خسارات و مشکلات بسیار دچار هستند ظاهراً آرزومند مداخلات خارجه هستند.

شیراز

علاءالدوله فرمانفرمای فارس هنوز از طهران حرکت ننموده.

در ۲۹ اکتبر قافله‌ای که از اصفهان به شیراز می رفت در حوالی خانه خره [= خان خوره] با حملات سارقین مصادف شده و تمام اسباب خانم رس که به اتفاق آن قافله مسافرت می نمود سرقت شده و به خود او هم صدمه وارد آمده. خانم مزبور خود را به آبادی رسانیده پس از مسافرت اختیار نمودن از آباده مجدداً يك نوبت دیگر با سارقین مصادف شده و مجبور به رجعت به آباده گردیده.

در ۲۳ نوامبر دو دسته از سواران به آباده رسیدند. يك دسته از آنجا عازم اصفهان خواهند شد و يك دسته به اتفاق خانم رس معاودت به شیراز خواهند نمود و در ۲۸ شهر حال حرکت می نمایند.

در شب ۲۴ و ۲۵ نوامبر يك دسته سارق به باغی که مجاور قنسولگری است حمله نمودند و مدتی رد و بدل گلوله شد.

دو دسته سوار هندی در ۱۲ و ۱۳ نوامبر وار د شیراز شدند. در جاده‌ای که آنها عبور نموده بودند هیچ واقعه قابل الذکری روی نداده.

سرقتهای بسیار راپورت داده شده ولی بر روی هم وضع اغتشاش شیراز و حوالی آن در تنزل است.

سیستان

وضع طرق سیستان و قاتینات [= قاینات] آرام است ولی قوافل نمی توانند بدون مستحفظ کافی تردد بنمایند.

کرمان

وضع ایالت کرمان بهمان قسمی که در صورت واقعات ماه قبل راپورت داده ام باقی است. عده راهزنان بلوچی در تزاید است خصوصاً در حوالی بم. يك رفعت نظام نامی است که نفوذ کامل در بلوچها دارد و مشغول افساد مابین کارگران و اداره تلگراف انگلیس است.

کرمانشاه

قنصل انگلیس از کرمانشاه خبر می‌دهد که وضع آنجا بدتر از سابق است و سرفتها بعدی کثرت دارد که مشارالیه روی انبارهای مالالتجاره انگلیسی بیدق انگلیس را نصب نموده.

لرستان

اخبارات رسمی دولت ایران مشعر بر این است که در ۱۵ نوامبر قشون بختیاری در تحت فرماندهی سردار بهادر سالارالدوله را در حوالی بروجرد مغلوب نموده‌اند. بموجب راپرت واصله از طرف سالارالدوله ۵۰۰ نفر مقتول و مجروح شده و از طرف بختیاریها تقریباً ۵۰ نفر.

بوشهر

تنگستان مرکز عمده اغتشاش است و مجادلات متواتره بین سرکردگان محلی واقع می‌شود.

اهواز

خطوط تلگرافی در عرض ماه گذشته خیلی مفشوش بوده و اسباب زحمت و خسارت فوق‌العاده تجارتخانه‌های انگلیس در اهواز و محمره شده. خطوط مزبور تعمیر کلی لازم دارد.

در هفته اول ماه اکتبر يك قافله از اهواز به اصفهان حرکت نموده و از آن تاریخ به بعد جاده بکلی مسدود شده چون مستحفظین بختیاری از ترس وبا فرار کرده‌اند. هیچ احتمال تکسیر مقدار اجناسی که در اهواز موجود است ظاهر نیست و کمپانی لینچ و اخوان درصدد ترتیبات برای انبار کردن اجناس در عرض زمستان هستند.

بندرعباس

در عرض هفته اول اکتبر ۵ قافله بزرگ برای کرمان و لار حرکت کردند. سایر طرق تجارتي از سارقین مملو است و هیچ‌نوع اقدام مجدانه‌ای، از طرف حکومت محلی در دفع آنها به عمل نیامده.

نمره - ۳۰۳

تلگراف مر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۵ آذر ۱۲۹۰]

رئیس بانک روس در همدان که قنصل روس هم هست اطلاع می‌دهد که جان و مال

اتباع روس در خطر است. علی‌هذا وزیرمختار روس ۱۰۰ نفر قزاق از قزوین به همدان فرستاده.

نمره - ۳۰۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانان] به سر ادوارد گری
سن پترزبورغ ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶* ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۵ آذر ۱۲۹۰]
(تلگراف ۱۸ حاوی شرح مختصر مکتوب ذیل
مورخه ۱۹ دسامبر است)

آقا

در ۱۷ شهر حال با کمال افتخار تلگراف مورخه روز قبل از تاریخ مزبور شما را زیارت نمودم و از اینکه وزیرمختار ایران يك نوبت دیگر در باب التیماتوم روس به شما مراجعه نموده و جوابی که شما به مشارالیه داده‌اید مستحضر شدم. مفاد تلگراف مزبور را بوسیله مراسله مخصوصی به وزیر امور خارجه روس تبلیغ نمودم.

چون دیروز من بواسطه کسالت مزاج نمی‌توانستم از منزل خارج بشوم در موقعی که برای ملاقات معین شده بود مستر ابیرن [= اوپرن] بجای من نزد مسیو سازانوف رفت و سؤال نموده بود که بالاخره دولت روس در موضوع ماده دوم التیماتوم رأی خود را به چه قرار داده‌اند؟

مسیو سازانوف جواب داده بود که رأی دولت روس بر این تعلق گرفته که عبارتی را که دولت ایران پیشنهاد نموده‌اند با جرح و تعدیلی که من در ضمن مذاکره خودم با جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در ۱۴ شهر حال طرح نموده‌ام قبول بنمایند به این معنی که قسمت اخیر عبارت مزبور را دولت ایران به این قسم قرار بدهند (داخل تبادل نظریات خواهند شد بقصد اینکه ترتیب قراری بدهند یا در این موضوع قرارداد خواهند نمود).

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشته بود که پس از آن مذاکره من با او، بفاصله مدت قلیلی تعلیمات لازمه در این خصوص به مسیو پکلوسکی [پاکلوسکی] داده شده است. امضاء جارج بچنن [بیوکانان]

نمره - ۳۰۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر شما در باب بانك شاهنشاهی شیراز.
شما مختارید که اجازه بدهید استثنائاً قافله حامل پول به اتفاق قنصل موقتی روانه به شیراز بشود.

نمره - ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۹]

رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من:

کابینه دو فقره مواد ذیل را دیروز به مجلس پیشنهاد نموده‌اند:

(۱) مجلس باید به کابینه اختیار تام بدهد که مناقشه بین روس و ایران را قطع بنمایند.

(۲) يك کمیسیون از مجلس برای تقویت با کابینه باید منتخب بشود که دیگر کابینه هیچ مراجعه‌ای به مجلس ننماید.

فقط ۵ نفر از وکلاء در پذیرفتن این مواد رأی دادند و ۲۶ نفر در رد آن رأی دادند. چون ۳۴ نفر از نمایندگان از رأی دادن در این موضوع امتناع نمودند عده رأی‌دهندگان برای اکثریت کافی نبود بنابراین رأی آن عده هم بی‌نتیجه ماند.

پس از آن وزیر امور خارجه پیشنهاد نمود يك کابینه جدیدی تشکیل بشود که بتوانند با این ترتیب مشکلی که پیش آمده عمل بنمایند.

از قرار مسموع رئیس مجلس در اواخر جلسه، نمایندگان دمکرات را احضار نموده و نطق متشددی برای آنها نمود.

از قرار معلوم مجلس امروز مجدداً منعقد خواهد شد.

نمره - ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۳۰ [۲۶ آذر ۱۲۹۰]

رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من در باب تحریم معاملات با انگلیسان در شیراز.

دیروز صبح يك مقدار آذوقه خیلی طرف احتیاج شده بود. صاحب‌منصب ناظر قشون شخصاً برای تحصیل آن به بازار رفته بود ولی دکاندارها از فروختن به او امتناع نموده بودند.

قنسول و دوگلاس مشورت نموده بودند که چه روشی را باید اتخاذ بنمایند و نتیجه این شده بود که يك نفر صاحب‌منصب دیگر با ۲۰ نفر به اتفاق ناظر به بازار فرستاده بودند. به آنها حکم شده بود که اگر مجدداً کسبه از فروش امتناع نمودند اشیاء لازمه به آرامی برداشته بشود و يك قبض رسید در عوض آن تسلیم بشود.

اکنون قنسول مزبور خبر می‌دهد که این روش کاملاً مفید واقع شده آذوقه لازمه تحصیل شده و هیچ واقعه‌ای روی نداده و هیچکس هم شکایتی ننموده.

نمره - ۳۰۸

تلگراف سر بچنن [بیوکانون] به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ دسامبر) سن پترزبورغ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰] مسیو سزانونف مراسله خصوصی به مستر ابیرن [اوپرن] نوشته مبنی بر اینکه اگر لازم بشود قشون از قزوین جلوتر برود. قبل از صدور حکم برای حرکت قشون اخطار دیگری به دولت ایران خواهد شد.

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر لوتر به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹ دسامبر) قسطنطنیه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۶ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹] جنرال قنسول موقتی انگلیس مقیم بغداد از قرار ذیل تلگراف نموده: «خسارت فوق العاده و ایثالات بسیار برای تجار انگلیسی و تجارت انگلیس در اینجا فراهم شده چون طرق تجارتي از بغداد به ایران در عرض دو ماهه ماضی بکلی مسدود بوده. الان معادل يك ربع مليون لیره اجناس انگلیسی در اینجا جمع شده (تجارت انگلیس بالغ بر سالی يك مليون لیره می شود.) آیا جنابعالی تصور می کنید که به این زودیها احتمال افتتاح طرق تجارتي برود؟»

نمره - ۳۱۰

مراسله سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی وزارت خارجه مورخه ۱۹ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۶ آذر ۱۲۹۰] آقا وزیرمختار ایران در ۱۴ شهر حال به این وزارتخانه آمده و مندرجات تلگرافی را که از دولت متبوعه او مخایره شده بود به مستر ملت اظهار داشته بود مبنی بر اینکه دولت ایران به دولت روس اطلاع داد که مواد التیماتوم را دولت ایران قبول خواهد کرد در صورتی که شرایط ذیل مجری بشود:

- (۱) در عبارت ماده دوم التیماتوم در باب استخدام مستشارهای خارجه بنحوی که از طرف دولت ایران طرح عبارت آن شده جرح و تعدیل بشود (ظاهراً همان عبارت اصلاح شده ای است که در تلگراف ۱۳ دسامبر شما مسطور است).
- (۲) مبلغ خسارت قشون کشی و وضع پرداخت آن معین بشود.
- (۳) پس از قبول التیماتوم فوراً قشون روس از قزوین عودت داده بشود.
- (۴) التیماتوم دیگری پیشنهاد نشود.
- (۵) بانک روس و انگلیس در پرداخت پول به دولت ایران معجلاً تسهیلات لازمه را فراهم بنمایند.

(۶) اسباب تسهیل خرید اسلحه فوراً آماده بشود.
وزیرمختار مزبور توضیح نمود که دو فقره مواد اخیر برای وضعی که پس از قبول التیماتوم روس پیش خواهد آمد لازم است.
میرزا مهدی‌خان اصراری داشت که نظریات من را در باب جواب استعمال بنماید که آیا من به دولت روس در قبول نمودن این شرایط دولت ایران که آخرین کلام است اصرار خواهم نمود؟ در جواب به او اطلاع داده شد که من حاضر نیستم دیگر در این مسئله به دولت روس فشاری وارد بیاورم.

امضاء ادوارد گری

نمره - ۳۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ دسامبر)
طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۰ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]
اوضاع یزد

بسیاری از اعضای حوزه انگلیسان در یزد که اغلب آنها زنها و اطفال هستند به ویس‌قنسول انگلیس اظهار داشته‌اند که اگر انقلابی در آنجا واقع بشود حکومت محلی همچو استعدادی ندارد که بتواند اتباع خارجه را محافظت بنماید. طایفه زردشتیان هم از ویس‌قنسول مزبور درخواست تقویت نموده‌اند.
عقیده ویس‌قنسول معظم این است که عجالتاً برای حوزه اتباع خارجه خطری متصور نیست.

من پیشنهاد می‌نمایم که در صورت مسلم شدن مخاطره برای اتباع خارجه يك قسمت از مستحفظین قنسولگری اصفهان به یزد اعزام شود.
مسافت مابین اصفهان و یزد را ممکن است در ۴ روز طی نمود.

نمره - ۳۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۰ دسامبر)
طهران ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۰ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ شهر جاری من:

اعظم‌ار وزیر امور خارجه به مجلس محل شبیه شده بود که آیا کابینه استعفای خود را تقدیم داشته یا خیر؟ اکنون وزیر امور خارجه به من اطلاع می‌دهد که کابینه استعفاء ننموده چون مجلس نتوانسته هیئت وزرای جدیدی تشکیل بنماید.

نمره - ۳۱۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر لوتر
وزارت خارجه ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۷ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ دسامبر شما در باب طرق تجارتي از بغداد به ايران:
شما ممکن است به تجار اطلاع بدهید که عجالاً هیچ همچو امیدی نیست که تأمینی
در طرق مزبور حاصل بشود.

نمره - ۳۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۸ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۹ شهر جاری من:
دیشب مجلس علنی منعقد شده و خیلی طولانی شد و در جلسه مزبور در موضوع
ماده دوم پیشنهاد وزراء که در تلگراف مورخه ۱۹ شهر جاری اطلاع داده ام مذاکرات
به عمل آمده و تصویب شد. ۵ نفر از نمایندگان انتخاب خواهند شد که بمنزله هیئت
مشاوره با کابینه اشتغال ورزند.

نمره - ۳۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)
طهران ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۸ آذر ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۱۵ شهر جاری شما:
از قرار معلوم مستر لکفر نمی تواند ادعایی از دولت ایران بنماید چونکه قبل از
تعیین به پیشکاری مالیة تبریز برای استخدام در وزارت مالیة کنتراتی ننموده حتی
مستر شوستر برای پیشکاری مالیة تبریز هم به او کنتراتی نداده.
از قرار مسموع مستر شوستر از جانب او مشغول اقدامات است.
پس از ورود مستر لکفر به طهران در باب آتیة او من با او مذاکره خواهم نمود.
چنانچه به من اطلاع داده شده مشارالیه بهمین زودیهها مراجعت به طهران خواهد
نمود.

نمره - ۳۱۶

مکتوب کمپانی ذیگلر به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
منچستر ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۸ آذر ۱۲۹۰؛ ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹]
آقا

محل شبیه نیست که خاطر محترم از تحریم امتعه انگلیس در شیراز که در دو

هفته قبل انتشار یافت مسبوق است و در همان اوقات اداره ما از شیراز تلگرافاً [= تلگرافی] بما اطلاع دادند که کلیه معاملات بمعهد تعطیل است.

ما امیدوار بودیم که این غدقن تجارت انگلیس چندان طولانی نخواهد شد ولی بموجب تلگرافی که الساعه از شیراز رسیده تحریم امتعه مزبور هنوز ممتد است و این مسئله باعث بسی نگرانی است. تجارتخانه ما نیز اطلاع می‌دهد که مشتریان ما از این مقدمه خیلی مکدر هستند چون تجار ایرانی مشغول فروش مالالتجاره موجوده خود و مالالتجاره در عرض راه هستند و به این واسطه اصرار نموده‌اند که ما فوراً این مسئله را به عرض عالی رسانیده باضافه اظهار بداریم که برای این اخلال در تجارت انگلیس باید دولت ایران را مسئول قرار داد.

ما با کمال صمیمیت امیدواریم که جنابعالی صلاح خواهید دانست که برای مرتفع داشتن این قطع معاملات اقدامات مجدانه بمنصه ظهور برسد و منتظریم این عرضحال ما به جنابعالی باعث برطرف شدن سستی جریان تجارت انگلیس در جنوب ایران بگردد.

کمپانی زیگلر

نمره - ۳۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر) طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰] وزیرمختار روس به من اطلاع می‌دهد دیروز دولت ایران شفاهاً به او اطلاع داده‌اند که تقاضاهای ثلاثه را قبول خواهند نمود.

نمره - ۳۱۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر) طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ [۲۹ آذر ۱۲۹۰؛ ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹] رجوع به تلگراف ۱۷ دسامبر من: قنصل انگلیس از کرمانشاه خبر می‌دهد که اعظم‌الدوله کفیل حکومت کرمانشاه در قنصلگری ما متحصن شده. تلگراف اخیر دیگری از قنصل معظم‌الیه [= معظم‌له] ورود سالارالدوله را به آنجا خبر می‌دهد.

نمره - ۳۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
 طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]
 قنصل انگلیس مقیم تبریز در ۲۱ دسامبر تلگراف ذیل را به من مخابره نموده:
 «قنصل روس به من اطلاع داده که يك عده سرباز روسی دیشب مشغول تعمیر
 سیم تلفن بودند و غفلتاً یکی از پلیسهای گشتی به يك نفر از سربازان مزبور حمله
 نموده. سربازان روسی شلیک نموده و دو نفر از پلیسهای مذکور را مقتول نمودند.
 مجدداً امروز صبح فدائیان به يك دسته قشون سیار روس شلیک نموده و یکی از
 آنها را مجروح نمودند. پس از آن شلیک امتداد حاصل نموده. الحال روسها مشغول
 بمبارده نمودن ارك هستند که تقریباً ۲۰۰ نفر فدائی در آنجا محصورند. پس از
 آنکه محل مزبور تصرف بشود من گمان می‌کنم کلیتاً مجادله حاضره خاتمه بپذیرد.
 ضمناً اطمینان می‌دهم که هیچ مخاطره‌ای برای اتباع انگلیس موجود نیست مگر
 اینکه يك گلوله‌ای بخطا و منحرفانه با کسی مصادف بشود.
 بهر صورت قنصل روس از فرمانده قشون روس خواهش نموده که در حراست
 اتباع خارجه احتیاط لازمه را منظور بدارد.
 من گمان می‌کنم قشون روس بتوانند کاملاً از عهده مقابله در این موقع برآیند
 چون در چند روز قبل تقریباً ۵۵۰ نفر هم از اردبیل به آنها مدد رسیده».

نمره - ۳۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
 طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف امروز صبح من در باب واقعه تبریز:
 قنصل انگلیس تلگراف دیگری به شرح ذیل امروز مخابره نموده:
 «قشون روس در تمام مدت دیروز بعد از ظهر بدفعات از اردوی خود مشغول
 بمبارده ارك بودند و مدافعین با کمال تشدد جواب شلیکهای آنها را می‌دادند. روسها
 بهیچ وجه در صدد یورش مستقیم بردن به ارك و تصرف آن برنیامدند. در کوچه‌های
 حوالی قنصلگری روس بدفعات عدیده مجادلات واقع شده و تا ساعت ۴ بعد از ظهر
 امتداد داشت و در این کوچه‌ها دسته‌های قلیلی از سربازان روسی بودند.
 تا حال هیچ انقلاب عمومی ظاهر نشده. در واقع ایرانیان اهالی شهر بکلی ساکت
 مانده‌اند و آنچه تاکنون من تحقیق نموده‌ام به هیچیک از اروپائیان صدمه‌ای وارد
 نشده. علی‌الظاهر روسها بیش از آن اندازه‌ای که انتظار بود در این مسئله دچار
 مشکلات شده‌اند. رابطات با افراد حوزه انگلیسان دوردست غیرممکن شده.
 بهر صورت تا امروز غروب هم هیچ اثری از این ظاهر نبود که به سربازان روسی
 دستور داده باشد که در صدد حراست اماکن مسکونی اتباع انگلیس و آلمان

باشند در صورتی که تا امروز ظهر وسایل رابطه جنرال قنصل روس با اردوی روس هم منقطع شده بود.
 بالاخره قبل از غروب امروز من توانسته‌ام اطمینان حاصل بنمایم که تا حال به اماکن انگلیسها و آلمانها آسیبی وارد نیامده.
 بمبارده ارك امروز صبح زود تجدید شد و تا الان ممتد است. محصورین آن طوری که دیروز مجدانه جواب شلیک را می‌دادند امروز چندان حرارتی بروز نمی‌دادند.»

نمره - ۳۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ دسامبر)
 طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۲۹ [۲۹ آذر ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف امروز من:

الان رئیس کابینه وزارت امور خارجه نزد من فرستاده شده که به من اطلاع بدهد که بالاخره مشکلاتی را که برای قبول تقاضاهای روس در پیش بوده مرتفع نموده‌اند و دولت ایران به سفارت روس اطلاع داده است که تقاضای روس را به این اطمینان می‌پذیرند که هیچ تقاضاهای جدید دیگری پیشنهاد نشود و قشون اعزام شده روس هم معجلاً از ایران خارج بشود.

وزیر امور خارجه ایران امیدوار است حالا که دولت ایران تقاضاهای روس را قبول نموده مواعیدی که دولت انگلیس به وزیرمختار ایران مقیم لندن نموده بموقع اجراء گذارده بشود به این معنی که مساعدت لازمه از طرف دولت انگلیس در باب اصلاح بین روس و ایران و استقرار روابط مستحسنة مبذول یگردد.

وزیر امور خارجه اظهار می‌دارد که او و همکاران او مصمم شده‌اند که از سبک مصلحانه‌ای که در این موضوع اتخاذ نموده‌اند احتراز ننمایند. باضافه او اظهار می‌نماید که نهایت جدیت در اطفای حرارت و هیجان عامه به عمل آمده اگرچه از قراری که مشهود است اعمال مخاصمانه روسها در تبریز و رشت عنقریب زحمات سابقه کابینه را بهدر خواهد داد و نتایج وخیمه از اثرات اعمال سوء آنها به ظهور خواهد رسید.

نمره - ۳۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)
 طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غره محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]

شرح ذیل را ویس قنصل انگلیس مقیم رشت در موضوع واقعه‌ای که در رشت روی داده مخابره نموده:

«در ۲۱ دسامبر بعضی از سواران طالش با بعضی از قزاقهای روسی در حین عبور

در کوچه یکدیگر را تهدید نمودند. در اواسط روز قزاقان روسی به دارالحکومه وارد شده و اظهار نمودند که از آنجا تیر خالی شده و اصطبل دارالحکومه را تفتیش نمودند. غفلتاً شروع به شلیک شد و دفعتاً عمومیت پیدا کرد. مستحفظین قنصلگری روس در سبزه میدان بنای شلیک را گذاردند. علت این غوغای آنی عجلتاً مجهول است. سه نفر قزاق روسی و اقلان ۸ نفر ایرانی مقتول شدند. بواسطه درپیش بودن ماه محرم احتمالات انقلاب اوضاع بسیار است.

ویس قنصل مزبور نیز خبر می دهد که در ۲۱ دسامبر زد و خورد و آشوبی هم در انزلی برپا شده و یک نفر صاحب منصب روسی مجروح و ده نفر ایرانی مقتول شده اند.

نمره - ۳۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)
 طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غره محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف دیروز من:

همکار روسی من به من اطلاع می دهد که در باب پیشنهاد نمودن تقاضای جدید دیگری قول نداده است و فقط اطمینانی که برای عودت قشون اعزام شده روس داده بهمان ترتیبی است که در تلگراف ۱۶ شهر حال من مصرح شده است.

نمره - ۳۲۴

تلگراف سر بچنن [بیوکانون] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ دسامبر)
 سن پترزبورگ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ [۱ دی ۱۲۹۰؛ ۱ محرم ۱۳۳۰]

امروز عصر من در باب مجادله در تبریز و رشت از مسیو سازانوف استعلام نمودم. جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که مهاجمه فدائیان بر قشون روس به طریق خائنانه و غفلتی بوده و بعلاوه بکلی بی مقدمه بوده. یک دسته قشون روس که مرکب از ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر باشد از جلفا به کمک قشون مقیم تبریز اعزام خواهد شد.

مسیو سازانوف به من اطمینان داد که رأی قطعی دولت روس بواسطه این حوادث جدید به هیچ وجه اختلال حاصل نخواهد نمود و قشون اعزام شده روس به قزوین بمحض مسلم شدن انفصال مستر شوستر و اعتراف کتبی نمودن دولت ایران به قبول تقاضاهای ثلاثه روس عودت داده خواهد شد.

جناب معظم الیه [= معظم له] اذعان نمود که سبب رفتار دولت ایران در موضوع وقایع جدید رشت و تبریز از روی صحت بوده و نیز اظهار داشت که این حوادث را باید بکلی مسئله علیحده ای دانست و به هیچ وجه مداخلیتی به واقعات سابقه که باعث اعزام قشون به قزوین شده ندارد.

نمره - ۳۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق غره محرم ۱۳۳۰ [۱ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۰ دسامبر شما در باب اوضاع یزد:
در صورت نهایت لزوم بعد از مشاوره با کرنل [=کلنل] شما مجازید که بر طبق
پیشنهادی که نموده‌اید عمل بنمایید ولی ما عقیده نداریم که قشون خودمان را بیشتر
از این تجزیه بنماییم.

نمره - ۳۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف ۲۲ دسامبر من در باب واقعه تبریز:
تلگراف دیگری از قنصل انگلیس مقیم تبریز از قرار شرح ذیل خبر می‌دهد:
«دیروز هیچ بمبارده قطع نشد و شلیک سختی تا چند ساعت از پشت‌بام قنصلگری
روس و از يك دسته مجاهدین که بفاصله کمی از قنصلگری متوقف بودند امتداد
داشت. اگرچه شلیک از طرفین مقطوع شده بود ولی امروز صبح بعضی از روسیان
در حوالی قنصلگری انگلیس مشغول تیراندازی بودند و در عرض این شلیک يك نفر
ایرانی از طبقه فقراء را که جزو جنگ نبوده مقتول نمودند.
من این رفتار سوء را به همکار روسی خودم گوشزد نمودم که جلوگیری از تکرار
وقوع این نوع اعمال بنماید».

نمره - ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
رجوع به تلگراف امروز صبح من:
سیم تلگراف تبریز مغشوش شده ولی دیشب در اواخر شب تلگرافی به وزیرمختار
روس رسیده مشعر بر اینکه مجادله شدیدی تسلسل یافته، به قنصلگری روس شلیک
شده دو نفر از قزاقان مستحفظ قنصلگری مجروح شده‌اند و يك صاحب‌منصب مقتول.
بموجب انتشارات در جراید ایرانی در اینجا تلفات قشون روس در کلیه منازعه
بسیار است ولی چون قنصل روس مقیم تبریز نمی‌تواند با اردوی روس مذاکره و
مخابره بنماید همکار روسی من اطلاعات جدیدی در این موضوع ندارد.

نمره - ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
 طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰ [۲ دی ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف ۲۲ دسامبر من:

امروز یادداشتی از دولت ایران به وزیرمختار روس رسیده مبنی بر اینکه تقاضاهای
 ثلاثة روس را قبول نموده‌اند.

در باب ماده اول التیماتوم در یادداشت مزبور مذکور است که دولت ایران مستر
 شوستر و مستر لکفر را از استخدام خود خارج نموده‌اند.

یادداشت درخواست می‌نماید که ماده دوم التیماتوم به نحوی که در تلگراف ۱۳
 شهر حال من و در تلگراف ۱۸ دسامبر سفیرکبیر انگلیس مقیم سن پترزبورغ مصرح
 شده است جرح و تعدیل بشود.

در یادداشت اشعار شده حالا که دولت ایران با تقاضاهای دولت روس موافقت
 نموده و روابط بین دولتین تشدید شده دولت ایران امیدواری کامل دارد که دولت
 روس فوراً تمام اقداماتی را که برای اجرای التیماتوم خود لازم دانسته و به فعل
 رسانیده مرتفع خواهد نمود که دولت ایران هم در آتیه متکی به حمایت و تقویت
 دولت روس باشد.

همکار روس من در جواب اظهار رضایت نموده و عبارت اصلاح شده ماده دوم
 التیماتوم را قبول نموده.

نمره - ۳۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)
 طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۲ محرم ۱۳۳۰* [۲ دی ۱۲۹۰]

امروز عصر مجلس مفصلی از تمام طبقات در دربار منعقد شد. نایب‌السلطنه در
 اجلاس مزبور حضور داشت ولی چون کسالت مزاج داشت وزیر امور خارجه از طرف
 او به حضار خطاب نموده گفت: هیئت دولت تصور می‌کنند که مجلس اسباب تخریب
 روابط خارجه دولت و ادارات داخلی است و به این جهت او پیشنهاد می‌نماید که
 مجلس باید منفصل بشود. هیچکس با پیشنهاد مزبور مخالفت ننموده و دستخطی از
 طرف دولت صادر شد که دوره انعقاد مجلس ختم است.

امروز عصر جمعیت حول و حوش مجلس را با کمال سکونت متفرق نموده و درهای
 آن را مسدود نمودند. تا اندازه‌ای که من می‌توانم درك بنمایم پیرم و بختیاریها تمام
 ترتیبات را در تحت سلطه و تصرف خود دارند. پس از چندین روز بسته بودن بازار
 امروز عصر دکاکین باز شد.

نمره - ۳۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)
 طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۳ محرم ۱۳۳۰ * [۳ دی ۱۲۹۰]
 اوضاع تهران

يك شخصى كه به چشم خود دیده است به من اطلاع می‌دهد كه اجلاس دربار به نحوی
 كه در تلگراف دیروز من مسطور بود و به من خبر داده بودند چندان مفصل نبوده.
 امروز عصر مجمع اعتراضیه‌ای بر علیه [=علیه] اقدامات دولت در بازار منعقد
 شده بود ولی پلیس به سهولت آنها را متفرق نمود.

نمره - ۳۳۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)
 طهران ۲۶ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۴ محرم ۱۳۳۰ [۴ دی ۱۲۹۰]
 رجوع به تلگراف ۲۳ دسامبر من:

ویس قنسل انگلیس مقیم رشت به تاریخ ۲۵ دسامبر از قرار ذیل تلگراف نموده:
 «بلوای انزلی خاتمه پذیرفت و دیروز بازارها باز شد. بازار رشت هنوز بسته
 است. روسها خانه‌ها و مساجد را تفتیش نموده اسلحه و آلات ناریه از مخزن به اردوی
 روس که در خارج شهر است برده شده. شهر بکلی آرام است و من هیچ اغتشاش
 دیگری را پیش‌بینی نمی‌نمایم».

نمره - ۳۳۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ ژانویه)
 طهران ۱۰ ژانویه ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ محرم ۱۳۳۰ [۱۹ دی ۱۲۹۰]
 آقا

با کمال افتخار شرح واقعات فارس در عرض دو ماهه ژویه و اوت را که قنسل
 انگلیس از شیراز ارسال داشته لفاً تقدیم می‌دارم. این مشروح که حاوی بیانات
 سودمند از اوضاع شیراز در عرض ماههای مزبور است نظر به اغتشاش وضع پستی
 اکنون به من رسیده.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفه در نمره - ۳۳۲

مراسله قنسول ناکس به سر جارج بارکلی
شیراز ۷ سپتامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۳ رمضان ۱۳۲۹ [۱۴ مهر ۱۲۹۰]
آقا

با کمال افتخار شرح واقعات فارس را در عرض دو ماهه ماضی لفاً تقدیم می‌دارم:
متأسفم که به این امید باطل که شاید در این ایام صورت اصلاحی در اوضاع حاصل
بشود که در ضمن این وقایع مورد توجه بگردد و از مفسد پرده‌پوشی بنماید، ارسال
این راپورت را تا این اندازه به تأخیر انداختم ولی باضافه از حاصل نشدن مقصود،
خوف آن است که این راپورت بکلی مبنی بر شرح اغتشاش مشابه به سابق باشد.
در شب ۲۶ ژوئن اوضاع بواسطه حرکت انتظام‌الممالک بیشتر مختل شد (انتظام-
الممالک یگانه وارث ذکور طایفه قوامیها است).

بمحض وصول این خبر قوام‌الملک به توسط من با تلفن پیغامی به کدخدای سیوند
فرستاد که پسر او را در آنجا نگاه دارد. دو روز بعد پیغام به خود انتظام‌الممالک
رسیده بود و در شب سیم ژوئن به شیراز مراجعت نمود. غرض و نتیجه این حرکت
مذبوح هنوز مستور است.

متعاقب این اتفاق واقعه دیگری رخ نمود که آتش‌غیرمنتظره‌ای در فارس برافروخت.
در عرض پاییز سال گذشته یک نفر از بین یک دسته از دهاتیان بلواردی (که
انتساب دوردورانهای با ایل قشقایی دارند) در ضمن یک منازعه طایفه‌ای با علی‌اکبر
ده‌بزرگی مقتول شده بود. بفاصله مدت قلیلی بعد از وقوع این قتل قوام‌الملک که
در آن ایام حکمران موقتی بود در صدد دستگیری علی‌اکبر برآمد ولی او به طرف
اصفهان حرکت نمود و بعد از مدت‌زمانی غیبت پس از آنکه به استخدام نظام‌السلطنه
داخل شده بود به اتفاق جناب معظم وارد شیراز شد. بلواردیان پس از مجاهدات مکرره
برای قصاص خونریزی مزبور، در اوایل ژویه یک عده اناثیه را از قریه خودشان
اعزام نمودند که مسئله را به عدلیه پیشنهاد نموده و انجام آن را بخواهند و عدلیه از
طرف حکومت به آنها اطمینان داد که در عرض ۴ روز قصاص لازمه بموقع اجراء
گذارده خواهد شد.

حضرات به این وعده متقاعد نشده و روز ۴ به طرف شهر آمده و تقریباً ۸۰ نفر
جوانان کاری از آنها در منازل همشهریان خود در نزدیکی سعدی (یا دروازه شمال
شرقی) سکنی گرفتند. در عرض شب ایالت یک عده استعداد و پلیس و غیره فرستاد
که برادر شخص مقتول را دستگیر نمایند چون منشأ این فتنه و عداوت او بود.
بلواردیان از تسلیم او امتناع نموده و پس از مقداری منازعه بالاخره با پلیس رد و
بدل گلوله نمودند.

(۱) بوالورد (بولورد) از روستاهای پیرامون شیراز بود که اکنون یکی از برزن‌های آن شهر
است. - م.

روز بعد بلواردیان دروازه شهر را تصرف و سنگر نموده و از آنجا اخطار نمودند که تا علی اکبر به آنها تسلیم نشود از آن محل حرکت نخواهند کرد.

در عرض روز هیچ اقدامی در متفرق نمودن آنها نشد ولی در شب شلیک تفنگ در تمام شهر برپا شد. قصد مأمورین حکومت و بلواردیان از این شلیک بیداری و خبرداری یکدیگر بود که فقط به طرف هوا شلیک می کردند ولی بسیاری از اهالی شهر به آنها تاسی نموده و از پشت بام منازل خود تیراندازی می نمودند چنانچه در ایام مخالفت با حکومت مرسوم بوده که برای بروز کراهت خود از حکومت و برای اینکه شهرت بدهند که شهر پی نظم است این عمل را می نموده اند.

روز بعد نظام السلطنه برای مشهود داشتن اقتدار خودش يك سارقی را که چندین ماه محبوس بوده دم توپ گذارد و پس از آن دو نفر از طبایخان قوام الملک را که به جرم خبر ندادن انتظام الممالک به حکومت محبوس بودند برای بدار زدن حاضر نمودند ولی بالاخره مجازات آنها را به عهده تعویق گذاردند.

بفاصله مدت قلیلی بعد از این واقعه اغلب از علمای متنقد در امامزاده سید علاءالدین حسین^۱ که در جنوب شرقی شهر واقع است متحصن شدند. يك عده کثیری از این علماء در بلوای به ضد قوام هم که در ماه آپریل و مه بروز نموده بود شرکت داشتند.

این عمل تحصن اختیار نمودن حضرات محتمل است ناشی از اثرات افعال مقتدرانه ایالت باشد که در این اواخر بواسطه دستگیر نمودن ضرغام الشریعه نوه امام جمعه مشهود گردیده بنابراین حضرات می خواهند به این وسایل از سلطه ایالت کاسته و به قدرت خود بیفزایند.

از تحقیقاتی که من در تحصیل منبع این اغتشاشات نموده ام نتیجه این طور گرفتارم که مبادی تمام این فتنه و غوغا مناقشات شخصی بلواردیان بوده که از منسوبان طایفه قشقایی هستند و بهیچ وجه مدخلیتی به طایفه قوام ندارد.

شکایت های متواتره ای که در باب دعوت قوامیها ایلات را به تقویت خودشان، شده بکلی بی اصل است در صورتی که حضور افراد ایلات در منزل قوامیها^۲ آنچه تا حال دیده شده فقط آمدن دو نفر از رؤسای طایفه بهارلو محض ملاقات بوده که در ضمن تلگرافی هم به امضای يك عده از هم مسلکان خود به نایب السلطنه مخاברה نمودند مبنی بر اینکه در باب تسویه اوضاع شیراز بزودی اطمینانی به آنها داده بشود و اگر در این باب قصوری برود خود آنها با استعداد کامل برای اعاده نظم و تمشیت به شهر خواهند آمد.

بعد از تقریباً ۱۰ روز اغتشاش عمومی که متضمن شلیک دائمی در شبها بود در ۱۷ ژویه نظام السلطنه بعضی از اعظام تجار را برای اصلاح امر نزد علماء فرستاد و

(۱) اصل: سید علی الدین حسین. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

آنها را ضی به تمکین شدند مشروط بر اینکه عفو عمومی داده بشود و عطاءالدوله و نصیرالملک و بهاءالسلطنه و مغیثالدوله هم تبعید بشوند. چند ساعت بعد استعداد ایالت که یک عده دهاتیان قشقایی هم بتازگی به آنها ملحق شده بودند به سه نقطه از سنگرهای طرف شرقی شهر اجماعاً حمله بردند ولی پس از تلف شدن تقریباً ۳۰ نفر حمله آنها رد شد.

متعاقب این نظامالسلطنه دو دسته قلیل سوار به سروستان که در آنجا قوام املاک زیاد دارد فرستاد. در ضمن دهاتیان سرخه و قشقایی از یک طرف در حول و حوش شیراز با کمال جدیت مشغول چپاول بودند و از طرف دیگر بدفعات به سنگرهای طرف شرقی حمله می نمودند و در ۲۳ ژوئیه یک عده ایلیاتی از طرف صولتالدوله وارد شدند. یک دسته از این عده که تقریباً ۶۰ نفر بودند لدیالورود داخل باغی شدند که رئیس کمپانی دیگر در آنجا سکنا دارد و با وجود تعرضی که مستحفظین ایرانی مقیم آنجا به آنها نموده بودند معذک مسموع نیفتاده بود تا بالاخره با کمال زحمت آنها را از آنجا خارج نموده بودند. بعد از شکایات به ایالت در این باب محض استرضای من برای این ورود متهاجمانه به منزل یک تبعه انگلیس و تهدید گماشته تبعه انگلیس، پنج شش نفر را در حضور منشی قنصلگری تنبیه نمودند ولی من ظن قوی دارم که این اشخاصی که تنبیه شده اند اصلاً در جزو آنهاهی که مرتکب آن عمل شده اند نبوده اند.

در همین اوقات بود که بی اعتدالی قشقاییها در تزايد بود و من به تجویز جنابعالی به صولتالدوله تلگراف نمودم و از رفتار ناهنجار قشقاییان در حوالی شیراز او را مستحضر نموده و از او خواهش نمودم معجلاً بوسیله تلگراف جلوگیری از این اعمال آنها بنماید.

چند روز بعد به من خبر رسید که صولتالدوله حکم مشددی به اتباع خود مخابره نموده که غارت و چپاول را متروک بدارند (که این حکم بکلی مورد اعتناء واقع نشد) و تقریباً ده روز بعد از مخابره تلگراف من مکتوبی از او به من رسید مشعر بر اینکه بر طبق خواهش من عمل نموده است.

حمله به سنگرهای شرقی شهر هنوز گاه گاهی ممتد می شود ولی بدون هیچ نوع پیشرفتی تلفات از طرف قشقاییان و همکاران آنها بوده و بنا به اعتراف خودشان تا حال عده تلفات به ۲۰۰ نفر رسیده. دسته مخالف هنوز کاملاً به دفاع خود باقی هستند و خیلی کمتر تلفات دارند و تا حال ابداً راهی به متهاجمین نداده اند.

از زمان بروز بلوا در شیراز هرج و مرج کامل در اغلبی از نواحی و قراء بوده خصوصاً در داراب و فسا که در آنجاها عربهای بهارلو و مزیدی یک عراده توپ از دست فرستادگان ایالت که برای جمع آوری مالیات و منهدم نمودن شهر فسا رفته بودند گرفته اند و در ضمن اظهار داشته اند که آنها در تهیه این بوده اند که با استعداد کامل به شهر بیایند و عیال بیوه نصرالدوله را که از منسوبان اقرب رؤسای آنها است حفظ بنمایند.

آمدن دو نفر رؤسای سابق‌الذکر به شهر و مخاברה نمودن تلگراف به نایب‌السلطنه ظاهراً بر تفرعن و نخوت آنها افزوده است.

در ضمن این اغتشاشات مکرر بتوسط دسته‌های مختلف به من اصرار شده که مصلح واقع بشوم ولی من مجبور بوده‌ام که برای شرکت ننمودن به نام قنسولگری دولت انگلیس در این مسائل و داخل نشدن در این جنبش عمومی فارس، از قبول آن امتناع بنمایم. مع ذلك حتی الامکان من نفوذ خودم را در مورد نظام‌السلطنه و قوام‌الملک هر دو به کار برده‌ام که به نحو خوشی بین آنها را اصلاح بنمایم و در ملایمت نظام‌السلطنه اصرار نموده و محرمانه خاطر نشان او نموده‌ام که اصرار او در مداومت به اقدامات قهریه فقط باعث تشدید مجادله خواهد بود در صورتی که تا حال مشاهده شده که بدون تحمل مشکلات بسیار و پیش آمدن مخاطرات بی‌شمار برای طبقه آرام و سالم اهالی و منافع اروپاییان نمی‌توان به دسته مخالف ظفر یافت و حال آنکه هر خسارتی به منافع اروپاییان وارد بیاید جز اینکه با کمال تشدد از شخص او مطالبه جبران آن بشود شق دیگری نخواهد داشت. به قوام هم کراراً اخطار نموده‌ام که هر عمل نامشروعی که از طایفه او سر بزند نتیجه آن پاپیج خود او خواهد شد ولی در هر موقع که من در این موضوعها از او خواهش نموده‌ام بر حسب تقاضای من به فامیل خودش نوشته است. بهمچنین در هر موقعی که مذاکرات صلح به میان آمده بدون هیچ نوع مخالفتی به متعلقات خود اصرار نموده که به هر قرارداد مصلحانه‌ای که پیشنهاد بشود موافقت و تمکین بنمایند.

از وقتی که به نظر من آمده که قبول نمودن هر اندازه مسئولیتی در موضوع منازعه این دو دسته برای ما نامناسب است در مقابل تمام پیشنهاداتی که در این باب به من شده جواب داده‌ام که من اجازه ندارم به هیچ وجه در خصوص شرایط صلح مداخله بنمایم.

در موضوع خروج قوام‌الملک از قنسولخانه با کمال اسف اطلاع می‌دهم که تا حال هیچ علائم بهبودی ظاهر نشده. اظهارات دولت ایران در باب تصویب نمودن تأمیناتی که به او داده شده در نهم ژوئیه به او ابلاغ شد. قوام‌الملک جواب داد تهدید نظام‌السلطنه در آن وقت برای مهاجمه به طایفه من دال بر بی‌اعتباری تأمینات او است والا من داوطلبانه حاضرم فقط به یکی از شرایط ذیل از قنسولخانه خارج بشوم:

یکی اینکه دولت ایران نوشته‌ای بسپارد که در ایام غیبت من از ایران سرپرستی املاک من را بنمایند و قروض من را بپردازند و از حاصل املاک مقرری هم به من برسانند مشروط بر اینکه پس از مراجعت من مجدداً املاک را به تصرف خودم بدهند. یکی اینکه دولت ایران به جنابعالی اطمینان رسمی بدهند که متضمن تأمین جان و آزادی طایفه من و استقلال املاک من باشد (و تأمینات مزبور بتوسط قنسولگری کتباً به من تبلیغ شده و تشریح بگردد که جنابعالی در صحت آن تصدیق دارید).

دیگر اینکه اگر يك فرمانفرمایی برای فارس تعیین بشود که عداوت شخصی با من نداشته باشد من حاضرم بتوسط قنسولگری تعهدنامه کتبی بسپارم که از ایران خارج

بشوم و تا هر مدتی که دولت امر بنمایند مراجعت ننمایم بدون تقاضای هیچ نوع تأمینات یا شروطی. پس از آنکه نظام السلطنه اصرار نمود که از شرح تأمیناتی که حکومت مرکزی به شما داده‌اند او را مستحضر بنمایم من مفاد دو فقره شرایط اولی فوق‌الذکر را برای او بیان نموده و اظهار داشتم که من وزیرمختار را کاملاً از این شرایط مسبوق نموده‌ام.

بعد از این نظام السلطنه شخصاً با قوام‌الملک مذاکره نموده و وعده داده بود که هر نوع اطمینانی برای تأمین او بدهد.

قوام‌الملک در جواب اظهار داشته بود که هر نوع اطمینانی از این بابت باید بتوسط سفارت دولت انگلیس به او برسد.

تا ۱۱ اوت هیچ مذاکره دیگری نشده و آن وقت صمصام السلطنه به قوام‌الملک تلگراف نمود که تعهد لازمه در باب تأمین او بتوسط نایب السلطنه و قنصلگری انگلیس خواهد شد و پس از حرکت او از فارس خودش به فرمانفرمایی کرمان و پسرش به ریاست ایلات خمسه منصوب خواهند شد و ترتیبات مقتضیه برای تأمین املاک او داده خواهد شد.

در جواب این پیشنهاد قوام‌الملک اظهار داشت که او باید اقلاً ۴۰ روز در منزل خودش متوقف بشود که قبل از حرکت امورات شخصی خود و امور وراثت نصرالدوله را تصفیه بنماید.

تا اندازه قلیلی که من از وضع صولت‌الدوله مشاهده نموده‌ام محققاً او هنوز حاضر است که حتی القوه به نظام السلطنه تقویت بنماید ولی قوای او که در عرض ۱۸ ماهه ماضی رو به ضعف نهاده بود ظاهراً در این تابستان بیشتر از پیش تحلیل رفته و در همین تازگیها يك عده کثیری از رؤسای ایلات مختلف به سرکردگی محمدعلی‌خان کشکولی و ایازخان دره‌شوری و احمدخان شش‌بلوکی رسماً به صولت‌الدوله نوشتند که من بعد از تأدیة مالیات امتناع خواهند نمود چونکه آنچه در عرض سه ساله ماضی پرداخته‌اند فقط صرف پر نمودن کیسه او شده و نیز اشعار داشته بودند که معیت او با نظام السلطنه در قتل نصرالدوله ایل قشقایی را نوعاً ننگین نموده.

هرگاه عطف نظری به فدویت تاریخی این ایلیاتیان نسبت به ایلخانی خودشان بشود مشهود خواهد شد که این عنوانی را که آنها نموده‌اند تا چه درجه جالب اهمیت است.

پس‌براین عجالتاً هیچ امید بهبودی در وضع دهات و اطراف نمی‌رود. ایالت در قاصر بودن از ساکت نمودن نواحی منقلبه امتحانات کامل داده. در ایام استقرار او به مسند حکومت کراراً مشهود گردیده که اقوال او در هیچ مسئله‌ای محل اعتماد نیست و منتها مسئله‌ای که در خیال او نفوذ کامل دارد پیش‌بینی منافع نقدی است. بدین لحاظ باید منتظر بود که دشمنان او با سکونت به مدافعه خود باقی خواهند بود تا زمانی که به عزل او موفق بگردند.

گمان نمی‌کنم در لزوم عزل يك همچو ایالتی که آنتریگت شخصی او باعث يك

همچو اغتشاش مهمی شده و مقاصد انقلابخواهی خود را بهیچوجه مستور نمی‌دارد هیچکس منکر باشد ولی دولت ایران که خود با این زحمات مصادم هستند و بی‌شبهه دچار ترتیب مشکلی شده‌اند متأسفانه مسئله در نظر آنها کهنه شده و معلوم نیست چه وقت در صدد اقدام جدی در این باب خواهند بود اگرچه بالاخره مجبور به تعقیب این روش خواهند شد و به نظر من یگانه وسیله امیدبخش همین است.

در اوایل ماه اوت دولت تا حدی در باب انفصال ایالت مجد شده بود که در صدد تعیین کارگذار [= کارگزار] به نیابت حکومت برآمده بودند و از قراری که خود نظام‌السلطنه و پیشکار او به من اطلاع دادند او را رسماً منفصل نموده‌اند و رئیس - الوزراء در این باب تلگرافی به مجتهد اعظم و رئیس قشون مخابره نموده بود ولی در این موقع يك شخص بی‌حالی مثل یدالله میرزا را مکفل [کفیل!] حکومت فارس نمودن باعث دوچندان شدن خرابیهای قبل و تکمیل شدن نواقص معایب ایالت سابق است.

نتیجه تلگراف مزبور این شده که عجالتاً قریب دو هزار نفر قشقایی و دشتستانی و دهاتی مسلح با نظام‌السلطنه نصفه غربی شهر را متصرفند.

در طرف شرقی شهر تقریباً ۱۰۰۰ نفر شهری و دهاتی از سکنه قراء حوالی تحت‌السلطه هستند و احتمال مجادله بین این دو دسته که باعث خونریزی بسیار است هر آن می‌رود و تا بحال بعدی تولید خصومت بین آنها شده که تمام این ایالت در بحران و هیجان است. بعلاوه حرکت ایل قشقایی به طرف جنوب برای قشلاق نزدیک است و این باعث ورود صولت‌الدوله و احتمال تجدید نمون روش ماه مه ماضی خودش خواهد شد. باضافه احتمال کلی می‌رود که ایلات خسته و وحشتی‌تر از اینها هم در این هرج و مرج عمومی شرکت بنمایند و در این صورت با يك فرمانفرمایی که خود قدم به عرصه یاغیگری آشکاری گذارده معلوم است چه ترتیب و خیمی در پیش است.

از تمام این تصورات معلوم می‌شود مادامی که يك استعداد دولتی برای دفع این اغتشاشات وجود نداشته باشد ما باید خود را آماده بنماییم که در صورت وقوع زد و خوردی اتباع انگلیس را که در معرض خطر واقع شده‌اند در شیراز حفظ بنماییم چونکه در هر حال یا از دوام این اوضاع خشم و غضب عمومی به هیجان آمده و باعث مجادله خواهد شد یا يك دسته‌ای برای حفظ جان خودشان مداخله در این امر خواهند کرد که آن هم جزو مجادله محسوب خواهد شد.

بنابراین وضع حالیه به نظر من نه فقط آتیه ناگواری را متضمن است بلکه عاقبت بسیار وخیمی را نشان می‌دهد.

در فارس هیچکس نمی‌تواند از نتایج سوئی که از تجزیه شدن قوای حکومت مرکزی ایران بعد از شروع به هیجان برای مشروطه حاصل شده صرف نظر بنماید.

امضاء ج. ج. ناکس

نمره - ۳۳۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ دسامبر)
 طهران ۱۱ دسامبر ۱۹۱۱ مطابق ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۹ [۱۸ آذر ۱۲۹۰]
 آقا

با کمال افتخار سواد مکتوبی را که قنصل انگلیس از شیراز نگاشته لفا ارسال می‌دارم. این مراسله يك تاريخ جامعی از اغتشاشات تايستان گذشته شیراز است: قنصل ناکس در خاتمه مراسله خودش تصدیق از حسن خدمت مستحفظین سواره و پیاده قنصلگری شیراز نموده و بهمچنین از حسن مساعدت مستر اسمیت نایب رئیس تلگرافخانه هند و اروپا و منشی قنصلگری اظهار رضایت نموده. امیدوارم تصدیق مشارالیه از حسن خدمت مستحفظین سواره و پیاده و از مساعدت مستر اسمیت را مقرر خواهند داشت که به مقامات لازمه خاطر نشان بشود. من نیز در این موقع که مدت خدمت مستر ناکس قریب به منقضی شدن است مغتنماً اظهار کمال رضایت از کمکی که مستر ناکس در مدت کفالت قنصلگری انگلیس به من نموده می‌نمایم خصوصاً از اینکه بیشتر آن مدت اوضاع منقلب و مغشوش بوده.

اعمال او در تمام مدت مزبور با نهایت قابلیت بوده و کاملاً مطبوع واقع شده و تلگرافات و مراسلات او هم حاوی روایات و اخبارات سودمند از اوضاع منقلبه در عرض چندماهه ماضی است.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف در نمره ۳۳۳

مکتوب مستر ناکس قنصل موقتی به سر جارج بارکلی
 شیراز ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۶ شوال ۱۳۲۹ [۲۷ مهر ۱۲۹۰]
 آقا

با کمال افتخار خاطر محترم را مستحضر می‌دارم که پس از شرح معروضه در ۷ سپتامبر در باب کلیه اوضاع فارس وقایع سرعت جریان حاصل نموده و بالاخره منجر به عزل نظام السلطنه و منقضی شدن تحصن ۵ ماهه قوام‌الملک در قنصلگری انگلیس شد.

مستحفظین قشقایی که در اطراف قنصلگری گماشته شده بودند چنانچه در مکتوب ۷ سپتامبر ذکر شده تقریباً در ۷ سپتامبر عده آنها زیاده‌تر شده و جری‌تر هم شده بودند. دائماً مزاحم مستخدمین قنصلگری می‌شدند (یکی از آن مستخدمین را که نشان هم به کلاهش بود و بخوبی شناخته می‌شد سخت زده و لخت کرده بودند و سایرین را چندین ساعت توقیف نموده بودند). مستخدمین تلگرافخانه و سایر اروپاییان را هم همین‌طور اذیتها می‌نمودند.

در این موقع من در باب مزاحمت نوکرهای اتباع خارجه شکایت سخت به نظام السلطنه نمودم و دو روز بعد دسته‌های قشقایی را از آنجا حرکت دادند شاید بنا به تعلیماتی

که از طهران داده شده بود.

مطالبه غرامت مهاجمه‌ای که در این موقع نموده بودم بهیچ وجه مورد اعتنا نگردید.

ضمناً عصر ۷ سپتامبر يك عده کثیری از ایلات عرب و بهارلو در تحت سرکردگی ۹ نفر از رؤسای متنفذ خودشان در حوالی شیراز وارد شده و بعد از مجادله شدیدی با قشقاییان ایالت وارد شهر شده و شرحی به استعداد قنسولگری نوشته اخطار نمودند که برای تقاص قتل نصرالدوله آمده‌اند و از دولت مطالبه تسلیم نمودن نظام السلطنه و سایر محرکین را نموده‌اند و نیز اشعار داشته بودند که اگر برای اجرای این مقصود مجبور به اقدامات قهریه بشوند حفظ جان و مال اروپاییان را بعهدہ خواهند گرفت مشروط بر اینکه اجزاء و اتباع تمام قنسولگریها در يك نقطه جمع بشوند.

من بر طبق دستورالعمل شما جواب دادم که رؤساء باید از چپاول اماکن اتباع انگلیس جلوگیری بنمایند ولی این پیشنهاد آنها که اتباع انگلیس باید در يك نقطه جمع بشوند خارج از موضوع و قبول نشدنی است.

منازعات مختصره در حوالی شیراز اغلب واقع می‌شد تا در ۱۳ سپتامبر نظام السلطنه تمام توپهای دولتی را که عبارت از ۴ عراده توپ اطریشی ۷۵ هیلیمتری کوهستانی و دو عراده توپ قدیمی دهن‌پر بود به نقاط مختلفه بیرون شهر به سمت شمالی فرستاد و تا سه روز قسمت شرقی شهر را بمبارده کردند ولی بدون هیچ نتیجه قابل‌الذکری. در این موقع به تعقیب پیشنهاد کرنل کاکس که اگر قوام‌الملک را به دست رؤسای خمسه‌ای بدهیم محتمل است التیامی در اوضاع حاصل بشود (لیکن بعد از آنکه بدو تلگرافی از قوام به دولت ایران بگیریم مبنی بر اینکه تعهد بنماید با این ایلیاتیان در فاصله بعیدی از شیراز که تیررس نباشد توقف بنماید تا وقتی که خود آنها قراری در باب اوضاع فارس بگذارند). بنا به دستورالعمل شما من با ایالت در این موضوع مذاکره نموده و نظریات او را سؤال نمودم. نظام السلطنه بدون تأمل اظهار عقیده نمود که مادامی که قوام‌الملک در قنسولگری انگلیس محترمانه محصور است خیلی مأمون‌تر از این است که آزاد باشد و يك عده کثیری ایلیاتیان همراه او باشند و اگر آن‌طور نوشته‌ای هم که در نظر است بسپارد هیچ انتظاری نمی‌توان داشت که يك روز هم بتواند بر طبق آن عمل بنماید.

بفاصله مدت خیلی بعد از بمباردگان رئیس‌الوزراء تلگراف خیلی سختی به رئیس قشون مخابره نمود که از مداخله استعداد دولتی در این مخاصمه بکلی ممانعت بنماید. حکم او بی‌اثر ماند و صاحب‌منصبان و تابین نظامی در به کار بردن توپها مداومت نمودند. در عرض این مدت شب و روز شلیک تفنگ از طرفین ممتد بود و در ۱۶ سپتامبر بعد از آنکه بمباردگان قطع شد هر دو دسته به نقاط نزدیکتر آمده و قشقاییان در حمله بردن به نقاط مختلف شهر مجاهدت نمودند ولی از هر طرف که هجوم بردند بعد از تلفات کثیره عقب نشانده شدند.

روز بعد آرامی مختصری ظاهر شده و مجادله قدری تخفیف یافت و تلگرافی از

طرف دولت ایران به اعیان شهر رسید که مبنی بر عزل نظام السلطنه و تعیین رکن الدوله به جای او بود که تا زمان ورود او نیابت حکومت با میرزا حبیب‌الله خان پیشکار مالیه باشد.

در این موقع رئیس‌الوزراء تلگرافی به قوام‌الملک مخایره نموده او را از این ترتیب مخبر نموده بود و دستورالعمل داده بود که نهایت مساعدت را با میرزا حبیب‌الله خان بنماید.

در بدو وصول این خبر نظام السلطنه واضح نمود که برای این انفصال هم مجدداً مدافعه خواهد نمود و بواسطه فرستادن يك عراده توپ کوهستانی و يك عده کثیری سوار نزد صولت‌الدوله که در آن وقت در ۲۵ میلی به طرف شمال شیراز در قریه «بزآ» بود در این عزم خود راه شبه‌ای باقی نگذارد. در همان روز من معاون پیشکار مالیه را ملاقات نمودم و او به من اطلاع داد که میرزا حبیب‌الله خان برای به دست گرفتن عنان نیابت حکومت حاضر است ولی از عداوت صولت‌الدوله خیلی خائف است و حقیقتاً قبل از انقضای ۱۲ ساعت يك دسته قشقایی در تحت حکم یکی از نوکرهای شخصی صولت‌الدوله وارد خانه میرزا حبیب‌الله خان شده او را کتک زده با خود بردند و هر قدر از اموال شخصی و اسناد رسمی او که به دست آنها افتاد غارت کردند. او را به بزآ و بعد از آنجا به فیروزآباد برده و در آنجا قبل از آنکه بگذارند به شیراز مراجعت بنماید يك مبلغ گزافی از او اخذ نمودند و در ۱۹ اکتبر با حالت تکسر از صدماتی که در این سفر به او وارد شده بود مراجعت به شیراز نمود.

در این زمان اوضاع بیشتر از هر وقت منقلب شده بود. بازارها بسته بود و همین قسم باقی ماند تا انتهای نزاع تمام طبقات مردم در بیم و هراس چپاول و غارت شهر بودند و ورود صولت‌الدوله فقط درجه خوف مردم را دو برابر نمود که نسبت به وضع جاریه حق هم داشتند چون با حضور تقریباً ۱۲۰۰ نفر قشقایی مسلح در سنگرهای قسمت تجارتنی شهر یا در اردو در قرب و جوار شهر که با تقریباً ۲۲۰۰ نفر از ایل خمسه و اهل شهر و دهاتیان که در سایر نقاط شهر در سنگر بودند و هر ساعت در مجادله بودند بجز عاقبت غارت شدن شهر انتظار دیگری نمی‌توانستند داشته باشند.

يك اقدامی که بعقیده من در این موقع تا يك درجه محتمل بود اسباب التیام اوضاع بشود این بود که اگر ممکن می‌شد قشقاییان به آرامی از شیراز خارج بشوند در صورتی که با ضعف قوایی که از صولت‌الدوله مشهود گردیده بدلیل کمی عده‌ای که توانسته فراهم بنماید با کمال مسرت می‌توان پیش‌بینی نمود که عربها فایق خواهند شد و هر جدیتی که آنها در خارج نمودن قشقاییان از نقاط باثروت شهر بنمایند بی‌تردید اول ضروری که وارد بیاورد به تجار انگلیس است.

بعلاوه همین عمل دستگیر و جلب نمودن نایب‌الحکومه برای اثبات یاغیگری آشکار صولت‌الدوله نسبت به دولت ایران کافی است و کلیه سبک رفتار او برای جسارت و مخالفت او دلایل واضح است.

لہذا من مصلحت چنان دیدم کہ پیشنهاد بنمایم بہ من اجازہ دادہ بشود کہ بہ او
 اخطار بنمایم اگر او و متابعینش از حول و حوش شہر دور نشوند و حکومت مرکزی
 را بہ حال خود نگذارند کہ بتوانند بہر نحوی مقتضی می‌دانند اعادہ نظم را در فارس
 مستقر بدارند دولت انگلیس فوراً برای حفظ منافع خود اقدامات خواهد نمود.

در همان روز شرحی بہ صولت الدولہ نوشتہ مبنی بر اینکه از طرف وزیرمختار
 دولت متبوعہ من بہ من تعلیمات دادہ شدہ کہ بہ شما اطلاع بدہم کہ حضور شما و
 طایفہ شما در شیراز فقط تولید اغتشاش می‌نماید و ہرگاہ بواسطہ وارد شدن صدمہ
 جانی و مالی بہ اتباع انگلیس مداخلہ ما لازم بشود تمام تحمیلات بہ گردن شما وارد
 خواهد آمد.

بعد از مدتی تأخیر جواب داد کہ من برای استقرار نظم بہ شیراز آمدہ ام و محافظت
 اتباع انگلیس را منظور خواہم داشت و ضمناً خواہش نمودہ بود کہ در آتیہ مکاتبات
 رسمی را بہ توسط کارگذار [= کارگزار] با او بنمایم.

در این ضمن در ۱۹ سپتامبر رئیس الوزراء تلگرافی بہ قوام الملک مخابرہ نمودہ و
 بہ او دستور العمل دادہ بود حتی القوہ سعی بکند کہ از تحریکات نظام السلطنہ جلوگیری
 بنماید و اعلانی ہم در این موضوع در شہر منتشر بنماید. بعد از آنکہ در باب عمل
 نمودن قوام الملک بر طبق تلگراف مزبور، مادامی کہ در قنسولخانہ است، من از شما
 تحصیل اجازہ نمودم مشارالیه شرح تلگراف را نزد پسر خود فرستادہ کہ طبع و نشر
 بنماید. متعاقب این تلگراف یک تلگراف دیگری رسید کہ صمصام السلطنہ سؤال نمودہ
 بود آیا قوام الملک برای کفالت امور فارس حاضر است یا خیر و اگر ضیغم الدولہ بہ
 ایلخانی گری قشقایی منصوب بشود امید ہمراہی و معیت ایلات را با او می‌توان
 داشت یا خیر؟ و نیز اشعار داشتہ بود کہ اگر قوام الملک این ترتیب را اجراء شدنی
 تصور ننماید فرمانفرما بہ ایالت منصوب خواهد شد. قوام الملک جواب داد کہ بہ معیت
 ایلات خمسہ اعتماد کامل می‌توان داشت و قشقایی‌ها ہم برقرار شدن ضیغم الدولہ را
 استقبال خواہند نمود. باضافہ معزئی‌الیہ پیشنهاد نمود کہ دولت ایران اخطار خیلی
 متشددی برای خروج صولت الدولہ بنماید.

بفاصلہ مدت قلیلی بعد از این، تعیین فرمانفرما بہ ایالت را خبر دادند. از این
 اقدام ظاہراً دولت ایران امیدوار بودند کہ از دوستی مابین صولت الدولہ و فرمانفرما
 انتفاعی حاصل نمودہ و مابین صولت الدولہ و نظام السلطنہ را تفریق بنمایند.

در ۲۲ سپتامبر صولت الدولہ اعلانی منتشر نمود مبنی بر اینکه او در صدد خارج
 نمودن اعراب از شیراز است و چون در داخل شہر بہ آنها حملہ خواہد نمود ہر
 صاحبخانہ‌ای کہ از راہ دادن قشقاییان بہ خانہ خودش امتناع بنماید برای ہر نوع
 خسارتی کہ از دخول قہری آنها بہ منزل او وارد بشود کاملاً مسئول خواہد بود.

فقط اقدامی کہ در این موضوع نمودند این بود کہ قشقاییان بہ یک محلہ‌ای کہ
 بکلی بی طرف بودند حملہ نمودہ و در آنجا یک عدہ خانہ را غارت بلکہ منہدم نمودند.
 بفاصلہ چند ساعتی اعراب در آنجا بہ قشقاییان هجوم نمودہ و بعد از یک روز تمام

جنگ سخت قشقاییان را با تلفات کثیره عقب نشانده.

پس از این منازعه ایلخانی وضع خود را در حالت ضعف و فتور دیده به تجار ایرانی اخطار نمود که او از محافظت راه بوشهر استعفاء داده بلکه ظاهراً از این معنی مقصودش این بود که چنانچه سابقاً مرسوم بوده تجار را مجبور بکند مجدداً از او استغاثه بنمایند که در حفظ منافع آنها قیام بنماید. در این موقع هم تدبیر او مودمند نگردیده بالاخره در صدد این برآمد که جبراً از تجار تلگرافات در تمجید و توصیف از خدمات غیرنافعه خودش به حکومت مرکزی صادر بنماید. ولی سایرین با مخابره از سیم انگلیس این تلگرافات را تکذیب نمودند. بهرحال بر همه واضح است که در آن زمان وضع صولتالدوله به قسمی نبود که بتواند تأمین طرقتی و عبور و مرور را عهده بنماید. مجملات صولتالدوله از تصورات سابقه خود در همراه نمودن دسته تجار با خویش، بکلی صرف نظر نمود و جداً مشغول اخاذی از آنها شد حتی در بعضی موارد بقوه قهریه بعنوان اینکه آنها باید مصارف سوارهایی که او برای استقرار نظم در شیراز همراه خود آورده متحمل بشوند در صورتی که در همان حین آن سوارها با کمال بی پروایی در خارج شهر مشغول غارت اموال مردم بودند.

در همان اوقات لفتننت ویلسن را که بتازگی مأمور قنسولگری انگلیس در محمره شده بود و به شیراز می آمد یک دسته قشقایی در ۱۲ میلی شیراز لخت نمودند. خبر آمدن مشارالیه به شیراز خیلی دیر به من رسید و بنا بر اغتشاش عمومی من نهایت سعی را نمودم که تهیه یک عده مستحفظی برای او بنمایم یا اقلاً به او اطلاع بدهم که حرکت ننماید تا مستحفظ به او برسد ولی از مساعی من ثمری حاصل نشد و در پل فسا او با یک عده اشخاص مسلح مصادف شده که تمام ملزومات شخصی او را غارت نموده خود او را هم از اسب پایین کشیده ملبوس او را پاره نموده و بالجمله نهایت بدسلوکی را با او نموده بودند.

پس از آن ایلیاتیان در یک دهی در آن نزدیکی یک شبانه روز او را نگاه داشته و خودشان مشغول اعمال فضیحه و چپاول شده هر چیزی که به دست آنها افتاده بود به غارت برده و دهاتیان را با نهایت وحشیگری صدمه زده بودند. در این هنگام به صولتالدوله مراجعه شد و بالاخره امر نمود اموال او را مسترد نموده و خودش را هم تا قنسولگری بدرقه نمودند و عاقبت به سلامت وارد شد.

در ضمن اوضاع شیراز یوماً فیوماً متزلزل تر می شد. سبک رفتار صولتالدوله و اتباع او تخویف کننده بود. به اغلبی از اعیان شهر تهدیدات آشکار در مهاجمه و چپاول منازل آنها می شد. مجادله دائمی بدون انقطاع جاری بود و اخطارات متواتره از محلهای مختلف به من می رسید که عنقریب حمله ای به قنسولخانه هم خواهد شد. قشقاییان که آزادانه از این احتمال مذاکره می نمودند.

در این وقت تقاضاهای مکرره از منچستر و بمبئی برای حراست اتباع انگلیس و تجارتخانه های انگلیس از من می شد بهمچنین از طرف نماینده های محلی آنها و از طرف اتباع ایران از هر طبقه حتی حاکم بوشهر با نهایت نگرانی درخواست

محافظت فامیل خودش را که در شیراز بودند نمود.

کارگذار [= کارگزار] در جواب مراسله من که استفسار نموده بودم که دولت ایران چه اقدامی برای محافظت جان و مال اتباع انگلیس در نظر دارند نوشته بود که ایالت منفصل بکلی از مداخله در امور ایالتی امتناع دارد و نایب‌الایاله جدید هم از شیراز خارج شده و خود او هم از طرفیت مستقیم با رؤسای ایلات در این‌طور مسائل احتراز می‌نماید.

دو روز بعد از آنکه شرح این مراسله را به سمع شما رسانیده بودم کارگذار [= کارگزار] يك عده قلیلی از سربازان ایرانی مندرس را جمع نموده و آنها را به اسم مستحفظ در اماکن مختلفه اتباع انگلیس متفرق نمود.

این سربازها هم بعد از اندک مدتی سعی نمودند که از صاحبخانه‌هایی که خود را مستحفظ آنها می‌دانستند فوق‌العاده بگیرند و اظهار نمودند چند ماه است حقوق نگرفته‌اند و از شیراز رفتند.

در این موقع من به اتباع انگلیس و به نماینده‌های واقعی تجارتخانه‌های انگلیس که توانستند من را اقناع بنمایند که حقیقتاً مال‌التجاره انگلیسان در اماکن آنها هست بیرق تقسیم نمودم.

این اقدام با مقتضیات کنونی و وضع جاریه البته مکفی نخواهد بود چونکه پر واضح است که يك گله ایلیاتی که بسیاری از آنها شاید هرگز يك نفر اروپایی را هم ندیده‌اند همینکه دست به غارت عمومی بکشایند ملاحظه ترتیبات بین‌المللی یا خوف جبران عاقبتی، آنها را ممانعت از عمل خودشان نخواهد نمود و نظر به فقدان قدرت مأمورین محلی که حتی نمی‌توانند يك جدیت اساسی هم در محافظت جان و مال اتباع خارجه بنمایند من هیچ شق دیگری جز این نمی‌توانم فرض بنمایم که از طرف دولت انگلیس به صولت‌الدوله اخطار بشود که فوراً از اینجا خارج بشود ولی يك اقدام کافی برای حفظ منافع انگلیس باید بشود.

در عرض این چند روزه جنگ بدون هیچ سکنه امتداد داشت و نتیجه آن شکست متواتره قشقاییان بود و در ۲۹ سپتامبر قریب ۱۵۰۰ نفر عرب به امداد همسران خود از معابر گذشته به مقامات دسته مخالف در طرف شمالی شهر حمله بردند و آن محل‌ها را بدون تصادف با تلفات قابل‌الذکری از دشمن تخلیه و تصاحب نموده و از قشقاییان منهزم عده کثیری مقتول نمودند و بالاخره وارد شیراز شده و در محله‌های شرقی شهر به رفقای خود ملحق شدند که عده ایلیاتیان در آن قسمت شهر بالغ بر ۳۰۰۰ نفر شد.

در این موقع که فتح عاقبتی خمسه‌ای‌ها متحتم گردیده بود (و حقیقتاً کار صولت‌الدوله بجایی رسیده بود که یکی از منسوبان خود و رسولهای دیگر را برای طرح آشتی نزد قوام بفرستد) من به رؤسای ایلات خمسه شرحی نوشته و صورت خانه‌هایی را که اتباع انگلیس در آنها سکنا دارند و اماکنی را که مخصوص تجارت و مشاغل آنها است فرستاده و توضیح نمودم که در صورت لزوم باید نهایت احتیاط به عمل

بباید که محل‌های مزبور مأمون و محفوظ بماند.

در سوم اکتبر وقتی که جدال عمومی هنوز در کار بود من به صولت‌الدوله نوشتم که به من تعلیمات داده شده که به او اخطار بنمایم اگر سریعاً جمعیت خود را بر ندارد و از حوالی شهر نرود وزیرمختار دولت متبوعه من از دولت خود درخواست خواهد نمود که اقدامات عاجل در حفظ منافع انگلیس بنمایند. در ضمن به رؤسای ایل خمسه هم اخطار نمودم که هرگاه خسارتی به جان و مال اتباع انگلیس وارد بباید وزیرمختار دولت متبوعه من از دولت خود درخواست خواهد نمود که اقدامات لازمه را برای دریافت غرامت آن از آنها به عمل بیاورند. رؤسای مزبور در جواب مراسله من نوشته بودند که حتی القوه سعی خواهند نمود که اروپاییان را محفوظ بدارند و سواد تلگرافی را هم که رئیس‌الوزراء به آنها مخایره نموده بود که آنها باید در شیراز توقف بنمایند و به خدمتگزاری ایالت قیام بنمایند لفاً ارسال داشته بودند. از صولت‌الدوله جوابی به من نرسید و دو روز بعد از آن پنهان او و نظام‌السلطنه در تحت حفاظت يك عده کثیری سوار از شهر خارج شد.

مقارن همین ایام بود که قوام‌الملک يك نوشته‌ای را که صولت‌الدوله قبلاً امضاء نموده بود مهر نمود و آن نوشته مبنی بر این بود که کلیه اموال منسوبه به توسط طرفین باید مسترد بگردد و طرفین باید فوراً استعداد خود را از شهر خارج نمایند و هر حاکمی را که دولت ایران تعیین بنماید طرفین قبول بنمایند و صولت‌الدوله باید در محافظت راه بوشهر مداومت بنماید. لازم به اظهار نیست که به این قرارداد هیچ وقتی نگذاردند و شرایط آن را تکمیل ننمودند و قوام‌الملک بحدی آن را معتنا [معتنابه] فرض نمی‌نمود که حتی سواد آن را هم بر نداشت.

قصد صولت‌الدوله از این بازیچه (به قسمی که رسوله‌های خودش علناً تصریح نمودند) این بوده که به این واسطه از وقوع اختلال بین قامیل و منسوبان خود بجهت این مغلوبیت جلوگیری نموده باشد و در ماده قوام‌الملک اگر فرض بشود که مقصود او از تزدادن به این قرارداد اثبات صمیمیت خودش در آسایش نوع بوده چندان بی‌مبنی نیست چون کلیتاً برای شخص او انتفاعی نداشته و برای اهالی شیراز نافع بوده.

همان روز غروب صمصام‌السلطنه تلگرافی به قوام‌الملک مخایره نمود که مشعر بر تعیین احتمالی علاءالدوله به ایالت و تفویض ایلخانی‌گری قشقایی به ضیغم‌الدوله بود و ضمناً اظهار نموده بود که علاءالدوله بدون حاصل نمودن اطمینان از معیت قوام قبول ایالت را نمی‌نماید.

همینکه قوام‌الملک این مسئله را موضوع بحث قرار داد به من اظهار نمود که تا عموم رؤسای خمسه هم قسم نشوند که به این اتحاد منظوره تقویت کامل بنمایند و تا از طرف من به او قول داده نشود که در صورت تفویض نیابت حکومت به او، دولت انگلیس با او همراهی خواهد نمود نمی‌تواند جواب کافی به این تلگراف بدهد.

من بموجب دستوری که داشتم به او جواب دادم که اگر او رسماً به نیابت حکومت منصوب بشود می‌تواند دولت انگلیس را با خود همراه و مساعد بداند.

روز بعد نظام السلطنه و صولت الدوله از شیراز حرکت نموده و شب را در ۶ میلی شیراز اردو زدند و صولت الدوله علناً اظهار داشته بود که در راه بوشهر اغتشاشی برپا خواهد نمود که تا حال مشابه آن دیده نشده باشد. بی شک می توان از يك بابت اخطار ما را باعث حرکت او فرض کرد ولی از يك بابت که بیشتر احتمال می رود این است که چون همراهان او متدرجاً از دور او متفرق می شدند و با اینکه موقع کوچ به قشلاق در پیش بود این عمل بیشتر تعقیب می شد و نگاهداری از آنها برای او خالی از اشکال نمی بود، معزی الیه سبقت نموده و بواسطه حرکت خودش از وقوع تزلزل بین آنها جلوگیری نمود.

در همان شب رئیس الوزراء و وزیر داخله تلگرافی به قوام الملک مخبره نموده او را به سمت نیابت حکومت اختیار تامه دادند و به او اطلاع دادند که ۵۰ هزار تومان اعتبار در بانک شاهنشاهی ایران به او داده اند که يك عده سوار خمسه ای تا زمان ورود ایالت نگاه دارد. قوام الملک از قبول این امر خیلی منزجر بود و کراراً برای من تصریح نموده بود که بدون توسل به اقدامات مجدانه نمی شود تمشیت کامل مستقر داشت و از مبادی تحریکات جلوگیری نمود و اگر بخواهد این عمل را مجری بدارد عموماً بر این عقیده خواهند شد که این اقدامات علائم انتقام شخصی است. بنابراین قبل از وصول این تلگرافات او به دولت ایران تلگراف نموده و اصرار کرده بود که اگرچه مدیر السلطنه شخصاً شیرازی است ولی در عرض این چند ماهه بکلی خود را بیطرف قرار داده و شخص پلتیک دانی است و برای اداره نمودن امور ایالتی که به خودش تفویض شده او خیلی مناسب تر است.

روز بعد قوام الملک رأی خود را به خروج از قنسولگری قرار داد و يك ازدحام کثیری از همان اهل شهر که در ۵ ماه قبل برای ریختن خون او اجماع نموده و فریاد و فغان می کردند در خارج قنسولگری برای استقبال او جمع شده بودند.

به فاصله وقت کمی قریب دو هزار نفر از ایللیاتیان خمسه ای هم با تمام رؤسای خودشان به آنها ملحق شدند. انتظام الممالک (که حالا نصرالدوله است) و اسعد السلطنه ایلخانی سابق قشقایی هم حاضر شدند. پس از آن رؤسای مزبور يك آمدند که اظهار انقیاد به قوام الملک بنمایند و در برابر او به زانو درآمده دست و زانوی او را می بوسیدند. بعد از اتمام این عمل معزی الیه آنها را مخاطب ساخته شرح مفصلی عنوان نمود مبنی بر اینکه تاکنون در هیچ تاریخی ثبت نشده که يك همچو عده ای برای حفظ قانون و نظم در اینجا جمع شده باشند و امیدوار است که پس از حصول این تجربه بیشتر از پیش در خدمتگزاری و جانفشانی برای نظم و اتحاد با یکدیگر خواهند کوشید.

در جواب بیانات او اظهار کمال فدویت نموده و در خدمتگزاری به دولت و خود معزی الیه اطمینان دادند.

پس از آن قوام الملک امر نمود که ایللیاتیان به دو قسمت منقسم بشوند و خودش و پسرش از طرق مختلف حرکت نمودند.

این احتیاط صحیحی بود که او نمود چون چند دقیقه بعد از خروج او از قنسولخانه صدای شلیک شدیدی بلند شد که از سنگرهای ده بزرگ که یکی از محال واقع به طرف شمال شیراز است و یکی از دشمنان قدیم قوام علی اکبر خوردل با ۸۰ نفر در آنجا در کمین او بودند دفعتاً به طرف قوام شلیک نموده بودند.

در این شلیک ۵ نفر از سوارهای عرب مقتول و قریب ۱۲ نفر مجروح شدند که یکی از آنها بفاصله یک ذرع از قوام الملك تیر خورده بود. او سر خود را عقب کشیده بود و گلوله با او مصادف نشده بود و با نهایت جدیت مشایعین خود را که قریب ۱۵۰۰ نفر بودند از هجوم به ده بزرگ ممانعت نموده بود والا نتیجه آن، غارت تمام بازار که مستقیماً با محل مزبور اتصال دارد می شد.

ایلیاتیان مزبور بالاخره به متواری نمودن سیصد چهارصد نفر شتر که در آن حوالی به چرا مشغول بودند خود را متسلی نمودند ولی این عده شتر برای حمل مقدار کثیری مال التجاره که در یک کاروانسرای در آن نزدیکی دسته شده بود تهیه شده بود. این مال التجاره تقریباً بالتمام متعلق به اتباع انگلیس بود و علی اکبر یقین داشت که بواسطه بودن آن متاع در آنجا خودش از مهاجمه مناصمین محروس خواهد ماند. بهر حال با تحمل زحمات بسیار مال التجاره مزبور از یک همچو محل خطرناکی حرکت داده شد و یک عده از شترها را قوام الملك پیدا کرده و مسترد داشت ولی قریب ۱۵۰ نفر از آن هنوز مفقودالثر است و یحتمل همین قسم بماند.

خود علی اکبر سالماً عزیمت نموده که در فیروزآباد به صولت الدوله ملحق بشود. علی الظاهر مقدمات این حادثه کاملاً ترتیب داده شده بود چون از قرار اطلاعاتی که من تحصیل نمودم دو دسته تفنگچی دیگر هم از طرف مخالفین در راههایی که تصور می نمودند قوام هنگام عزیمت از قنسولخانه به طرف منزلش از آنجاها عبور خواهد نمود گماشته شده بودند.

در همان روز شروع به آنتریگه های مشابه به تحریکات پاییز ماضی شد که منجر به غارت محله یهودیان گردید و بعضی از رؤسای یهودیان با نهایت هراس و تزلزل نزد من آمده اطلاع دادند که یک زن مسلمانی که دستگیر شده یک جلد قرآن برده در محله یهودیان در چاه فاضل آب انداخته و اظهار نمودند که این عمل به تحریک نصیرالملك واقع شده. من فوراً به قوام الملك نوشتم که این مسئله به من رجوع شده و تأکید نمودم نهایت توجه و مراقبت را در وارد نشدن صدمه و زحمت به اهالی غیرمسلمان به عمل بیاورد.

او در جواب نوشته بود که ضعیفه مرتکبه را دستگیر نموده و اطمینان داده بود که خوشبختانه مسئله خیلی زود کشف شده و اسباب بروز نتایج غیرمرضیه نخواهد شد. از قراری که به من خبر رسیده مبالغه گزافی پول به نصیرالملك و عطاءالدوله رسیده و از قرائن همچو مستفاد می شود که این آنتریگه های مخفی که متدرجاً به ظهور می رسد منتهی به یک آشوبی قبل از ورود ایالت جدید بشود.

در این موقع تعیین علاءالدوله به فرمانفرمایی رسماً اعلان شد و متعاقب آن منصوب

شدن ضیغم الدوله (که ملقب به سردار احتشام شده) به ایلخانی‌گری قشقایی و صولت السلطنه به ایل بیگی‌گری اشاعه یافت. نظام السلطنه هم از حوالی شیراز به طرف املاک خودش عزیمت نموده و در خشت اقامت نموده و صولت الدوله بعد از يك هفته توقف در حوالی جره که کاملاً از گزارش اوضاع و وقوع تعلیمات خودش مستحضر بشود به طرف فیروزآباد حرکت نموده و الحال وارد آنجا شده.

در ضمن ایلیاتیان که به طرف قشلاق در حرکتند بیش از هر وقت مشغول اعمال خودسرانه هستند و در ۱۱ اکتبر تمام سیمهای تلگراف به بوشهر را مقطوع نمودند. این خسارت وارده به سیمها بکلی خودسرانه و بی‌باکانه بوده سیمهای طولانی از تیرها پایین کشیده و قطعه‌قطعه شده.

۴ نفر غلام تلگراف که بدفعات مختلف برای امتحان خرابی سیم فرستاده شده مادامی که هنوز در نزدیکی شهر بوده‌اند بکلی لختشان کرده و تمام آلات کار آنها و تلفن نقاله آنها را به سرقت برده‌اند. صولت السلطنه که اسماً به سرپرستی ایلات مهاجر منصوب است یا بی‌میل بود یا نمی‌توانست تهیه مستحفظ برای عملجات و کارگران زیر سیم بنماید فقط در ۱۹ اکتبر بعد از ۱۰ روز خرابی کلی سیم، يك تعمیر مختصری شده که از سه رشته سیم يك رشته به‌کار افتاده. وضع جاده هم [که] روز بروز مغشوش‌تر می‌شد تا حالا بکلی تردد در آن قطع شده.

در عرض سه ماهه ماضی سرقتهای متعدد از يك بار دو بار مال‌التجاره انگلیس در جاده بوشهر واقع شده (در يك وهله معادل ۴۰۰ لیره تریاک به سرقت رفته) و در اواخر سپتامبر نظر به اهمیت اوضاع شیراز و احاطه کامل پلتيك ظلمانی ایلیاتی من هم روش تجار ایرانی اینجا را تعقیب نموده و سفارش نمودم به تجارتخانه‌های خودمان در بوشهر دستورالعمل داده شود که حمل مال‌التجاره را موقوف بدارند.

در جاده شمالی تقریباً در عرض ۱۰ هفته يك قافله بسیار زیادی تهیه شده و در غره سپتامبر از طریق سرحد برای اصفهان حرکت نموده و بعد از پرداخت مبلغ گزاف به مستحفظین قشقایی سالمأ به اصفهان رسیدند. از آن تاریخ بواسطه کوچ نمودن ایلات از بیلاق جاده شمالی هم بکلی مسدودالعبور شده و جاده خط تلگراف بحدی مغشوش بوده که قوافل جرئت حرکت از شیراز را ننموده‌اند.

این رویه اوضاع بالاخره منجر به يك سرقت عمده در حدود شمالی فارس شد که در ۱۲ اکتبر يك قافله‌ای که مرکب از ۷۰۰ قاطر حامل شمع و تریاک متعلق به اتباع انگلیس از اصفهان به شیراز بوده چنانچه تا حال مکشوف گردیده با سارقین کهکلوئی [کهگیلویه‌ای] مصادف شده و اموال مزبور را بکلی سرقت نموده‌اند.

در همان ایام میس رس يك خانم دکتر انگلیسی را که بستگی به هیچ هیئت مذهبی یا غیره ندارد و بالمشخصه کار می‌کند لخت نموده تمام دارایی او را سرقت نموده کتک بسیار به او زده سر و پای برهنه، او را رها نمودند که مجبوراً پیاده خود را به آباده رسانیده. هنوز خانم مزبور در آنجا منتظر موقعی است که امنیت در جاده حاصل بشود و به شیراز بیاید و چون تمام آلات و ادویه او را سرقت نموده‌اند متأسفانه نمی‌تواند

در همانجا هم مشغول طبابت بشود.

چند روز بعد نزدیک همان نقطه يك دسته سرباز ایرانی که ۳۰۰ نفر بودند از بقیه قشون سیار فارس که بی‌موجب و نیمه برهنه از شیراز حرکت نموده بودند با حملات سارقین مصادف شده و بنا به خبری که به من رسیده ۱۰ نفر مقتول و ۲۰ نفر از آنها مجروح شده‌اند. بعقیده من در این دو فقره حملات مشهود می‌گردد که درجه سببیت و بی‌پروایی این ایللیاتیان حالا به چه پایه رسیده است.

در موضوع خانم رس شغل او يك نوع پیشه‌ای است که تا حال همیشه در تمام نقاط این مملکت يك تذکره عبور بقاعده‌ای بوده؛ قشون دولتی هم که در عرض سنوات ماضیه همیشه بحدی مفلوک بوده‌اند که واجب‌الرعايه بودند خصوصاً در مقابل سارقین مسلح و مکمل، این بیچاره‌های بی‌اسلحه و ملبوس نوعاً باید حقیر شمرده بشوند و صرف نظر از آنها بشود.

وضع شیراز به نحوی است که بهیچ وجه اطمینان بخش نیست. وضع طرق و شوارع هم که بیش از هر وقت منقلب و مغشوش است کلیتاً هرج و مرج عمومی در تمام این خطه به درجه‌ای رسیده که نمی‌توان در طهران آن را مطرح نمود. بی‌اعتنائی کلیه دوائر مرکزی و نماینده‌های آنها که من در راپورت سابق خودم شرح کشافی نقل نموده‌ام پیوسته در تزايد است خصوصاً بعد از حوادث جدید.

تلفات در شیراز در عرض منازعه تابستان ماضی بنا به روایات موثقه به ۴۶۰ نفر رسیده. در عرض ماه ژوئیه و او [اوت] و سپتامبر متجاوز از ۲۰۰ زخم گلوله و ۳۰۰ جراحی از غیر گلوله را دکتر وولت و معاونش عمل نموده‌اند که در اغلب اوقات فرصت معالجه آنها را نداشتند.

يك همچو تلفاتی را که اگر حافظه من به اشتباه نرفته باشد دو برابر تلفات در تمام جدال سنه ۱۹۰۹ در طهران و اطراف آن است و نتایج سوئی که از آن حادث شده و اوضاع فارس را دگرگون نموده اقدامات خیلی مجدانه و کافی باید علاج بنماید.

يك مسئله دیگر که عقاید محلی متوجه به آن است و خیلی اهمیت به آن قرار می‌دهند این است که این بمباردمان بی‌اثری که در شیراز شد ابهت حکومت مرکزی و عقاید کمپنه‌پرستی را که ایللیاتیان به قوای دولت و توپخانه او داشتند و يك نوع تهدیدی در اذهان آنها بود بکلی معدوم نمود. از طرف دیگر بواسطه مقدار کثیری غله که در مزارع و قراء غارت و تلف شده و کشت و زرع نشدن در محال بیلاقی بواسطه شدت پرودت هوا در زمستان ماضی، احتمال کلی می‌رود که عنقریب بروز قحطی بشود.

باضافه مسئله پولی جانب اهمیت شده ۸۰ هزار تومانی که از فوریه گذشته دائماً اظهار می‌شد که حکومت مرکزی برای مخارج یکساله اول ژاندارمه ژنرال‌مالتا فرستاده است هنوز به شیراز نرسیده و ۵۰ هزار تومانی که قبل از خروج قوام‌الملک از قنسولخانه وعده دادند برای نگاهداری يك عده سواری که خیلی لازم بود پردازند

هنوز صحت حاصل ننموده و يك عده قلیلی قشون منظم که هنوز عزیمت ننموده‌اند نه ماه جیره و مواجب طلبکار هستند.

پس از سه ماه اغتشاش کامل که دولت ایران هیچ اقدامی در جلوگیری از آن ننموده‌اند ظاهراً بالاخره رأیشان بر این قرار گرفته که علاءالدوله و ضیغم‌الدوله را به فارس بفرستند آن هم نه قبل از تجربیات دیگر.

در اوایل ماه ژوئن ماضی من اظهار عقیده نمودم که يك همچو اقدامی احتمال کلی دارد اسباب امیدواری به بهبودی اوضاع بشود. در آن وقت همه نوع امیدی بود که يك همچو تغییری را بدون اشکالات بتوان مجری داشت. کلیه اهالی باستانی صولت‌الدوله و اقوامش از قدیم‌الایام علاءالدوله را بعد از ظل‌السلطان اول شخص شناخته‌اند که بتواند از عهده حکومت فارس برآید. آن وقت ضیغم‌الدوله در اصفهان بود و طوایف قشقایی هم خیلی نزدیک و اگر به خاطر بیاوریم به چه نوع وجد و اشتیاقی در زمان تعیین ظفرالسلطنه يك سال قبل به حکومت آنها دور (ضیغم‌الدوله) جمع شده بودند هیچ جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که با يك تقویت اسمی دولت ایران، او می‌توانست به تمام ایل احاطه و استیلا حاصل نموده و اشخاصی را که مقتضی می‌دانست به کلانتری آنها بگمارد.

حالا بکلی مسئله برخلاف است و برای او خیلی مشکل است که بتواند نزدیک ایل هم برسد شاید تا دو ماه بعد از انفصال صولت‌الدوله هم نتواند مقامات جزء را که حالا اشخاص برای آن مقامات تعیین شده در تحت سلطه خود بیاورد. بعلاوه ممکن است اغلب از کلانتران مخالف میل او باشند و مدعی او، آنها را گماشته باشد که هزار نوع تحریکات به ضد او نموده و طبقات ایل را به ضیغم بشورانند.

با وجود این اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که این عمل حالا آن اثری را داشته باشد که قبل از بروز اغتشاش عمومی می‌داشت مع ذلك اسباب امیدواری هست که اقلاً بواسطه خروج موقتی صولت‌الدوله از میدان پلتیک فارس، يك نتیجه‌ای حاصل بشود که من آن را يك نوع عطیه آسمانی غیر محدودی می‌دانم.

در عرض ۱۸ ماهه ماضی، هم من و هم قایم‌مقام سابق من، برای این تصور دلایل کافی داریم که منشأ عمده اغتشاش و شورش در فارس صولت‌الدوله بوده و شدت طمع و خودپسندی او باعث تهدیدات بسیار شده و اطمینانها و خودستاییهای مکرر او به دولت انگلیس برای تجارت ما بکلی بی‌مغز و لغو بوده. در عرض واقعات تابستان ماضی این مفهومات کاملاً درك شده که متدرجاً در صدد یاغیگری علنی به ضد دولت برآمد و دهات را بکلی غارت نمود و سواران او خودسرانه سیمهای تلگراف را مقطوع نمودند. از طرف دیگر اصراری دارند که صولت‌الدوله برای تجارت انگلیس مساعدت دارد و انفصال او باعث افتتاح طرق اتساع نفوذ بختیاری در خط فارس و عربستان خواهد شد که چندان مطلوب نیست. اولاً عقیده شخصی من بر این است که هر رئیسی که کمترین تسلط را به قشقایی داشته باشد می‌تواند به طریق اکمل امنیت را در راه بوشهر مستقر بدارد (بجز در مقابل حملات شدید)

بویراحمدها که غالباً در اوایل زمستان واقع می‌شود و با بودن صولت‌الدوله هم چندان تفاوتی با سابق نداشته) - بدون لزوم هیچ نوع تحریفی در حمل و نقل یا امورات پلتیکی که ایلخانی سابقاً در مراقبت آن خود را مستغنی می‌دانست. و نیز لازم است ذکر بنماییم که در بابت اموال مسروقه در ایام مسئولیت او هیچ مبلغ معتناهی متناسباً از بابت غرامت آنها به توسط او وصول نشده.

يك نکته قابل‌الذکر دیگری هم هست که يك فقره سرقتی که امسال تابستان در راه سرحد اتفاق افتاده که بکلی در خاک قشقای بود سرقت يك جعبه ۱۵۰۰ تومانی پول بانک شاهنشاهی بود که در چند صد ذرع فاصله از چادر خود صولت‌الدوله سرقت نمودند.

منشأ اعتبارات او بمنزله يك حافظ تجارت بودن ظاهراً از این رو است که رئیس قشقای و مستحفظ طرق در عوض حفظ تجارت بیشتر در صدد اغتشاش تجارت بود که بعنوان سد نمودن طرق حمل و نقل تجار را تهدید نموده و پلتیکا^۲ و نقداً از آنها انتفاع حاصل می‌نمود.

در خصوص این مسئله که انفصال صولت‌الدوله باعث تولید عداوتی بین علاءالدوله و ضیغم‌الدوله و قوام‌الملک با قشقای و تشدید منافع بختیاری خواهد شد از آنچه من از امورات ایلپاتی فارس درک نموده‌ام این مبنا که يك عداوت طایفه‌ای بین بختیاری (که نماینده آنها در فارس قوامیها هستند) و قشقای موجود است بکلی بی‌اساس است. تا اندازه‌ای که بر من معلوم شده يك عده معین از خوانین بختیاری بی‌شک عداوت مغلظه شخصی با صولت‌الدوله دارند.

این عداوت که بهیچوجه مستور نیست ظاهراً جدیدالبنی است و مورث تعجب نیست که بختیاریان با اعتباراتی که در مؤسین نیکوی مشروطه‌بودن دارا هستند باید با يك همسایه خودشان که مؤسس يك حکومت دیکتاتوری در فارس شده مخالف باشند. فقدان عداوت واقعی بین طوایف بعقیده من مسلم است و محتاج بحث نیست چونکه در عرض چند ماهه ماضی که قشقایان در حدود بیلاقی خود متوقف بودند بهیچوجه در صدد این برنامه برنیامدند که به خاک بختیاری دست‌برد بزنند در صورتی که هرکس می‌داند بواسطه اعزام مردان جنگی بختیاری به طرف شمال چندین ماه خاک آنها بی‌مستحفظ مانده بود.

اختلافات بین قوامیها و قشقایها هم بیشتر عداوت شخصی است که فقط از زمان صولت‌الدوله ظاهر شده. بعلاوه قوام‌الملک شخصاً با هر سه برادر صولت‌الدوله که ضیغم‌الدوله و صولت‌السلطنه و علی‌خان حشمت‌السلطان هستند کمال دوستی را دارد. بهمچنین با اغلبی از خوانین پیشقدم آنها از قبیل محمدعلی‌خان کشکولی و احمدخان شش‌بلوکی و قشقایان کلیتاً هیچ‌چیز بجز دوستی و روابط حسنه با طوایف خمسه نداشتند.

(۱) اصل: سابتی. - م.

(۲) چنین است در اصل. - م.

بنابراین معلوم می‌شود با وجود يك ایلخانی که هرگز همسایه‌های خود را به طریق صلح آمیز و مسالمت دعوت ننموده باید همچو انتظاری هم باشد. بدبختانه با به هم خوردگی و انقلاب جدید همه طبقات در فارس کسی نباید همچو امیدی را داشته باشد که این طور نتیجه حاصل بشود.

خسارتهای فوق‌العاده‌ای که در شیراز در عرض این جدال وارد شده احتمال کلی دارد بحدی تولید عداوت منتقمانه نموده باشد که اثرات آن سالها در میان طوایف باقی بماند. ضمناً در آتیه نفوذ حکومت مرکزی همچو اثری را نخواهد داشت که يك رئیس بتواند ایلات را بحد کافی در تحت اطاعت خود بیاورد خصوصاً مادامی که خوانین جزء مشاهده نموده‌اند که سلطه شخصی تا چه پایه و مایه خواهد رسید، بسهولت زیر بار انقیاد و اطاعت رئیس دیگری نخواهند رفت.

از قرار اطلاعاتی که من در ضمن حوادث واقعه در اینجا در عرض ۶ ماهه ماضی حاصل نموده‌ام محل شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که ایران بدون تقویت نمی‌تواند موفقانه این طور اوضاعی را که در فارس به اهمیت حالیه است بطریق اکملی اصلاح بنماید. کسی نمی‌تواند بسهولت از خاطر محو بنماید که در يك سال قبل دولت ایران در جواب دولت انگلیس در باب ناامنی طرق جنوب ایران با چه صدایی در شیپورها نواخت که نظام السلطنه و ژنرال مالتا و اردوی سیار فارس بفوریت به شیراز فرستاده شد. حکمران آنها بعد از آنکه این خطه را دچار قتل و غارت و هرج و مرج عمومی نمود که چند ماه است شغل من روایت وقایع آن است حالا مقام خود را رها نموده و سرگردان است. از ژاندارم جنرال مالتا که بواسطه اغتشاش و خرابی وضع مأمورین محلی تا حال يك نفر بوجود نیامده و ظاهراً همه چیز را فراموش نموده ۵ هزار نفر قشونی که در فیروئری [فوریه] گذشته در اینجا برقرار شد بکلی معدوم شدند و کلیتاً منحصر به ۳۰۰ نفر اشخاص مندرس شدند که هنوز به مطالبه حقوق ۹ ماهه خود باقی هستند و از توپهای مرسوله با قشون سیار يك عراده را که سارقین بهارلو گرفته و مابقی اثرات آتشبار خود را در شیراز بروز دادند، همچو معلوم می‌شود که تمام این تدارکات برای این بود که يك قسمت منظم این خطه را منقلب و باقی را ویران بنمایند.

تقریباً در تمام قراء واقعه در دشتهای خرم اطراف شیراز یا حاصل را غارت نموده یا پایمال نموده‌اند و تنها منشأ عملیات مشهوره دولت ایران بیشتر از هر وقت باعث بدبختی و فلاکت شده با بی‌قاعدگی و رنجش زیادتر. از این رو آنچه در اوضاع فارس دقت بشود هیچ علامتی دیده نمی‌شود که بتوان تصور نمود دولت ایران حالا از سال قبل بیدارتر شده و ملتفت مسئولیتهای خود گردیده و دلیلی هم در ضمن نیست که اگر درصدد اصلاحات برآیند مجدداً همان نتیجه سابق را نخواهد بخشید و کماکان منجر به يك عاقبت وخیمی نخواهد شد.

در خاتمه این مشروحه بی‌ترتیب جسارتاً خاطر محترم را به این نکته معطوف می‌دارم که مستحفظین سواره و پیاده (از سواره ۲۵ و پیاده نظام ۷۹) مأمور اینجا در عرض ۵ ماهه تحصن قوام‌الملک در قنسولخانه در محاسن خدمتگزاری خود فروگذار

نموده‌اند. در عرض این مدت احتیاط فوق‌العاده لازم بوده و مستحفظین مزبور با کمال شوق و لیاقت به کشیک دائمی قیام نموده‌اند که خیلی بیش از اندازه قانونی آنها بوده. من نیز مغتنماً اظهار کمال تشکر را از مستر اسمیت معاون ریاست تلگرافخانه هند و اروپا می‌نمایم هم از بابت مساعدتهای پرقیمت او به من در مسئله ایلات که از تجربیات ۲۰ ساله او در بین آنها من استفاده کامل نمودم و هم از بابت مساعدت او بر ارسال بسیاری از مکاتبات محرمانه من در مواقعی که من سخت گرفتار کثرت مشغله بوده‌ام. من نیز جسارت نموده و خاطر عالی را از وضع خدمتگزاری قابل تحسین میرزا فضل‌الله‌خان منشی قنصلگری مستحضر می‌دارم که اگرچه مستخدم دائمی دولت نیست و اسماً روزی ۴ ساعت به استخدام قنصلگری پذیرفته شده ولی تقریباً تمام وقت خودش را آزادانه و صمیمانه مصروف داشته که در عرض مدتی که قوام‌الملک در اینجا بود و کارهای ایرانی فوری پیدا می‌شد و من او را لازم داشتم همیشه حاضر باشد و در مواقع مختلف به دولت انگلیس خدمات نمایان نموده و امتحانات کامل از فدویت خودش داده که من نمی‌توانم از تمجید آن صرف‌نظر بنمایم.

امضاء ج. ج. ناکس

فهرستها*

(۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا ششم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شماره هر جلد را قبل از ذکر شماره صفحات مربوط در [] قرار داده‌ایم.

(۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

نامهای کسان

یاد آوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به يك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در يك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به يك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنج‌نیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آقازاده (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶	آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰
آقازاده نراقی [ج ۶] ۱۲۵۱	آصف‌الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰
آقا سید جمال‌الدین واعظ [ج ۱] ۴۰	۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹
۴۱، ۲۱۶	۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲
آقا سید عبدالله [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷	[ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۹۶
۹۳۰	۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۱۳
آقا سید عبدالله مجتهد [ج ۱] ۸، ۹	۷۱۴، [ج ۴] ۸۳۳
۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰	آقا احمد یزدی [ج ۳] ۷۱۲
۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۰۰	آقا باقر [ج ۳] ۷۳۱
۲۳۷، ۲۳۸، [ج ۴] ۹۰۶، ۹۲۸	آقاخان (سلطان محمدشاه) [ج ۴] ۷۹۳-
آقا سید محمد (طباطبائی) [ج ۱] ۱۵۴	۷۹۵

- آقا سید محمد مجتهد [ج ۱] ۱۱، ۲۴، احمدخان میرشکار [ج ۴] ۸۶۴
 ۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۲۰، ۱۵۶
 آقا شیخ نورالله [ج ۱] ۲۴، ۲۵، ۸۲
 ۸۲
 آقا صدر [ج ۴] ۷۹۸
 آقا محمد مهدی [ج ۱] ۴۶
 آقا میرزا ابراهیم مجتهد [ج ۶] ۱۲۶۶، ۱۲۶۷
 آقانجفی [ج ۱] ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۵۷، ۲۶۷
 [ج ۲] ۳۶۹، ۵۲۳، ۸۲۲ [ج ۴]
 آقا نورالله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸
 ۱۵۷، ۲۶۷ [ج ۲]، ۴۷۱ [ج ۳]
 ۷۱۰ [ج ۴]، ۸۹۲، ۹۵۶
 آکانر نک: اوکانر
 ابراهیم (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴
 اپختانوف (پاخیتونوف؟) [ج ۶] ۱۳۰۰
 اتابک [ج ۱] ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۱ [ج ۴] ۹۰۶
 اتابک اعظم [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴
 اجلال الملك [ج ۲] ۳۸۷ [ج ۳] ۵۴۶، ۵۶۶، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱
 احتشام الدوله [ج ۶] ۱۳۴۰
 احتشام السلطنه [ج ۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶ - ۱۷۸، ۲۶۴ [ج ۳] ۷۲۷
 احمد (سلطان احمد) [ج ۳] ۶۸۵ [ج ۵] ۱۲۰۱
 احمدخان [ج ۳] ۷۱۶
 احمدخان شش بلوکی [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱
 احمدشاه (سلطان احمدشاه) [ج ۳] ۶۲۶، ۶۲۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶
 ۷۳۴، ۷۴۳ (نک: ولیعهد)
 احمد میرزا (سلطان احمد میرزا) [ج ۱] ۲۰ [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹
 ادواردز (ژنرال) [ج ۵] ۱۱۱۲
 ادوارد هفتم (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴، ۸۵۵
 ادیب التجار [ج ۱] ۲۵
 ارباب رستم [ج ۳] ۷۸۷
 ارباب فریدون [ج ۱] ۱۷۸
 ارشد الدوله [ج ۳] ۷۵۶ [ج ۵] ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳
 [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۷
 اسپرینگ ریس (سر) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷
 [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸
 استد [ج ۱] ۱۸۸
 امتر اگراوسکی - استروگراتسکی [ج ۱] ۳۰۰ [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹
 استروس [ج ۳] ۷۶۲ [ج ۶] ۱۲۸۳
 استوارت (استووارت) [ج ۱] ۷۰
 استوپولو (سر - مسیو) [ج ۵] ۱۱۶۳
 استوکس (ماژوز) [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳
 [ج ۲] ۴۷۲ [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۲۹، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۷، ۷۶۵ [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹

- ۹۴۲ [ج ۵]، ۹۷۷، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲ - ۱۱۴۶، ۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ - ۱۱۶۶، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱ - ۱۱۷۳، ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۲۵ - ۱۲۲۸، ۱۲۴۴، [ج ۶] ۱۲۵۷، ۱۲۶۲، ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۹۶، ۱۳۱۱، ۱۳۲۲، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۴۸، ۱۳۶۰، ۱۳۸۲، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، ۱۴۰۷، ۱۴۲۱
- استیونس - امتهون - امتونز - استونس [ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸، [ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۹، اسدالله [ج ۳] ۶۰۰، ۷۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵، اسدالله میرزا - شاهزاده اسدالله میرزا [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶
- اسدالله (یاور) [ج ۲] ۵۳۱، اسعدالسلطنه [ج ۶] ۱۴۷۶، اسکات (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۱۹، [ج ۵] ۱۰۱۱، اسکلی (دکتر) [ج ۱] ۱۴۱، اسکندر خان (پسر سردار ظفر) [ج ۴] ۹۳۰، اسمارت [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲، [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، [ج ۶] ۱۴۲۵، ۱۴۲۹، اسماعیل خان (دکتر) [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۹۷
- اسمیت (سی. امس) [ج ۴] ۸۰۶، [ج ۵] ۱۰۸۵، [ج ۶] ۱۴۶۹، ۱۴۸۳، اسمیرنوف [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۸۹۹، اسنارسکی (ژنرال) [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷۶۱، اسپکک (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۰، اصفرخان [ج ۱] ۲۴۹، اعتمادالذاکرین [ج ۲] ۵۲۹، اعدل الدوله [ج ۲] ۵۳۱، اعزازالممالک [ج ۲] ۴۲۶، اعظم الدوله [ج ۶] ۱۴۵۶، افتخارالتجار [ج ۱] ۱۴۰، اقبال الدوله [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۸، اقبال السلطنه [ج ۲] ۴۸۹، اقتدارنظام [ج ۱] ۲۸۲، اکبرمیرزا [ج ۱] ۲۴۹، اکبرخان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۴، اکرم السلطان [ج ۱] ۵۲، اکتور (دکتر) [ج ۱] ۲۸۲، اکزامپلاروف [ج ۳] ۶۰۶، اکفرد [ج ۶] ۱۳۹۱، الکسیس (گراندوک) [ج ۲] ۳۳۸، ۳۶۱، ام الخاقان [ج ۳] ۷۸۶، امام جمعه [ج ۲] ۲۴۶، [ج ۳] ۶۹۰، ۱۴۴، امام جمعه خوی [ج ۱] ۹۹، امام جمعه شیراز [ج ۶] ۱۴۶۴، امامزاده [ج ۳] ۶۹۰، امامقلی خان [ج ۳] ۷۳۰، امامقلی میرزا [ج ۱] ۲۲، ۲۳، [ج ۲] ۴۸۲، امان الله خان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۵، امان الله میرزا [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده امان الله میرزا [ج ۵] ۱۲۰۶، امیراسعد (پسر سپهدار) [ج ۵] ۱۰۳۷

- امیر اعظم [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶، [ج ۵] ۱۴۴۵
- امیر مکرّم [ج ۲] ۴۶۹، [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴، ۱۰۹۷، ۱۲۱۴، ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۲۸۹
- امیر نظام [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷
- امین الدوله [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
- امین السلطان [ج ۱] ۲۲، ۲۶
- امین الممالک [ج ۴] ۷۶۸
- امین دربار [ج ۳] ۶۷۴
- انتظام الملک [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷
- انتظام الممالک [ج ۶] ۱۴۶۲، ۱۴۶۴، ۱۴۷۶ (نیز نک نصر الدوله)
- اوبرن (اوبرون - ایبرن - اپرون) [ج ۳] ۵۸۴ - ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱ - ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴ - ۶۶۶، [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰ - ۸۶۳، ۸۹۶، ۸۹۸ - ۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۱۲۲۲، ۱۲۴۳، [ج ۶] ۱۲۵۵، ۱۲۵۷، ۱۲۶۰، ۱۲۷۹ - ۱۲۸۲، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۵ - ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ - ۱۳۰۷، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۲، ۱۳۱۴ - ۱۳۱۷، ۱۳۱۹ - ۱۳۲۲، ۱۳۲۶، ۱۴۵۱، ۱۴۵۳، ۱۲۲۲، ۱۲۴۳
- اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
- اوکانتر - اوکونر - اوکونار (ماژور) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
- اھرنسوارڈ (کنت) [ج ۶] ۱۲۷۳
- ایازخان دره شورى (شولى) [ج ۶] ۱۴۶۷
- ایزولسکی - ایسولسکی - ایزوالسکی - ایسولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵
- امیر افخم [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲، [ج ۶] ۱۳۴۰
- امیر الممالک [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
- امیر بہادر - امیر بہادر جنگ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۲۸، [ج ۳] ۵۵۱ - ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳ - ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶، [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
- امیرتومان - امیرتومان سوادکوهی (اسماعیل خان) [ج ۵] ۱۰۱۲
- امیر جنگ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱
- امیر حشمت [ج ۵] ۱۰۱۱
- امیرخان سردار [ج ۵] ۱۰۵۶
- امیر سیف الدین میرزا [ج ۴] ۸۱۲
- امیر عشایر [ج ۴] ۸۹۱
- امیر مجاہد بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۶، ۱۴۴۵
- امیر مفتح - امیر مفتح بختیاری [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲ - ۱۲۳۴، [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶

۱۲۲۷، [ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۵۴،
 ۱۲۵۶، ۱۲۹۶، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶،
 ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۵، ۱۳۲۴،
 ۱۳۲۹، ۱۳۴۴، ۱۳۵۱، ۱۳۵۹،
 ۱۳۷۶، ۱۴۰۰، ۱۴۰۷، ۱۴۰۹،
 ۱۴۱۰، ۱۴۱۴، ۱۴۱۸، ۱۴۴۱

بارانوسکی - بارناوسکی - بارناوسکی -

بارانوفسکی [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱،
 ۲۸۳، [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲،
 ۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹، [ج ۳]
 ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱،
 ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲-۶۸۴،
 ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲، [ج ۴] ۹۲۳

بارون استواک (مصباح السلطان) [ج ۳]
 ۷۵۶

باسکرویل [ج ۳] ۵۹۳

باقر (درودی) [ج ۴] ۷۹۴

باقرخان [ج ۲] ۳۸۷، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، [ج ۳]
 ۵۵۶-۵۵۸، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲،
 ۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲،
 ۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹،
 ۸۱۴، ۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴-
 ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-
 ۹۱۹، ۹۲۸، [ج ۵] ۱۱۵۲

باکالی [ج ۳] ۶۸۸

باکر [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹

بانوی عظمی [ج ۱] ۲۳۷

بخشو (حسن) [ج ۳] ۷۱۶

بسرایس (جیمز) [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲،
 ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷

برتی (سر فرانسیس) [ج ۵] ۹۸۵، [ج ۶]
 ۱۴۰۳، ۱۴۰۵-۱۴۰۷

برل (نایب) [ج ۶] ۱۳۴۸

برتی (سر فرانسیس) [ج ۵] ۹۸۵

برنهم - بارنهام [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹،
 ۷۰

۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱،
 ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰،
 ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰،
 ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴،
 ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲]
 ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱،
 ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵،
 ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳،
 ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴،
 ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴،
 ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹،
 ۵۱۱، ۵۱۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷،
 ۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵،
 ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲،
 ۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴،
 ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹،
 ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲،
 ۸۹۶، [ج ۵] ۱۱۸۳، [ج ۶]

۱۳۶۳

ایل بیگی [ج ۳] ۶۳۱

بارکر [ج ۱] ۱۴۲

بارکلی (سر جرج) [ج ۲] ۳۳۶، ۳۵۰،

۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲،

۴۷۳، ۴۹۸، ۵۱۲، [ج ۳] ۵۵۴،

۶۵۲، ۶۶۴، ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷ -

۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۲۹،

۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱، [ج ۵] ۹۷۵،

۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱،

۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳،

۱۱۲۵، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱،

۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳،

۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶،

برون [ج ۱] ۷۰
 بریوت (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
 بشیر خاقان [ج ۳] ۶۴۹
 بلارانوف [ج ۱] ۶۴
 بلك (لفتنت) [ج ۱] ۱۲۷
 بلك من [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۲]
 ۳۸۴، [ج ۴] ۸۷۱
 بنکن دورف (کنت) [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸،
 [ج ۲] ۴۹۳، ۵۰۹، [ج ۳] ۵۸۶،
 ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴،
 ۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۰، [ج ۵] ۱۱۲۶،
 ۱۱۴۳ - ۱۱۴۵، ۱۱۸۹، ۱۲۴۲،
 ۱۲۴۳، [ج ۶] ۱۲۶۴، ۱۲۹۱،
 ۱۳۱۸، ۱۳۲۳، ۱۳۲۷، ۱۳۸۳،
 ۱۴۰۳، ۱۴۰۶، ۱۴۱۰، ۱۴۱۹،
 ۱۴۲۳
 بومن [ج ۱] ۸۲
 بهاء السلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱، [ج ۶]
 ۱۴۶۵
 بهاء السلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱
 بهاء الواعظین [ج ۱] ۲۶۲
 بهادر السلطنه [ج ۲] ۳۸۸
 بهادر الملك [ج ۵] ۱۲۰۷
 بهبهانی [ج ۳] ۶۹۰
 بهرام خان [ج ۴] ۸۱۲، [ج ۵] ۱۰۱۴،
 ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۴، [ج ۶]
 ۱۲۸۵، برادر بهرام خان [ج ۵]
 ۱۰۷۶، ۱۰۹۹
 بهرام میرزا [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۳]
 ۷۱۳
 بیزو - بیزوت [ج ۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰،
 ۱۸۱ - ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹ - ۲۶۱،
 ۲۶۶، ۲۶۸ - ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷،
 ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، [ج ۲]
 ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵

۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸، [ج ۴] ۷۷۵،
 ۸۲۵، ۸۴۹، [ج ۵] ۱۱۲۰
 بیگلربیگی (نصرالدوله) [ج ۲] ۳۸۳،
 ۳۸۵، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۰۰، ۶۴۷
 بیل [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰،
 ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵،
 [ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۲ - ۶۰۴، ۶۱۰،
 ۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰،
 ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵،
 ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰،
 ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۲۶، ۸۳۷، ۸۴۶،
 ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷
 بیوکانات (سر) [ج ۶] ۱۳۹۱، ۱۴۰۳،
 ۱۴۰۵، ۱۴۱۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۶
 بیوک خان (پسر رحیم خان) [ج ۱] ۵۱
 ۵۲

پاری [ج ۱] ۲۸
 پاسک [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۷،
 ۷۹۰، [ج ۵] ۹۹۷
 پاسکوویل (پاسکرویل؟) [ج ۳] ۵۹۳
 پاکلوسکی - پاکلاوسکی [ج ۳] ۶۹۲،
 ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۲، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵،
 ۸۱۷، ۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲،
 ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۸۱ - ۸۸۳،
 ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۲،
 ۹۲۷، ۹۳۵، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۸،
 ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲،
 ۱۱۱۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰،
 ۱۱۳۸، ۱۱۸۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۰،
 [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۲۹۷، ۱۳۰۰،
 ۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ - ۱۳۱۰

٢٣٩، ٢٤٥، ٢٤٢، ٢٤٣ [ج ٣]،
 ٥٥٠، ٥٧١، ٦٦٤، ٦٦٥، ٦٩٩،
 ٧٠٨، ٧٠٩، ٧٢٧ [ج ٤]، ٧٧٨،
 ٨٤٥، ٨٩٠، ٨٩٥، ٨٩٧، ٩٠٥،
 ٩٠٦، ٩١٤، ٩٣٠ [ج ٥]، ١٠٢٦
 تمدن الملك [ج ٥]، ٩٧٣، ١٢٤٧
 تومانیانس [ج ٥]، ١٢١٩
 تیمورخان [ج ١]، ١٥٧

١٣١٤، ١٣١٧ - ١٣١٩، ١٣٢١،
 ١٣٢٤ - ١٣٢٦، ١٣٢٨، ١٣٣٠،
 ١٣٤٧، ١٣٥٠، ١٣٥٣، ١٣٥٤،
 ١٣٥٦، ١٣٥٧، ١٣٥٩، ١٣٦٢،
 ١٣٦٤، ١٣٦٥، ١٣٦٩، ١٣٧١،
 ١٣٧٣، ١٣٧٨، ١٣٨١، ١٣٨٥،
 ١٣٩٣، ١٣٩٥، ١٤٠٠، ١٤٠٨ -
 ١٤١٠، ١٤١٧، ١٤١٨، ١٤٣٨،
 ١٤٥١

پتروف [ج ٤]، ٩٧٠

پرني (مسيو) [ج ٥]، ١٢٢٨، ١٢٣٧

پرويز [ج ١] (نك: شاه جهان)

پري بيني زوف (كاپيتان) [ج ٣]، ٦٤٢،
 ٦٨٧، ٧٠٦

پريم [ج ١]، ٢٥، ٤٢

پسر داودخان كلهر [ج ٣]، ٧١١

پسر رحيم خان [ج ٤]، ٧٩٢، ٧٩٧، ٨١٠،
 ٩٣٨، ٩٤٣، ٩٥٥، ٩٥٦ (نك:

بيوك خان)

پسر سردار اسعد [ج ٤]، ٧٩٢، ٧٩٧

پسر ظل السلطان [ج ٣]، ٦٦٤، ٦٦٥

پسر نايب حسين [ج ٤]، ٩٥٧، ٩٥٨

پتروف [ج ٥]، ٩٨١، ٩٩٥، ٩٩٩

پوتك (ادوارد) [ج ٥]، ١١٧٢

پيترز (سیرجنت) [ج ٥]، ١٠٩٨

پيترسن (لفتنان) [ج ٥]، ١٠٨٥، ١٢٢٨

جلال الدوله [ج ١]، ٩٠، ٢١٤، ٢١٥،

٢٢٨ [ج ٢]، ٣٨٠ [ج ٤]، ٦٩،

٩٦٦، ٩٧٠ [ج ٥]، ٩٩٤، ٩٩٥،

٩٩٩، ١٠٥٧

جنتلمن [ج ٤]، ٨٠٦

جواد خان [ج ٤]، ٨٣٦

جوجو (ججو) [ج ٥]، ١٠٣٨

جولد (گولد) براند (لفتنان) [ج ٥]

١٠٨٥، ١٢٢٨

جهانگیرخان (صویرامرافیل) [ج ١]، ٢٣٩،

٢٤٦

جیمز - جیمس [ج ٣]، ٧٣١ [ج ٤]،

٨٠٦

جیپند - جیپند [ج ٤]، ٨١٢، ٩٦٠

چرچیل [ج ٢]، ٣٤١، ٣٤٦، ٣٥٤،

٣٧٢، ٣٧٧، ٣٧٨، ٤٥٩، ٥٢٦،

[ج ٣]، ٥٥١-٥٥٤، ٥٩٩، ٦٠٨،

٦١٥، ٦١٦، ٦١٨، ٦٢١، ٦٣٩،

٦٤١، ٦٤٤، ٦٤٥، ٦٨١، ٦٨٣،

تاجرباشی - تاجرباشی روس [ج ٣]

٥٩٣ [ج ٤]، ٩٣٨ [ج ٥]، ١١٦٣

ترور (کاپیتان - میجر - مسیجر؟) [ج

٢]، ٤٦٦ [ج ٤]، ٨٢٠

تزار [ج ٣]، ٦٢١، ٦٢٧

تقی زاده [ج ١]، ٩٩، ١٢٠، ١٣١، ١٤٨،

١٥٤، ١٦٥، ١٩٦، ٢١٦، ٢٢٨

- ۱۲۰۵، ۱۱۳۱
 حاجی محمد (دررودی) [ج ۴] ۷۹۵
 حاجی محمد باقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۵،
 ۸۳۰، ۷۹۶
 حاجی محمد حسین کازرونی [ج ۱] ۳۵
 حاجی محمد کریم خان (قشقائی) [ج ۵]
 ۱۰۵۸
 حاجی میرزا آقاسی [ج ۱] ۹
 حاجی میرزا رضا خان [ج ۵] ۱۰۵۵
 حاجی میرزا علی صراف اصفهانی [ج ۵]
 ۱۲۴۷
 حاجی نایب [ج ۱] ۱۲۸، ۱۵۸، [ج ۲]
 ۵۳۱
 حبیب الله خان [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۴] ۹۶۰
 حسام الدوله [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹
 حسام الملك [ج ۶] ۱۲۴۰
 حسن بنخشو (نک: بنخشو)
 حسن (وثوق الدوله) نک: وثوق الدوله
 حسین (پسر نایب الصدر) [ج ۱] ۲۸۶
 حسین خان (معین الوزاره) [ج ۶] ۱۳۴۱
 (نیز نک معین الوزاره)
 حسین خان کسمائی [ج ۳] ۷۴۴
 حسینقلی [ج ۳] ۷۰۴
 حسینقلی خان [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۸۴۵،
 ۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۴، ۹۵۰،
 ۹۵۳، ۹۵۶، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۹،
 ۹۹۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶
 حسینقلی خان نواب [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶،
 [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰
 حسینقلی شاهسون [ج ۵] ۱۰۳۷
 حشمت الدوله [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۳
 حشمت السلطان (علی خان) [ج ۶] ۱۴۸۱
 حشمت الملك [ج ۱] ۳۵، [ج ۵] ۱۰۳۸،
 ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳
- ۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲،
 ۷۲۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳،
 [ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱،
 [ج ۶] ۱۳۸۹
 [ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱
 چریکوف (چاریکوف) [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳،
 ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴-۲۹۹،
 ۳۰۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۵۱۵، [ج ۳]
 ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵
 چیک [ج ۳] ۶۶۰، ۶۶۳، [ج ۵] ۱۱۹۵،
 [ج ۶] ۱۴۴۲
- حاج امام جمعه خوئی [ج ۶] ۱۳۸۹
 حاج سید نصراله [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳
 حاج شیخ رئیس [ج ۴] ۹۲۹
 حاج میرزا رضا خان [ج ۴] ۷۷۸
 حاجی آخوند (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵
 حاجی آقا [ج ۴] ۹۳۷
 حاجی آقا محسن (اراکلی) [ج ۱] ۵۵
 حاجی ابراهیم [ج ۳] ۶۰۲
 حاجی ایلخانی [ج ۵] ۱۰۲۳
 حاجی خسرو خان [ج ۳] ۷۶۲
 حاجی رستم بیگ [ج ۵] ۱۰۳۹
 حاجی رحیم خان [ج ۲] ۵۳۰
 حاجی سیف الدوله [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۶]
 ۱۲۸۳، ۱۳۳۹
 حاجی شیخ محمد واعظ [ج ۱] ۹، ۱۱
 حاجی عزالممالک [ج ۶] ۱۳۸۸
 حاجی علی آقا [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۳] ۵۶۹،
 ۶۰۳
 حاجی علی لاری [ج ۳] ۶۵۱
 حاجی قوام [ج ۵] ۱۲۰۷
 حاجی مجد الدوله [ج ۳] ۷۰۷، [ج ۵]

۱۳۹۸، ۱۴۵۲

دالتون [ج ۵]، ۱۰۱۲، ۱۰۳۰

داودخان [ج ۲]، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰،

۵۳۳، [ج ۴]، ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵،

۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶،

۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰، [ج ۶]

۱۲۸۷

۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰

داودخان کلهر (نک: داودخان) [ج ۳]

۷۱۱، ۸۱۲، ۷۶۳، [ج ۴]، ۷۸۶،

۹۱۰، [ج ۵]، ۱۰۱۳، ۱۰۹۹،

۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۴، ۱۲۳۱

داودساسون وکمپانی [ج ۳]، ۶۵۶

دبیرالملک [ج ۴]، ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵]

۱۲۰۵

دریابیگی [ج ۱]، ۹۵، ۱۱۲، [ج ۲]

۴۷۲، [ج ۳]، ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳،

۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲، ۷۱۶، ۷۳۳،

۷۴۷، [ج ۴]، ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴،

۹۴۱، ۹۷۱، [ج ۵]، ۱۰۰۰، [ج ۶]

۱۳۴۱

دمرنی (مسیو) [ج ۵]، ۱۲۲۸

دزاتر (مسیو) [ج ۶]، ۱۳۲۴

دوداین [ج ۳]، ۶۹۸

دوگارت (ماژور) [ج ۱]، ۱۳۸

دوگلاس (کنل) [ج ۱]، ۱۰، ۶۲، ۶۴،

دولتآبادی (محمدخان) [ج ۳]، ۶۰۰

دهبزرگی (علی اکبر) [ج ۵]، ۱۱۱۸، [ج ۶]

۱۴۶۳، ۱۴۶۴

دیکی (بروس) [ج ۵]، ۱۰۰۵، ۱۰۷۳،

۱۱۴۶

ذکاءالملک [ج ۱]، ۱۷۸، [ج ۴]، ۷۷۸،

۸۹۱، [ج ۵]، ۱۰۱۱، [ج ۶]

۱۲۰۷، ۱۲۳۱

حشمت‌الممالک [ج ۴]، ۸۳۴

حکیم‌الملک (دکتر) [ج ۳]، ۷۰۴، ۷۲۷،

[ج ۴]، ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶، [ج ۵]

۱۲۰۵، [ج ۶]، ۱۳۳۵

حمیدی [ج ۱]، ۱۶۷

حیدرخان [ج ۶]، ۱۳۳۸

حیدرخان کمارجی [ج ۳]، ۷۶۴

خازن‌الملک [ج ۴]، ۷۹۵

خاص‌آقا [ج ۲]، ۲۲۶

خان انگالی [ج ۳]، ۶۵۷، [ج ۵]، ۱۰۴۰

خا بنادر سرحد (روس) [ج ۵]، ۱۱۹۱

خان بندر (بوشهر) [ج ۴]، ۸۷۳

خان بندر ریگ [ج ۳]، ۷۱۶

خان کمارج [ج ۵]، ۱۰۵۴، ۱۰۷۲،

۱۰۸۰

خان ماکو [ج ۳]، ۶۶۳

خبیرالدوله [ج ۱]، ۱۲۷، ۱۳۹

خسروخان [ج ۱]، ۸۳، [ج ۲]، ۴۷۱،

[ج ۳]، ۶۴۹

خوانین شهرابی [ج ۵]، ۱۰۷۷

خوبیوف (کاپیتان) [ج ۳]، ۷۵۵

خوردل (علی اکبر) [ج ۶]، ۱۴۷۷

دابیژا - دابیجا - دابیجی - داپسی‌چا

(پرنس) [ج ۱]، ۹۳، [ج ۳]

۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴]، ۹۰۷

داته (مسیو) [ج ۶]، ۱۳۲۴

داراب‌میرزا [ج ۴]، ۸۵۲، ۸۶۳، [ج ۵]

۱۱۶۹، ۱۱۷۸

دارسی [ج ۴]، ۸۱۵، ۸۳۱

داگلاس - دوگلاس (کنل) [ج ۶]، ۱۳۱۹

رس (خانم - مادموازل) [ج ۶] ۱۲۶۵،
۱۲۶۸، ۱۲۷۲، ۱۲۷۵، ۱۲۸۲،
۱۲۹۳، ۱۲۹۶، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹

رستم بیگ [ج ۵] ۱۰۹۹

رشید السلطان [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸،
۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۵۲،
۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲،
۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۲

رشید الملک [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۳] ۷۰۱،
۴۷۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵،

[ج ۵] ۱۱۶۱، ۱۱۶۲

رفت الدوله [ج ۳] ۶۴۹، ۷۲۹

رفت نظام [ج ۳] ۷۶۳، [ج ۶] ۱۴۴۹

رکن الدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۲] ۴۶۷،
[ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰،

۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۱۱،

۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰، [ج ۵]

۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹،

[ج ۶] ۱۳۳۷، ۱۴۴۸، ۱۴۷۱

رنکینگ (لفتنت) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۴]
۸۱۱

روتر [ج ۴] ۹۴۲

رومانوسکی [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴،
۷۰۵

ری (کاپیتان) [ج ۳] ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۶

ریت میستر سیفورت [ج ۶] ۱۳۴۷

زاپولسکی - زپولسکی (کاپیتان) [ج ۳]
۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶

زایر خزر - زایر خدر (زایر خضر) [ج]
[۴] ۸۹۴، ۹۴۱

زایر قادر (زایر خدر؟) [ج ۳] ۷۱۶

زلیونی کستن (مستر) [ج ۵] ۱۱۵۰

زمان خان [ج ۵] ۱۰۹۸

۱۴۴۴

رئیس روحانی کربلاء [ج ۳] ۷۱۲

رئیس علی [ج ۳] ۷۱۶، ۷۲۳

رئیس علی تنگستانی [ج ۴] ۹۴۱ (نک:
رئیس علی)

رابینو [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱،
۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳، [ج ۲] ۳۵۲،

۴۲۵، [ج ۵] ۱۲۰۰

راتیسیلا - راتیسلو - رتیسلو [ج ۱]
۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲،

۳۱۰، ۳۱۱، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۸،

۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸ - ۳۹۰،

۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹،

۴۲۲-۴۲۴، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۲،

۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱،

۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳]

۵۶۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۴

۵۹۹

رامل (بارون) [ج ۶] ۱۲۷۲، ۱۲۷۳

رانژل (کنت) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷

رتیسیلا [ج ۴] ۸۱۱

رجب افندی [ج ۱] ۵۲

رحیم خان [ج ۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱،

۲۷۲، [ج ۲] ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰،

۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲، ۴۸۲، ۴۹۹،

[ج ۳] ۵۶۵، ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱،

۷۳۶، ۷۴۸-۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶-

۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷، [ج ۴]

۷۷۹-۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۰،

۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹،

۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹،

۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۱۲،

۱۲۰۲، [ج ۶] ۱۳۳۷

۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹،
 ۱۱۴۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳،
 ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷،
 ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵،
 ۱۲۰۸ - ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳،
 ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱ -
 ۱۲۳۴: [ج ۶] ۱۲۵۸، ۱۲۶۶،
 ۱۲۷۳، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶ -
 ۱۲۸۸، ۱۲۹۰، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱،
 ۱۳۳۳، ۱۳۳۶، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰،
 ۱۴۲۸، ۱۴۴۲، ۱۴۵۰، ۱۴۵۶،
 سالارالدوله قاجار [ج ۵] ۱۲۳۶،
 سالارالسلطان [ج ۱] ۲۸، ۱۷۵، ۱۷۶،
 [ج ۲] ۲۸۵،
 سالارخان [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷،
 ۶۰۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲،
 سالار مسعود [ج ۴] ۸۲۳،
 سالار معزز [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹،
 سالار مکرم [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹،
 سالار مؤید [ج ۴] ۹۳۹، [ج ۵] ۹۸۱،
 سامانی (جواد) [ج ۲] ۵۴۰،
 ساکس-سایکس (ماژور) [ج ۱] ۳۴، [ج ۲]
 [۲] ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸،
 [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴]
 ۷۹۶، ۸۳۰، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸،
 ۱۲۲۹، [ج ۶] ۱۲۷۸، ۱۲۸۱،
 سپهدار - سپهدار اعظم [ج ۱] ۲۴،
 ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸، [ج ۲]
 ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹،
 ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹، [ج ۳]
 ۵۴۱-۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳،
 ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹،
 ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷-۶۰۹، ۶۱۱ -
 ۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹،

زیقلا - زیگلر [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷،
 ۲۷۲

ژرژ (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴

سابلین - سبلین [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰،
 ۳۲۲، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴،
 ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳،
 ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵،
 ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۷۳،
 ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹،
 [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸،
 ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴،
 ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰،
 ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱،
 ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲،
 ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲،
 ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳-۶۸۵،
 ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶،
 ۷۲۵

سازانوف [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲،
 ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸، [ج ۴]
 ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۱۰۰۰،
 ۱۰۱۴، ۱۱۰۵، [ج ۶] ۱۴۰۳ -
 ۱۴۰۷، ۱۴۱۴، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳،
 ۱۴۲۴، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۹

۱۱۰۵، ۱۰۱۴

ساعداالدوله [ج ۱] ۴۳،
 سالار ارفع [ج ۲] ۳۸۳ (نک: سردارظفر)،
 سالار اشرف [ج ۲] ۲۳۰،
 سالارالدوله [ج ۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶،
 ۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲، [ج ۵]
 ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹،

سردار ارفع [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۵۶۸،
۷۶۵

سردار اسعد [ج ۱] ۲، [ج ۲] ۴۳۳، ۴۵۱،

۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۷۲،

۵۷۹-۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹،

۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳،

۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴،

۶۲۷، ۶۳۶-۶۴۵، ۶۸۴-۶۸۱،

۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴-۷۰۷، ۷۱۰،

۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۰،

۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۷۳،

[ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹،

۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴،

۸۵۵، ۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴،

۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۳،

۹۱۶، ۹۲۲، ۹۳۷-۹۳۹، ۹۵۴،

۹۶۷، [ج ۵] ، ۱۰۳۶،

۱۰۴۳، ۱۰۴۷-۱۰۴۹، ۱۰۵۵،

۱۰۵۸، ۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸،

۱۰۹۶، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱،

۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷، [ج ۶]

۱۲۵۰، ۱۳۸۰، ۱۳۹۹، ۱۴۰۱،

۱۴۲۹

سردار اشجع - سردار اشجع بختیاری

[ج ۴] ۸۱۱، ۸۲۴، ۸۴۵، ۸۴۶،

۹۰۸، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵]

۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰، [ج ۶]

۱۳۳۸، ۱۴۴۸

سردار افخم [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶، [ج ۵]

۱۱۵۲

سردار اکرم [ج ۴] ۸۸۵، ۹۴۰، [ج ۵]

۱۲۱۰، ۱۲۳۴

سردار امجد [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳

سردار بیهادر (پسر سردار اسعد) [ج ۴]

۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳،

۶۴۱-۶۴۵، ۶۸۱-۶۸۴، ۶۸۶،

۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۰۴-۷۰۷،

۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶،

۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱-۷۳۳، ۷۴۱،

۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۷۸،

۷۸۲، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵،

۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹،

۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰،

[ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷،

۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳،

۱۰۳۵-۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷،

۱۰۷۳، ۱۰۷۷، ۱۰۸۴، ۱۰۹۰،

۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵،

۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶،

۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴،

۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۳۷

سپهسالار [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵،

۲۸۴، [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹،

ستارخان [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶،

۳۲۸، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱،

۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹،

۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶،

[ج ۳] ۵۵۶-۵۵۸، ۵۷۱، ۵۷۶،

۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸،

۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲،

۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳،

۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸،

۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴،

۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۴-۸۲۷، ۸۳۳،

۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-۹۱۹، ۹۲۸،

سردار احتشام (ضیغم الدوله) [ج ۶]

۱۴۷۸ (نیز نک ضیغم الدوله)

سردار ارشد [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵،

۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲،

۱۲۲۸، ۱۲۲۹

۴۱۳، ۴۲۹ [ج ۵] ۱۰۹۹
 سردار معتمد [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰
 [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۳۷
 ۱۲۲۹
 سردار منصور [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵
 ۲۲۸ [ج ۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰
 [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶ [ج ۴] ۷۸۴
 ۸۶۵، ۸۶۷
 سردار ناصر [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
 سردار نصرت [ج ۲] ۵۲۸ [ج ۴]
 ۹۷۰، ۹۷۱ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹
 ۱۰۷۶، ۱۰۹۸ [ج ۶] ۱۲۸۵
 ۱۲۸۶، ۱۲۹۰، ۱۳۴۰
 سردار حمایون [ج ۱] ۱۷۴ [ج ۲]
 ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰ [ج ۵] ۱۲۲۹
 سعدالدوله [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱
 ۸۶-۸۸، ۹۲، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶
 ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
 [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷
 ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸
 ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳
 ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳
 ۵۴۰ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰-
 ۵۵۳، ۵۵۹-۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴
 ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱
 ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲
 ۶۳۷-۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰
 ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴ [ج ۵]
 ۱۱۹۶

سعدالسلطنه [ج ۱] ۳۲۲

سعدالملک [ج ۳] ۷۴۳

سعیدالسلطنه [ج ۱] ۹۵

سعیدالممالک [ج ۲] ۵۹۹

سعیدخان [ج ۵] ۱۱۵۴ [ج ۶] ۱۲۸۵

سلطانعلیخان وزیر دربار [ج ۲] ۴۱۲

۸۴۵، ۸۵۵، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶
 ۹۱۸ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۲
 ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰ [ج ۶]
 ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۲
 ۱۴۵۰

سردار جنگ - سردار جنگ بختیاری [ج

[۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶

۷۶۲ [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶

۸۵۶، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹

۹۷۰ [ج ۵] ۱۱۹۸، [ج ۶] ۱۲۸۷

۱۳۳۶، ۱۳۵۰، ۱۴۴۵

سردار سعیدخان [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴

سردار سعیدخان (کپی) [ج ۱] ۱۵۹

سردار ظفر [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳ [ج ۴]

۸۳۴، ۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷

(نک: سالار ارفع)

سردار ظفر بختیاری [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹

[ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳

۱۲۳۲، ۱۲۳۴ [ج ۶] ۱۲۸۳

۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۳۴۰

سردار فیروز [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶

۳۲۳ [ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱

سردار محتشم [ج ۳] ۵۸۳، ۶۰۱ [ج ۴]

۹۳۱ [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۶

۱۲۲۸، ۱۲۳۰ [ج ۶] ۱۲۸۶

۱۲۸۷، ۱۳۳۶، ۱۴۴۴

سردار محیی (معزالسلطان) [ج ۴]

۹۰۷، ۹۱۶-۹۱۸ [ج ۵] ۱۱۵۴

۱۲۰۲، ۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳

۱۲۳۵ [ج ۶] ۱۲۸۷

سردار مسعود [ج ۳] ۶۱۵

سردار مظفر [ج ۳] ۵۶۶ [ج ۵] ۱۲۳۱

سردار مظفر (داودخان) [ج ۶] ۱۳۴۰

سردار معتضد (بیهجتالملک) [ج ۱]

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰ [ج ۲]

۴۲۸

سلیمان میرزا [ج ۱] ۲۱۷

سلیم خان بهادر السلطنه [ج ۲] ۳۸۸

سهام الدوله [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱

۷۴۶-۷۴۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۷۴

۷۷۶، ۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷

۸۶۸

سهام السلطنه [ج ۲] ۵۲۳

سید [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸

[ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹

سید ابوالحسن [ج ۳] ۵۶۹

سید احمد (دستکی) [ج ۱] ۱۷۵

سید اسدالله [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷

سید اسدالله نجفی [ج ۳] ۶۱۲

سید اکبر [ج ۱] ۱۷۴

سید اکبر شاه [ج ۵] ۱۱۵۴

سیدالمحققین [ج ۵] ۱۰۱۱

سیدجعفر [ج ۳] ۵۶۹

سیدجمال السدین (راعظ؟) [ج ۱] ۴۱

۲۱۶

سیدحسن [ج ۱] ۲۶۲

سید حسین لاری [ج ۲] ۴۱۰

سید شبر [ج ۳] ۷۳۳ (نک: شیخ شبر)

سید شهاب [ج ۱] ۱۲۸

سید عبدالله - سید عبدالله مجتهد [ج

[ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳

۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲

۹۱۴، ۹۲۵ (نک: آقا سید عبدالله

مجتهد)

سید عبدالحسین [ج ۲] ۵۲۴، [ج ۳]

۶۰۳، ۷۱۴

سید عبدالحسین لاری [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷

۱۳۹، ۱۷۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱

[ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷

۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴

۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۶۷، ۷۵۸

۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۹

سید عبدالصاحب [ج ۳] ۷۱۶

سیدعلی یزدی [ج ۱] ۱۴۵

سید کمال الدین [ج ۳] ۷۱۱

سید لاری [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵

[ج ۳] ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۶

۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱

سید محمد [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳، [ج ۳]

۷۱۳

سیدمرتضی [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲

[ج ۳] ۴۷۷، ۴۷۸، ۶۰۵، ۷۱۶

[ج ۴] ۹۶۴

سیدمرتضی اهرمی [ج ۳] ۷۴۷ (نک:

سید مرتضی)

شاپشال [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴

شاهجهان (شاه جهانیان) - پرویز [ج ۱]

۲۷، ۳۵، ۱۶۲

شاهزاده فرمانفرما [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰

۴۳۲، ۴۵۳ (نک: فرمانفرما)

شاهزاده نایب السلطنه [ج ۲] ۲۴۶ (نک:

نایب السلطنه)

شاه مخلوع [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵

۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲

۱۱۲۲، ۱۱۲۴-۱۱۲۷، ۱۱۳۴

۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶-۱۱۵۸

۱۱۶۰-۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰

۱۱۷۱، ۱۱۷۶-۱۱۷۹، ۱۱۸۷

۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷

۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵

۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۴

۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵

۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳، [ج ۶]

- ۱۰۸۷، ۱۰۷۳، ۱۰۱۷، ۱۰۰۵، ۱۲۷۳، ۱۲۶۶، ۱۲۶۳، ۱۲۶۱،
 ۱۱۰۴، ۱۱۰۲، ۱۰۹۴، ۱۰۹۱، ۱۲۸۹، ۱۲۸۷، ۱۲۸۱، ۱۲۷۸،
 ۱۱۲۰، ۱۱۱۹، ۱۱۱۱ - ۱۱۰۹، ۱۳۰۱، ۱۲۹۹، ۱۲۹۸، ۱۲۹۲،
 ۱۱۴۹ - ۱۱۴۶، ۱۱۳۶، ۱۱۲۹، ۱۳۲۱، ۱۳۱۲، ۱۳۰۴، ۱۳۰۲،
 ۱۱۷۴، ۱۱۶۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۱، ۱۳۳۲، ۱۳۲۹، ۱۳۲۴، ۱۳۲۳،
 ۱۱۹۹، ۱۱۹۰، ۱۱۷۷، ۱۱۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۶۷، ۱۳۳۷، ۱۳۳۳،
 ۱۲۵۷ [ج ۶]، ۱۲۲۸، ۱۲۲۵، ۱۳۷۸، ۱۳۸۲، ۱۳۸۲، ۱۳۹۵ -
 ۱۲۸۹، ۱۲۸۲ - ۱۲۷۹، ۱۲۶۴، ۱۳۹۷، ۱۴۰۴، ۱۴۰۲، ۱۴۰۰، ۱۴۰۶،
 ۱۳۰۰، ۱۲۹۶، ۱۲۹۲، ۱۲۹۱، ۱۴۱۱، ۱۴۱۰، ۱۴۰۷، ۱۴۰۶،
 ۱۳۰۷، ۱۳۰۵ - ۱۳۰۳، ۱۳۰۱، ۱۴۴۱، ۱۴۲۲، ۱۴۱۷، ۱۴۱۴،
 ۱۳۲۷، ۱۳۲۶، ۱۳۲۳ - ۱۳۱۰، ۱۴۴۸، (نیز، نك: محمدعلی شاه،
 ۱۳۳۶، ۱۳۳۵، ۱۳۳۲ - ۱۳۲۹، محمدعلی شاه قاجار، محمدعلی
 ۱۳۵۳ - ۱۳۴۸، ۱۳۴۶، ۱۳۳۹، میرزا)
 ۱۳۶۷، ۱۳۶۴ - ۱۳۵۸، ۱۳۵۶، شجاعالتولیه [ج ۳] ۶۴۷
 ۱۳۷۵، ۱۳۷۲، ۱۳۷۰، ۱۳۶۹، شجاعالدوله نك: صمدخان
 ۱۳۸۶، ۱۳۸۳، ۱۳۸۰، ۱۳۷۹، شجاعالسلطنه [ج ۵] ۱۲۳۵
 ۱۴۰۲ - ۱۴۰۰، ۱۳۹۲، ۱۳۸۸، شجاعالملک [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، [ج ۳]
 ۱۴۱۴، ۱۴۰۹ - ۱۴۰۷، ۱۴۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵
 ۱۴۴۶، ۱۴۴۵، ۱۴۴۰، ۱۴۲۳، شجاعنظام [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴، [ج ۲]
 ۱۴۶۱، ۱۴۵۹، ۱۴۵۵، ۳۸۹
 شوکتالملک [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، شجاعالملک [ج ۳] ۷۲۹
 ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، شجاعالسلطنه [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲،
 شهابالدوله (اسدالله میرزا) [ج ۴] ۷۷۳، (نك: اسدالله میرزا) ۱۵۶،
 شهابالسلطنه [ج ۴] ۹۶۹، [ج ۵] ۱۲۳۰، [ج ۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰،
 شوکتالدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲،
 شوکتالملک [ج ۳] ۷۲۹، [ج ۶] ۱۳۰۰، ۱۲۲۹، ۱۲۰۵،
 شیپلی [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳، ۱۳۰۲، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ - ۱۳۱۰،
 شیخ آقا (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۱۳۱۲ - ۱۳۱۴، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷،
 شیخ اسماعیل هشترودی [ج ۴] ۸۹۰، ۱۳۲۰، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷،
 شیخالرئیس [ج ۱] ۹، ۲۲، ۱۹۵، ۲۳۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۴۹،
 شیخ حسین چاه کوتائی [ج ۳] ۷۱۶، ۱۳۵۴ - ۱۳۵۶، ۱۳۶۰ - ۱۳۶۲،
 شیخ خزعل [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲، ۱۳۶۵، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۴۳۸،
 شیخ زکریا [ج ۲] ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۱۴۳۹، ۱۴۴۱، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵،
 ۹۴۱، ۷۱۳، شکرالله [ج ۳] ۸۰۸،
 شکسپیر (کاپیتان) [ج ۲] ۴۶۵،
 شوستر، مورگان [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴

۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲ - ۱۲۱۴،
 ۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، [ج ۶]
 ۱۲۸۷ - ۱۲۸۹، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷،
 ۱۴۴۱، ۱۴۴۷
 صمصام [ج ۲] ۴۳۲
 صمصام خان [ج ۲] ۲۵۱
 صمصام السلطنه [ج ۱] ۵۴، ۸۱، [ج ۲]
 ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶ - ۳۷۰، ۳۸۳،
 ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳،
 ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵،
 ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱، [ج ۳]
 ۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱،
 ۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۰،
 [ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷، ۷۹۸،
 [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰،
 ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹،
 ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۲۸۲، ۱۳۴۹،
 ۱۴۳۹، ۱۴۴۳ - ۱۴۴۶، ۱۴۶۷،
 ۱۴۷۲، ۱۴۷۵
 صمصام الملك [ج ۲] ۳۸۴
 صمصام الممالک [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴]
 ۹۰۲، ۹۶۰
 صمصام الممالک سنجابی [ج ۵] ۱۰۱۳،
 ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
 صمصام نظام [ج ۵] ۹۸۲
 صنیع الدوله [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹،
 ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳،
 ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸ - ۱۹۰،
 ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸، [ج ۲] ۳۸۰،
 ۵۲۹، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷،
 ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴،
 ۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۷۹،
 ۹۸۷ - ۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳،
 ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸،
 ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰

شیخ شبر [ج ۳] ۵۶۸ (نک: سید شبر)
 شیخ عبدالله زنجانی (ج ۳) ۷۳۲
 شیخ علی [ج ۳] ۷۳۴
 شیخ علی دشتی [ج ۲] ۷۳۳
 شیخ فضل الله [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳،
 ۱۴۵ [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۹، ۴۴۶،
 [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰،
 ۷۰۷
 شیخ محمد حسین یزدی [ج ۳] ۷۲۸
 شیخ محمود [ج ۱] ۲۹
 شیخ نزقور [ج ۴] ۹۶۲
 شیرخان [ج ۲] ۵۳۳
 شیندلر - شنیدلر [ج ۶] ۱۲۹۷، ۱۳۳۹،
 ۱۳۹۲
 صاحب اختیار [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹ - ۱۷۱،
 ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲]
 ۴۷۰، [ج ۳] ۶۰۲، [ج ۵] ۹۹۸،
 ۱۱۵۲، ۱۲۰۶
 صارم الدوله [ج ۳] ۷۳۰
 صارم الملك [پسر ارشد سردار ظفر]
 [ج ۴] ۹۴۰، ۹۷۰
 صارم الممالک [ج ۴] ۹۰۹
 صدراعظم [ج ۳] ۵۵۱
 صدرالدین بیگ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲
 صدر العلماء [ج ۲] ۳۸۴
 صدیق الحرم [ج ۱] ۲۶۲
 صدیق حضرت [ج ۳] ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸
 صدیق السلطنه [ج ۳] ۷۲۸
 صمدخان [ج ۲] ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲،
 ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰،
 ۵۱۴، [ج ۳] ۵۴۷، ۵۹۱، ۵۹۳،
 ۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۰،
 [ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۰

- صنیع حضرت [ج ۳] ۶۴۳، ۶۳۶، ۷۰۰، ۷۰۷
- صولت الدوله [ج ۲] ۴۱۴، ۴۱۰، ۳۸۵، ۴۳۲، ۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۲-۶۰۴، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳، ۷۱۳-۷۱۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸-۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲-۸۹۴، ۹۰۸-۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷-۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۰، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۲-۱۲۴۴، ۱۲۶۳، [ج ۶] ۱۲۵۴-۱۲۶۰، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶-۱۲۶۹، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹-۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۷۱، ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱
- صولت السلطنه [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱۴
- [ج ۶] ۱۲۷۹، ۱۴۷۸، ۱۴۸۱
- صولت الملك [ج ۴] ۷۸۹
- ضرمغام الدوله [ج ۵] ۱۰۹۸
- ضرمغام السلطنه [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷
- ضرمغام السلطنه بختیاری [ج ۴] ۹۱۶
- ضرمغام الشریعه [ج ۶] ۱۴۶۴
- ضرمغام بختیاری (حسین خان) [ج ۳] ۷۶۲
- ضرمغام نظام [ج ۵] ۱۱۰۰
- ضیاء السلطان [ج ۵] ۱۲۳۰
- ضیغم الدوله [ج ۴] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۵۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۹، [ج ۶] ۱۲۶۹، ۱۲۷۹، ۱۳۳۹، ۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۸، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱ (نیز نك سردار احتشام)
- ضیغم السلطنه [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۲۸۶
- ظفر السلطنه [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۳، ۹۳۲، ۹۳۳، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۵۲، [ج ۶] ۱۴۸۰
- ظل السلطان [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶-۱۷۹، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۹، ۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹
- ضرمغام [ج ۳] ۷۳۶

- عضدالملک [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۴ [ج ۴] ۸۶۹، ۸۹۱، ۹۲۱، ۹۶۶ [ج ۵] ۹۸۵، ۱۰۱۱ [ج ۶] ۱۴۸۰، ظہیرالاسلام [ج ۵] ۱۲۰۵، ظہیرالدولہ [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹ [ج ۳] ۶۵۰، ۷۳۱ [ج ۴] ۷۹۸ [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۵۶ [ج ۶] ۱۳۳۷، ظہیرالسلطان [ج ۴] ۹۵۶، ۹۶۸ [ج ۵] ۹۸۰، ظہیرالملک [ج ۲] ۵۳۳ [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶
- عباس آقا (قاتل اتابک) [ج ۱] ۹۴
عباس خان افشار [ج ۱] ۱۵۸
عباس خان چناری [ج ۴] ۹۴۰ [ج ۵] ۱۰۷۷ [ج ۶] ۱۲۸۳، عباسقلی [ج ۴] ۸۸۹، عباسقلی خان [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲ [ج ۲] ۳۴۶ [ج ۴] ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۸۷، عباسقلی خان نواب [ج ۱] ۲۶۴ [ج ۴] ۸۸۶، عبدالرحیم (حاجی) [ج ۱] ۳۸ [ج ۲] ۳۸۳، عدل الدولہ [ج ۲] ۴۳۰ [ج ۳] ۷۱۰، عدیل الملک [ج ۱] ۱۷۴، عسکر سلیم [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۵۴، عضدالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۱، ۱۲۳۳ [ج ۶] ۱۳۳۳، ۱۳۴۰
- علاءالدولہ [ج ۱] ۳۲، ۳۲۳ [ج ۲] ۳۸۵، ۵۲۳، ۵۲۵ [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۵۰، ۷۱۲، ۷۱۴ [ج ۵] ۱۲۰۷، ۱۴۶۵ [ج ۶] ۱۴۷۷، عطاءالسلطنہ [ج ۵] ۱۱۱۵، عطاءنظام [ج ۵] ۱۱۱۵، علاءالدولہ [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴-۲۱۷، ۲۲۸ [ج ۲] ۳۸۰ [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰، ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵ [ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۱ [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۲۶۱، ۱۲۶۴، ۱۲۶۶-۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶-۱۲۷۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵، ۱۳۳۹-۱۳۴۱، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۴۴۵، ۱۴۴۹، ۱۴۷۵، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، علاءالسلطنہ (محمدعلی) [ج ۱] ۳۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱-۳۰۳، ۳۳۰ [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲ [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳ [ج ۴] ۷۸۴، ۸۲۱ [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، علاءالملک (محمودخان) [ج ۱] ۸۱، ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷ [ج ۲] ۳۶۱

- فتح‌الملک [ج ۴] ۸۰۸
 فخر‌الملک [ج ۳] ۷۶۵ [ج ۵] ۱۰۹۸،
 ۱۲۰۷، ۱۱۵۳
- فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲
 فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) [ج ۱] ۳۵
 فردوسی [ج ۳] ۶۴۱
 فرمانفرما [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱،
 ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶،
 ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴،
 ۳۲۴ [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸،
 ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹،
 [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷،
 ۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶،
 [ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰،
 ۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،
 ۹۴۴، ۹۵۶ [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۳۶،
 [ج ۶] ۱۲۵۹، ۱۴۴۵، ۱۴۷۲
 (نک: شاهزاده فرمانفرما)
- فرید‌الملک [ج ۵] ۱۲۳۱
 فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج ۱]
 ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
- فریزر [ج ۳] ۶۸۸
 فضلعلی [ج ۴] ۸۲۳
 فکس (ماژور) [ج ۱] ۸۳
 فلک (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
 فن (مستر) [ج ۵] ۱۲۳۰
 فهیم‌الملک [ج ۴] ۷۷۸ [ج ۵] ۱۰۵۵
- قائم‌مقام [ج ۱] ۱۳۶، ۱۶۹
 قاسم‌آقا (سرتیپ) [ج ۳] ۵۶۶
 قلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
 قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹،
 ۲۸۶ [ج ۲] ۴۳۱، ۴۷۱ [ج ۳]
 ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴
- ۳۶۲ [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰ [ج ۵]
 ۱۰۷۴
 علم‌المهدی [ج ۲] ۵۳۳
 علی‌جان (چلبیانلو) [ج ۱] ۲۲، ۲۸
 علی‌خان [ج ۴] ۷۹۸
 علی‌خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴
 علیقلی [ج ۳] ۶۸۹ [ج ۵] ۱۱۵۴
 (نک: سردار اسعد)
 علیقلی‌خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰ [ج ۳]
 ۵۶۹ (نک: سردار اسعد)
 عمید‌الحکماء [ج ۴] ۷۷۸
 عمید‌السلطان [ج ۲] ۴۶۰ [ج ۴] ۷۸۵
 عین‌الدوله [ج ۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰،
 ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲،
 ۳۲۳، ۳۲۴ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳،
 ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹،
 ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳،
 ۷۴۴ [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲،
 ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱،
 ۹۴۴، ۹۵۶ [ج ۵] ۹۹۷، ۱۰۳۶،
 ۱۲۰۶، ۱۲۲۹ [ج ۶] ۱۲۸۳،
 ۱۳۳۹
- غریب‌خان [ج ۱] ۸۱ [ج ۳] ۷۰۹
 [ج ۴] ۸۲۸، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۴۵
 غفارخان [ج ۴] ۷۷۹
 غفاری (محمد ابراهیم) [ج ۴] ۸۲۲
 غلام‌حسین‌خان وراوی [ج ۴] ۷۸۹، ۹۶۲
 غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰
 غلام‌محمد (ماژور) [ج ۶] ۱۳۸۸
- فاتح‌السلطنه [ج ۱] ۱۷۵ [ج ۳] ۷۰۹
 فاضل [ج ۳] ۷۴۴

- کاظفر [ج ۴] ۸۰۸
 کاکس (ماژور) [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۲] ۳۶، ۴۷۸، ۴۶۶، ۴۶۵، ۴۵۱
 [ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۱۴
 کلنل ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶
 کاکس [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲ لیوتنان
 کلنل کاکس [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰
 ۱۰۷۲، ۱۱۹۵، ۱۲۱۶، [ج ۶] ۱۴۷۰، ۱۲۵۹، ۱۲۶۹، ۱۲۹۳
 کاکس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
 کامران میرزا [ج ۱] ۱۴۰
 کاولوبوسکی [ج ۳] ۷۶۵
 کراسل (کاپیتان) [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
 کراسویت (لیوتنان) ۷۳۲
 کرمول [ج ۶] ۱۳۹۰
 کرنٹدوف (کرنٹدوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
 کرنز، فرانک [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵
 ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴
 کرسٹمس [ج ۳] ۷۱۵
 کری پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
 کریم خان (برادرزاده رحیم خان) [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸
 ۸۲۱، [ج ۶] ۱۲۹۰
 کسوبا ایف (کاپیتان) [ج ۱] ۶۴
 کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷
 کلم (مسیو) [ج ۶] ۱۳۷۴
 کلمستدت (کاپیتان) [ج ۶] ۱۳۴۷
 کلبن (مسیو) [ج ۶] ۱۳۸۱
 کلی [ج ۴] ۸۹۴
 کوان، پاتریک [ج ۵] ۱۰۷۰
 کورتین [ج ۵] ۹۹۳
 کوکوفتسوف [ج ۶] ۱۳۷۲، ۱۳۷۳
 کولن گامبل [ج ۳] ۷۱۹
 کون [ج ۳] ۷۵۵، ۷۵۶
 کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۰، ۱۰۳۹
- ۷۱۵، [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴
 ۱۱۰۳ - ۱۱۰۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵
 ۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲۵، ۱۲۱۴
 ۱۲۳۰، ۱۲۱۵
 قوام الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰
 [ج ۲] ۴۲۸، [ج ۴] ۸۶۹
 قوام السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵] ۱۲۰۵
 [ج ۶] ۱۴۳۵، ۱۴۴۳
 قوام الملک [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵
 ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸
 ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸
 [ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۳
 ۷۳۰-۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶
 [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۸۷۲، ۸۹۳
 ۹۳۲، ۹۴۱، ۹۶۰، [ج ۵] ۱۰۳۲
 ۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸
 ۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۷ -
 ۱۰۶۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹
 ۱۱۱۳ - ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸
 ۱۱۸۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶
 ۱۲۴۲، [ج ۶] ۱۲۵۴، ۱۲۵۹
 ۱۲۶۳ - ۱۲۶۸، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵
 ۱۲۹۵، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴
 ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ - ۱۴۷۲
 ۱۴۷۴ - ۱۴۷۷، ۱۴۷۹، ۱۴۸۱ -
 ۱۴۸۳
- کادلویبکی (?) [ج ۴] ۷۸۷
 کارترایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳
 ۶۳۳، ۶۳۵، ۷۳۱، [ج ۵] ۱۱۱۲
 کاره [ج ۱] ۱۵
 کاستلی (مستر) [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰
 ۱۲۱۱
 کاشف السلطنه [ج ۳] ۶۷۴

گندلخان [ج ۴] ۹۱۲	کینغا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
	کینغا محمدعلی [ج ۴] ۸۰۸
	کیرن (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳	کیلرناک - کیلمارناک (لرد) [ج ۵]
لانگ-لنگ (لیوتنان) [ج ۵] ۱۰۴۰	۱۰۴۴، ۱۰۸۵
لتیلتن [ج ۴] ۸۰۶	کینگاستون-کینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲،
لشکر نویس باشی [ج ۱] ۱۲۴	۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱،
لکفر (مستر) [ج ۶] ۱۳۰۱، ۱۳۰۳،	۱۰۸۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸
۱۳۰۴، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۱۰،	
۱۳۱۵، ۱۳۲۰، ۱۳۵۰، ۱۳۵۳،	
۱۳۵۸، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶۹،	گاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶
۱۳۷۵، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹ -	گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نک: کولن گامبل)
۱۴۰۳، ۱۴۰۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۴،	گای (ارنست) [ج ۱] ۲۱۹، ۲۵۲
۱۴۲۶، ۱۴۵۵، ۱۴۶۱	گراهام - گراهم، گریهم، گرهم [ج ۱]
لمسن [ج ۲] ۳۸۴	۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳،
لوتار (لوتر - سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶،	۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵،
[ج ۶] ۱۴۵۳	۱۷۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶،
لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹	۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶-۴۰۸، ۴۳۲،
لونهایت (نایب کنت) [ج ۶] ۱۳۴۸	۵۲۴ [ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۳۷،
لیاخف (کلنل) [ج ۱] ۶۳، ۶۴، ۱۱۶،	۶۴۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۱۱، ۷۲۷،
۱۲۵، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰،	۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶،
۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳،	۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸، [ج ۵] ۱۲۰۳،
۳۲۱، [ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۸،	۱۲۴۰، ۱۲۴۱، [ج ۶] ۱۲۹۸
۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳، ۶۸۴،	گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵،
۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، [ج ۴] ۷۸۳،	[ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰ -
[ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹	۸۶۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۰۷،
لیس آوسکی - لیسوسکی [ج ۱] ۸۲، [ج	۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۷۱،
[ج ۴] ۹۰۱-۹۰۳	۱۱۷۲، ۱۱۹۴، ۱۲۱۸، ۱۲۴۵،
لی گس [ج ۱] ۱۲۸	[ج ۶] ۱۲۵۳، ۱۲۸۰، ۱۳۲۵،
لمیتین [ج ۴] ۸۰۶	۱۳۴۴، ۱۳۵۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶،
لینتن [ج ۲] ۵۳۵	۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۴، ۱۴۰۶،
لینچ - لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳	۱۴۰۷، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۸،
لیندلی (دکتر) [ج ۱] ۱۶۸	۱۴۲۹
لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳]	گریگوریف [ج ۵] ۹۸۰
۶۵۶	کنجعلی [ج ۴] ۸۲۳

۱۰۰۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱ -

۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴، [ج ۶]

۱۳۸۷، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵

محتشم‌الملک [ج ۱] ۱۷۴۰

محمد آقا [ج ۱] ۱۵۷

محمد باقر [ج ۳] ۷۱۶

محمد بن عبدالله [ج ۳] ۶۶۸، [ج ۶] ۱۴۳۲

محمد حسن خان (حاکم دررود) [ج ۴]

۷۹۵

محمد حسن میرزا [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵،

۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۷۴

محمد خان [ج ۱] ۱۴۳

محمد خان (منشی قنصلگری انگلیس) [ج]

[۴] ۷۹۴

محمد خان دولت‌آبادی [ج ۳] ۶۰۰

محمد رضا خان [ج ۱] ۳۵، [ج ۴] ۹۶۰

محمد علی (معاون نایب‌حسین کاشی) [ج]

[۵] ۱۰۷۵

محمد علی خان کشکولی [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۰۰،

۱۰۸۴، [ج ۶] ۱۴۶۷، ۱۴۸۱

محمد علی [ج ۲] ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰،

[ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴،

۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶،

۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۴۱ (نک:

محمد علی شاه، محمد علی میرزا)

محمد علی بیگ [ج ۳] ۷۰۱

محمد علی شاه [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹،

۴۷۶، [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰،

۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴، [ج ۴] ۸۵۲،

[ج ۵] ۹۸۵، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲،

۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷ -

۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳،

۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵،

۱۱۷۷، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰،

۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷،

مؤتمن‌الملک [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳،

۲۲۰، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۵۹،

۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸،

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵]

۱۰۳۶، ۱۰۵۵، [ج ۶] ۱۴۳۴

مؤیدالدوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰،

۲۴۵، ۳۲۱

مؤیدالسلطنه [ج ۱] ۱۷۳، [ج ۲] ۶۰۱

مارابل (خانم) [ج ۴] ۸۵۶

مارکس افکرو [ج ۵] ۱۲۱۲، ۱۲۴۵

مارلینگک [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۴] ۸۳۷،

۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹،

۸۶۱، ۸۶۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶،

۹۳۵

مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹۴

مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹۶، ۱۰۱۰،

۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲،

۱۰۴۵، ۱۰۵۳، ۱۱۹۸، [ج ۶]

۱۴۸۲، ۱۴۷۹

متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵، [ج ۶]

۱۳۸۷، ۱۳۹۰

مجتهد اعظم شیراز [ج ۶] ۱۴۲۲،

۱۴۶۸

متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵

مجدالملك [ج ۱] ۸۱

مجلد السلطان [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۵] ۱۱۰۶،

۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶،

۱۱۹۵، ۱۱۹۶، [ج ۶] ۱۳۳۷

مجلد السلطنه [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶

محتشم‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱

محتشم‌السلطنه [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰،

[ج ۲] ۳۹۰، [ج ۳] ۵۷۷، [ج ۴]

۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷،

- مختار السلطنه [ج ۳] ۷۳۲
 مدیرالدوله [ج ۴] ۹۳۱، ۹۴۰
 مدیر السلطنه [ج ۶] ۱۴۷۶
 مدیرالملک (میرزا علی خان) [ج ۲] ۳۳۴
 مرتضی قلی خان [ج ۱] ۲۴۶، [ج ۵]
 ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵،
 ۱۲۳۲
 مرل (مستر) [ج ۶] ۱۳۳۲
 مرنارد [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰،
 ۱۶۱، [ج ۴] ۸۹۰، [ج ۵] ۱۱۰۲،
 ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸،
 ۱۱۱۷، [ج ۶] ۱۴۰۱
 مزیل (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
 مساوات [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۵
 مستشارالدوله [ج ۱] ۲۱۹، ۲۱۶، ۱۵۴
 ۲۳۸، ۲۸۱، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷،
 ۶۷۴، ۷۲۷، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۸،
 ۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱،
 ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳
 مستشار السلطان [ج ۳] ۶۷۴
 مستشار السلطنه [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰۴،
 ۷۲۶، ۷۰۷
 مستشار دفتر [ج ۲] ۴۲۶
 مستوفی الممالک [ج ۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶،
 ۲۲۰، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱،
 ۶۴۰، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴]
 ۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶،
 [ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۱۱،
 ۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷
 مسعودخان [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲
 مشیرالدوله [ج ۱] ۳۰، ۳۱، ۲۵، ۱۳،
 ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰،
 ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲،
 ۱۶۰-۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲،
 ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰،
 ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹،
 ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵ (نک: محمد
 علی میرزا، محمد علی شاه قاجار، شاه
 مخلوع)
 محمد علی شاه قاجار [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰،
 ۶۸۰
 محمد علی میرزا [ج ۱] ۴، ۲۰، ۲۴۳،
 ۳۰۷، [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷،
 ۶۳۲-۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵،
 ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰-۷۰۳،
 ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳،
 ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵،
 ۷۵۶، ۷۵۸، [ج ۴] ۸۶۴، [ج ۵]
 ۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹،
 ۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰،
 ۱۱۶۲-۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱،
 ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳،
 ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰-۱۲۰۳،
 ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰ (نک:
 محمد علی شاه، محمد علی شاه قاجار،
 محمد علی، شاه مخلوع)
 محمد علی نیشابوری [ج ۴] ۹۳۸، ۹۶۸،
 [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲
 محمد قلی خان [ج ۳] ۷۰۱
 محمد کریم خان قشقایی [ج ۵] ۱۱۱۴
 مخبرالدوله [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱،
 ۵۶۵، ۶۲۲، ۶۲۷-۶۴۰، ۶۴۳،
 ۷۰۷
 مخبر السلطنه [ج ۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰،
 ۱۳۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶، [ج ۲]
 ۴۸۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱،
 ۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷،
 ۷۰۸، ۷۲۸، ۷۳۹، ۸۳۷، ۷۴۱،
 ۷۵۸، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶
 مخبرالملک [ج ۳] ۶۷۴

- ۲۶۵، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، ۱۲۲۶، [ج ۶] ۱۳۸۷، ۱۴۴۴
- مشیرالسلطنه [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۶۸، ۳۰۰، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۲۸، [ج ۲] ۵۵۲، ۵۶۳، [ج ۴] ۷۸۳
- مشیرالملک [ج ۱] ۳۱، [ج ۳] ۷۱۳، [ج ۵] ۱۰۹۸
- مشیرالممالک [ج ۱] ۳۵، [ج ۲] ۳۸۴، مصباح السلطان [ج ۳] ۷۵۶، مصطفى میرزا [ج ۳] ۷۴۵، مظفرالدوله [ج ۲] ۳۸۹، مظفرالدینشاه [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۵] ۱۲۳۴
- مظفر نظام [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، معاضدالسلطنه [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲، [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۲۰۵، [ج ۶] ۱۴۴۴، ۱۳۸۷
- معاضدالملک [ج ۵] ۱۰۵۵، معاون الدوله [ج ۱] ۳۲، [ج ۴] ۸۲۷، ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۹۵، ۱۲۰۵
- معاون الممالک [ج ۴] ۹۰۸، معتمد خاقان [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۸۵۵، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۱۸، ۱۱۰۰
- معتمد دیوان [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶، معتمد همایون [ج ۲] ۵۴۰، معدل الممالک [ج ۲] ۴۰۶، معز السلطان [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰، معزز الملک [ج ۴] ۹۵۶
- معیر الممالک [ج ۴] ۸۲۳، [ج ۵] ۱۰۳۷، معین الاسلام [ج ۲] ۵۳۴، معین الدوله [ج ۱] ۱۴۰، [ج ۳] ۶۷۴، ۷۴۴
- معین الرعايا [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
- معین السلطان [ج ۳] ۷۴۳، معین الغرباء [ج ۴] ۷۹۴-۷۹۶، ۸۳۰، معین الوزاره [ج ۱] ۲۳۹، [ج ۵] ۱۱۹۶، [ج ۶] ۱۴۳۸-۱۴۴۱
- معین همایون-معین همایون بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، [ج ۶] ۱۳۳۶
- مفیث الدوله [ج ۵] ۱۱۱۸، [ج ۶] ۱۴۶۵، مفاخر الملک [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳، [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۸۳، ۷۰۰، ۷۰۷
- مفتاح السلطنه [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۶۳
- مقتدر نظام [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۳] ۶۴۳، مک دول [ج ۵] ۱۰۱۸، ۱۰۵۹، ۱۰۷۷، مک کاسکی [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱۴۶، مک موری [ج ۴] ۹۱۱، ملاحسینعلی [ج ۴] ۷۹۵، ملا خورشید [ج ۴] ۸۰۸، [ج ۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
- ملا سلیمان [ج ۴] ۷۹۵، ملا عبدالکریم [ج ۴] ۷۹۵، ملا علی پناه [ج ۴] ۸۰۸، ملا قباد [ج ۴] ۸۰۸، ملا قربانعلی [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۵
- ملا کاظم خراسانی [ج ۶] ۱۳۳۷، ملا محمد آملی [ج ۳] ۶۴۳، ملا محمد کاظم خراسانی [ج ۳] ۷۳۲

- ملا مهدی [ج ۱] ۴۶، ۴۷، [ج ۲] ۵۶۷
 ملت (مستر) [ج ۲] ۴۸۰، [ج ۵] ۱۰۰۰۵،
 [ج ۶] ۱۲۵۲، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶،
 ۱۴۵۳
 ملك المتكلمين [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹،
 ۲۴۶
 سلینکان (دکتر) [ج ۱] ۲۳۸
 ممتازالدوله [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶،
 [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶،
 ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵
 منتصرالدوله [ج ۴] ۹۵۹
 منتظم الدوله [ج ۲] ۴۰۷، [ج ۴] ۷۹۸،
 ۷۶۹
 منصورالسلطنه [ج ۳] ۶۰۲
 منصورالسلطنه عرب [ج ۴] ۷۸۷
 منصورالملک [ج ۱] ۱۷۵
 موار (مستر) [ج ۳] ۵۹۳
 موثق الدوله [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
 مورلی (لردویکنت) [ج ۳] ۷۱۹، ۷۲۱
 مورلی بلك برون (ویکنت) [ج ۳] ۶۹۵
 (نک: مورلی)
 موسوی شوشتری (ابوالحسن) [ج ۵]
 ۱۰۰۵
 موقرالذوله [ج ۵] ۱۲۳۲، [ج ۶] ۱۳۴۱
 موقرالذوله [ج ۵] ۱۲۳۲
 موقرالسلطنه [ج ۳] ۷۵۶
 مهدی خان [ج ۱] ۹۶
 مهدی خان قفقازی [ج ۴] ۷۹۸
 مهندس الممالک [ج ۱] ۲۲، ۸۱، [ج ۲]
 ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵،
 ۶۷۴
 میدلتن [ج ۳] ۷۳۲
 میربرکت - میربرکت خان [ج ۳] ۶۰۵،
 [ج ۴] ۹۴۵
- میربیابان [ج ۴] ۹۴۵
 میرپنج [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷
 میرپنجه [ج ۳] ۷۱۶
 میرزا ابراهیم [ج ۲] ۵۳۴
 میرزا ابراهیم خان [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵]
 ۱۰۵۵
 میرزایابا [ج ۳] ۷۴۴
 میرزا حبیب الله خان [ج ۶] ۱۴۷۱
 میرزا احسن خان (اصفهان) [ج ۱] ۲، [ج ۵]
 ۱۲۴۷
 میرزا سید ابوالقاسم خان [ج ۱] ۲
 میرزا عباس خان [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰
 میرزا عبدالرحیم خان [ج ۵] ۱۰۱۳
 میرزا علی اکبر خان [ج ۱] ۲۶۲
 میرزا علی محمد خان [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴
 میرزا فضل الله خان [ج ۶] ۱۴۸۳
 میرزا کاریز خان [ج ۱] ۲۶۸
 میرزا کاظم خان [ج ۱] ۲۸۶
 میرزا محمود خان [ج ۱] ۲
 میرزا مهدی خان [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷،
 [ج ۵] ۱۲۴۵، [ج ۶] ۱۲۶۲،
 ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵،
 ۱۳۴۴، ۱۳۶۶، ۱۴۱۵، ۱۴۵۴
 میرهاشم [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸
 میلر [ج ۲] ۵۲۷
 ناتانی [ج ۴] ۸۳۵
 ناصرالدین شاه [ج ۱] ۶۵، ۸۹، [ج ۳]
 ۶۹۸، [ج ۵] ۱۰۶۸
 ناصرالسلطنه [ج ۱] ۲۸۷
 ناصرالملک [ج ۱] ۲۵، ۳۲، ۸۱، ۸۴،
 ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲،
 ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۹-۱۴۳، ۱۸۱،
 ۱۸۶، ۲۱۴، [ج ۲] ۳۹۷، ۴۳۹

- ۱۳۷۷، ۱۳۹۳، ۱۴۳۰، ۱۴۴۳،
 ۱۴۴۵ - ۱۴۶۱، ۱۴۶۴، ۱۴۶۶
 (نیز نك: ناصر الملك)
 نایب السلطنه (عموی شاه) [ج ۳] ۷۰۸،
 ۷۱۲
 نایب السلطنه هند [ج ۶] ۱۲۹۳
 نایب الصدر [ج ۱] ۲۸۶
 نایب حسین [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۵۷۶،
 ۷۴۵، ۷۶۲ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶،
 ۸۸۲، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱،
 ۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ -
 ۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۱۳،
 ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۱۹۴،
 ۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰،
 ۱۲۴۱، ۱۲۴۳ (نیز نك: نایب
 حسین کاشی)، [ج ۶] ۱۲۶۷،
 ۱۲۹۰، ۱۳۳۸
 نایب حسین کاشی [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹،
 ۹۳۹، [ج ۵] ۹۹۸ (نیز نك: نایب
 حسین)
 نایب یوسف [ج ۳] ۵۷۶
 نراتوف [ج ۳] ۷۴۷، [ج ۵] ۱۱۲۳،
 ۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷،
 ۱۱۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۷۳، ۱۱۷۷ -
 ۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸،
 ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳،
 [ج ۶] ۱۲۶۰، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰،
 ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷، ۱۳۰۴ -
 ۱۳۰۶، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۵،
 ۱۳۱۷، ۱۳۱۹ - ۱۳۲۲، ۱۳۲۷ -
 ۱۳۲۹، ۱۳۴۶، ۱۳۴۹ - ۱۳۵۱،
 ۱۳۵۲، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۶۰،
 ۱۳۶۳، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴،
 ۱۳۷۷ - ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۹۴ -
 ۱۳۹۷، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲، ۱۴۰۴،
 ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰،
 [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۶، ۵۵۷،
 ۵۵۹ - ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۶۳۱،
 ۷۰۷، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۸۱، ۹۰۷،
 ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۷ (نایب السلطنه)
 [ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۰۸،
 ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰، ۱۰۳۵،
 ۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، [ج ۶]
 ۱۴۳۵ (نیز نك: نایب السلطنه)
 ناظم [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۴۷۰،
 ناظم التجار [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
 ناکس (مستر) [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱،
 ۹۰۴ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۲۹،
 ۱۰۴۲ - ۱۰۴۶، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱،
 ۱۰۵۲، ۱۰۵۸، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱،
 ۱۰۶۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳،
 ۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱،
 ۱۲۴۶
 نایب [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹،
 نایب السلطنه [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱،
 [ج ۳] ۵۵۱ - ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴،
 ۶۲۲، ۶۳۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸،
 ۷۴۳، [ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۲۳،
 ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱،
 ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،
 ۹۶۳ [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶ -
 ۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶،
 ۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶ -
 ۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۳۶، ۱۰۵۴،
 ۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶،
 ۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲،
 ۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶،
 ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹،
 ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، [ج ۶] ۱۲۷۰،
 ۱۳۱۲، ۱۳۱۷، ۱۳۳۷، ۱۳۵۰

- ۱۴۰۵، ۱۴۰۷ - ۱۴۱۱، ۱۴۱۴، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۲۶
- نرول برتدل (نایب) [ج ۶] ۱۲۴۸
- ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳
- نصرالدوله [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۲] ۴۶۸، ۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۳-۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱
- [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۶۷، ۱۴۷۰ (نیز نک: انتظام الممالک)
- نصرت السلطان [ج ۴] ۹۱۲
- نصرت الممالک [ج ۳] ۷۳۱
- نصیرالملک [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۴] ۸۳۵، ۹۶۰، ۹۶۱، [ج ۶] ۱۴۶۵، ۱۴۷۷
- نظام السلطنه [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲-۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، [ج ۳] ۶۴۹، ۶۵۲، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۴، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴، ۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲-۱۰۴۹، ۱۰۵۱-۱۰۵۴، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰، ۱۱۰۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵-۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶، ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۴۲، [ج ۶] ۱۲۵۵-۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۸، ۱۳۳۹، ۱۴۶۳-۱۴۷۲، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۸، ۱۴۸۲
- ۱۲۲۳، ۱۲۴۲
- نظام الملك [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۶۹۰
- نظربیکت اوف [ج ۳] ۵۹۳
- نظرعلی خان [ج ۳] ۷۱۱
- نظرعمرائی [ج ۴] ۹۳۲
- نظم الدوله [ج ۳] ۶۷۴
- نعمت الله (فاتل قوام الملك) [ج ۱] ۱۷۵
- نقیب السادات [ج ۱] ۵۱
- نلسون [ج ۳] ۶۴۱
- نوئل (کلنل) [ج ۵] ۱۲۴۶
- نواب (حسینقلی خان) [ج ۳] ۵۹۶، [ج ۴] ۹۱۵
- نورمحمدخان [ج ۵] ۱۱۱۳
- نوز [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳، [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۶] ۱۴۰۱
- نیرالدوله [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲، [ج ۲] ۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۹۶، [ج ۵] ۱۱۵۲، [ج ۶] ۱۳۳۸، ۱۴۴۸
- نیکراسو [ج ۳] ۷۵۵
- نیکلسون [ج ۲] ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۴۸، ۴۹۵، ۴۹۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴-۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۹، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۷، ۷۵۰-۷۵۳، ۷۵۵-۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۳-۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸، [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷، ۱۱۳۴، ۱۱۴۵، ۱۱۶۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹، [ج ۶] ۱۲۶۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶، ۱۳۰۱، ۱۳۰۸، ۱۳۱۵، ۱۳۶۶، ۱۴۱۵
- نیکلین (اینٹنڈنت) [ج ۶] ۱۲۴۸
- نیلکان (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵

نیو، جارج [ج ۶] ۱۲۸۹

وولات (دکتر) [ج ۵] ۱۱۱۴ - ۱۱۱۶،
[ج ۶] ۱۴۷۹ویکتوریا (ملکہ انگلیس) [ج ۳] ۶۹۸
ویلسن (لیوتنان) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۵]
۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۲۴۴، [ج ۶]
۱۲۵۵، ۱۲۹۸، ۱۴۷۳

ویکسون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

ہارت ویگ (ہارت ویک) [ج ۱] ۴۷، ۷۷،
۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲،
۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱-۱۹۳، ۱۹۵،
۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲-۲۱۴،
۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۰،
۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲،
۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸،
۳۱۴ - ۳۱۷، ۳۲۵ - ۳۲۸، [ج ۲]
۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶ہاردیک (سر چارلز) [ج ۴] ۸۴۷
ہاردینگ (سر - ہاردیک؟) [ج ۲]
۳۹۳، ۵۱۹، ۵۲۲ہاکنز [ج ۱] ۲۵۲
ہاورت، ہاوارت، ہاورس (کاپیتان) [ج ۱]
۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰،
[ج ۲] ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲،
۵۳۳ہاینیک (کاپیتان) [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸
ہرمزمیرزا [ج ۱] ۲۱۴
ہرہاز [ج ۶] ۱۲۸۶
ہموسن (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۸
ہوسن (مستر) [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۷۵
ہونر (کاپیتان) [ج ۳] ۵۶۷
ہیکاک (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹، [ج ۶]
۱۲۹۷، ۱۳۹۲، ۱۴۴۸وادیولسکی - واوپولسکی (پرنس -
کلنل-پالکونیک) [ج ۴] ۸۷۳،
۸۹۵، ۹۱۵، [ج ۵] ۱۱۹۳، [ج ۶]
۱۳۳۲، ۱۴۴۱وارد (لیوتننت) [ج ۵] ۱۰۴۰
والی پشتکوه [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱۶،
۱۱۵۵، ۱۱۹۷
وثوق الدولہ [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹،
[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷،
۹۳۶، [ج ۵] ۱۱۴۸، ۱۲۰۴،
۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷، [ج ۶]
۱۲۶۵ - ۱۲۶۷، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸،
۱۳۳۵، ۱۳۴۲ - ۱۳۴۴، ۱۳۶۹،
۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۱۴۳۸ - ۱۴۴۰،
۱۴۴۴، ۱۴۴۵وحناندخان [ج ۵] ۱۱۰۰
وحیدالملک [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۸،
۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۶۷
وزیر افخم (سلطانعلی خان) [ج ۱] ۱۹،
۳۲، ۲۵۴
وزیر اکرم [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰،
[ج ۳] ۷۲۸وزیرزادہ [ج ۵] ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۸
وزیر مخصوص [ج ۱] ۸۱
وزیر ہمایون [ج ۱] ۳۲، ۸۱
وکیل الرعایا [ج ۴] ۸۶۸، ۸۹۰، ۸۹۱،
۹۲۸ولات (دکتر) [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴]
۷۸۸
ولیعہد [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰،
۶۹۶، ۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
وود (ا. او.) [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۱۲۰

[۴] ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰،
 ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۸،
 ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹، ۸۹۱،
 ۹۱۶ - ۹۱۸، [ج ۶] ۱۲۷۹،
 ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۳۳۳، ۱۳۳۶،
 ۱۳۹۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸، ۱۴۶۱

یعیی میرزا [ج ۳] ۷۲۸

یدالله میرزا [ج ۶] ۱۴۶۸

یعقوبعلی بربری [ج ۵] ۱۰۹۷

یفرم [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲،
 ۱۲۲۹، ۱۲۳۳ (نیز، نك: یپرم)

یوزباشی قربان [ج ۵] ۱۰۱۲

یوسف [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶

یوسفخان [ج ۳] ۶۸۴

هیگ (کلنل) [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹،
 [ج ۶] ۱۲۸۶

هیگاک (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹

هیگ (کلنل) [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹

هیلز (آر. دبلیو) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳،
 ۱۰۹۴، ۱۱۴۶

یارمحمدخان - یارمحمد [ج ۵] ۱۰۵۵،
 ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹

یالمارسن (کاپیتان) [ج ۵] ۱۰۸۵،
 ۱۲۲۸

یاور اسدالله ۵۶۷ (نك: اسدالله)

یپرم - یپرمخان - یفرم - یفرمخان [ج
 ۳] ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج